

مختلفه در مجلس بوده اند معنای بیطرفی نیستند همه ما را در ستکاری ایشان را دیده ایم لازم نیست که در اطراف این مسئله مذاکره بشود از آنجائی که ما همه صحت عمل ایشان را دیده ایم یقین داریم که اگر ایشان حسابی داشتند تا حساب خودشان را تفریح نمیکردند و مناسباً نمی گرفتند فکرشان راحت نبود و هر نوع اظهارکاری که درباره ایشان در مراجع بشود باطل است و باید تجسس کرد شاید حیل مخصوصی در کار باشد که این اظهارات درباره ایشان میشود بنده نهایت درجه متأسفم که در ملک مانده عقیقه بجائی رسیده است که تصور نمیکند کسی بتواند برای خدمت به ملک یکقدم بردارد بدون اینکه از طرف مردم نسبت بار سوء ظنی تولید نشود.

یک روزنامه دیگر نسبت بنمایندگان یک بهائی بنویسد که شاید لایق خود او باشد بنویسد کلام ووزرائی که برای تصویب عهدنامه سفارت رفته اند مستطیع بر گشته اند این شخص قدری کوتاه نظرات است که نمیداند ممکن است در ملک اشخاصی پیدا شوند که فقط از نقطه نظر حسن وطن خواهی کار میکنند و خیال میکنند مثل خود او باید برای مزد کار کرد البته اینها در نیست و همه این حال را ندارند بل هستند اشخاصی که در این ملک فقط برای مزد کار میکنند ولی در مقابل اشخاصی هم هستند که مزد آنها فقط محفوظ ماندن مصالح و منافع ملک آنها است این دو مطلب را باید از هم تفکیک کرد اینها را باید بشناسند آنها را هم باید شناخت یک روزنامه دیگری از کلاسیست می دهد که چهار هزار تومان پول گرفته و در این ملک هم هیچ کسی نیست که بپردازد و تقبیل کند و واقعاً در صدد کشف قضیه بر آید و ببیند اگر حقیقتاً یک وکیل چهار هزار تومان پول گرفته است آنکس را مجازات کنند و اگر چنین پولی گرفته نشده آن نویسنده را مجازات کنند واقعاً این محیط مملو از سوء ظن و نهم قابل حیات نیست در این مواد اخیراً یک پیشنهادی تقدیم کرده ایم و از آقای رئیس خواهش می کنم بفرمایند این پیشنهاد خوانده شود و در این خصوص یک تصمیمی اتخاذ شود که بالاخره حیثیت نمایندگان و مقام اشخاص از تعرض مصون بماند (جمعی گفتند تصدیق است)

رئیس این مسئله که اشاره فرمودید قابل اهمیت نبود چون آن روزیکه عهدنامه رأی داده شد ۶۳ نفر آقایان نمایندگان حاضر بودند و فقط چهار نفر مانع کردند و ۵۹ نفر رأی دادند بنده این مسئله را قابل اهمیت نمی دانستم که اینجا ذکر شود ولی آقای ارباب کیخسرو چون جزو هیئت رئیسه بودند لازم دانستم تحقیق شده در مجلس ذکر شود که خاطر آقایان مسبوق باشد آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - نظریه آقای رئیس را بنده تصدیق میکنم که چون بیک نفر از اجراء هیئت رئیسه یک نسبتی داده شده است یا یک سوالی شده است آقای رئیس مکلف بودند تحقیقات بکنند و

اطلاعات خودشان را بفرمایند ولی این نسبتی که در جرائد داده میشود بنده عقیقه ام این است که باید تطبیق و کشف شود مثلاً نسبت می دهند که یک نفر از وکلاء چهار هزار تومان تعارف گرفته چه وجه سکه سکوت در این مسئله خیلی بد است

رئیس - مسئله راجع به آقای ارباب کیخسرو را تصدیق فرمودید و راجع به مسئله چهار هزار تومان هم پیشنهادی شده است قرائت میشود مسئله عهد نامه هم که تصویب شده و قابل اینکه شخص اعتنا نکند نیست غیر از این اگر فرمایشی دارید بفرمایید

حاج شیخ اسدالله - راجع به آقای ارباب کیخسرو عرض میکنم ایشان یک ابوالجهمی داشته اند اگر هم حساب ایشان باقی باشد وزارت مالیه از ایشان سؤال کند نه جرائد و چون ایشان حسابشان را با مالیه مفروغ داشته و مفاصدا گرفته اند وزارت مالیه باید متذکر جات جرائد را تکذیب کند

رئیس - راجع به قضیه که در یکی از جرائد نوشته شده و آقایان سردار معظم و حاج شیخ اسدالله اظهار کردند و پیشنهادی شده قرائت میشود که در مذاکره باید بشود میشود و الا رأی میگیریم

آقای سید یعقوب - بنده اجازه خواسته بودم

رئیس راجع به آقای ارباب کیخسرو

آقای سید یعقوب - غیر راجع به مسئله سابق یعنی اصل معلومات عرض داشتم

رئیس این یک موضوعی است علیحده و بعد باید متذکر بفرمایید

آقای سید یعقوب - آآن صحت در مطبوعات است

رئیس در این موضوع حالا هر چه صحت کند بفرماید است پیشنهاد قرائت میشود بعد در آن باب اگر فرمایشی دارید بفرمایید (پیشنهاد منور به وضوح ذیل قرائت شد)

نظر باینکه در شماره ۸۴ ستاره ایران در مقاله اساسی مندرج است که خرواری مبلغ پنجقران بخاری شهری تخفیف داده شده و چهار هزار تومان بتوان تعارف توسط یکی از وکلاء مجلس شورای ملی گرفته شده است با درج همچه نسبتی مجلس شورای ملی مکلف است که بدون تأخیر در صدد تحقیق مطلب برآمده پس از کشف حقیقت تحقیقاتی را که لازمه این امر است بعمل آورد برای تلب باین مقصود ما امضاء کنندگان پیشنهاد می نمایم که مجلس شورای ملی یک کمیسیون مرکب از پنج نفر انتخاب نماید که در صدد تحقیق مطلب و کشف حقیقت بر آید و با مراجعه بمنافع انتشار این خبر و سایر مسائل مقتضیه صحت و سقم و اتهم را تعیین و راپورت آنرا به مجلس تقدیم دارند تا تصمیم مقتضی اتخاذ شود

تأیید - تقریباً سی نفر امضاء کرده اند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای سید یعقوب - بنده عرض می کنم قبل از اینکه مجلس رسمیت پیدا کند ما مکرر صحبت میکردیم که باید قانون مطبوعات تکمیل شود و هیئت منصفه داشته

باشیم ما را بصدای بلند فریاد می کنیم که قانون هیئت منصفه را به مجلس بیاورند که هر وقت در جرائد صحتی میشود بآن هیئت رجوع شود و وقت مجلس بیخود تلف نشود بنده عرض می کنم که ملک مشروطه باید دارای مجلس و دارای محکمه و دارای همه چیز باشد و این مطلب به محکمه رجوع شود

رئیس - خارج از موضوع بود

آقای سید یعقوب - عین موضوع بود

رئیس قانون هیئت منصفه را به مجلس آورده اند و چند روز دیگر بنظر آقایان میرسد آقای

فهم الملك (اجازه)

فهم الملك - در این باب عرض ندارم

رئیس آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - بنده از یک قسمت از جرائد معلی امتنان دارم چنانچه در ستاره ایران نوشته بود که ساحت مجلس شورای ملی در تمامی ملک ایران منزله است و برای جلوگیری از بعضی نسبتیهای که جرائد به بعضیها می دهند یگانه وسیله همان تکمیل قانون مطبوعات

رئیس راجع باین پیشنهادی که شد اظهاری ندارید ؟

مستشار السلطنه - عرض می کنم این بود که مطبوعات یک نوعی منظم شده است که مجلس را منزله دانسته است

رئیس اینهم خارج از موضوع بود و راجع باین پیشنهاد کسی اظهاری ندارد (اظهاری نشد) پس رأی میگیریم به تشکیل کمیسیون پنج نفری آقایانی که تصویب میکنند بفرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس تصویب شد البته آقایان در موقع تنفس این پنج نفر را انتخاب خواهند فرمود

سردار معظم - بنده عرض دارم اجازه می فرمایید

رئیس بفرمایید

سردار معظم - نظرایان که کمیسیون وظیفه اش تعیین شده است آیا ممکن است اعضاء کمیسیون بقرعه تعیین شوند

رئیس در نظام نامه چیزی راجع بقرعه نوشته نشده است و تا بحال هم رسم نبوده است فقط یک مرتبه چنین اتفاقی افتاده است و گمان می کنم اگر مطابق نظام نامه رفتار شود و این مسئله سابقه نشود بهتر باشد

سردار معظم - بنده قانع شدم

رئیس چون جمعی از آقایان قسم یاد نکردند اند اگر مخالفی نباشد امروز این چند نفر قسم یاد میکنند

آقایان مفصله الاسامی به وضوح ذیل قرائت نمودند من که در ذیل امضاء میکنم خداوند را بشهادت مطالبم و بقرآن قسم یاد میکنم مادام که حقوق مجلس

و مجلسیان مطابق این نظام نامه محفوظ و معجزی است تکالیفی را که بین رجوع شده است همه امکان با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهم و نسبت به اعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مغفم خود صدیق و راستگو باشم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران

آقایان مستحق العلماء طایفاتی اقبال السلطان قوام الدوله حاج میرزا علی محمد

رئیس آقای شیخ الاسلام اصفهانی (احضار برای اداء مراسم تعلیف)

شیخ الاسلام - بنده هنوز نتوانسته ام خودم را برای قسم خوردن حاضر کنم مستعفی هستم چند روز بینه مهلت بدهید

در این وقت آقایان مفصله الاسامی احضار و قسم یاد نمودند

آقایان سید الملك شيخ العربین زاده حائری زاده (آقای حائری زاده قسم نامه را با اضافه کلمه (حقیقی) پس از اداء مغفم و تبدیل افسار بران به اسلام قرائت نمودند

رئیس - خطاب به آقای حائری زاده - شما حق ندارید چیزی که آنجا نوشته شده است تغییر دهید یا باید همانطور که آنجا نوشته شده است قسم یاد کنید یا اینکه اصلاح قسم یاد نمائید

حائری زاده - گمان می کنم چندان فرقی نکند

رئیس - اگر شاید چیزی اضافه کنید دیگری هم چیزی بشهرش می رسد میخواهد اضافه کند دیگری یک چیزی کسر میکند بهمان ترتیب که در ورقه نوشته شده است مجدداً قرائت نمائید (سجده مطابق قسم نامه قرائت و پس از ایشان آقایان ذیل قسم یاد نمودند

آقایان - آقا سید کاظم - معتمد السلطنه صدرائی - نظام الملک - حاج مقبل السلطنه - حاج امین

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده نماینده آقای شیخ الاسلام اصل زاده هم قانون اساسی و ملاحظه فرموده اند یاخیر ؟ اگر ملاحظه فرموده اند چگونه از قسم خوردن استنکاف می نمایند ؟

رئیس - استنکاف نمودند در جلسه دیگر قسم یاد می کنند دو فقره راپورت یکی راجع به حاج میرزا تقی خان نماینده تأیید دیگری راجع به معتمد السلطنه نماینده طهران رسیده است قرائت میشود رأی می گیریم

آقای ملک الشعراء راپورت شعبه اول را راجع به حاج میرزا تقی خان به وضوح ذیل (قرائت نمودند)

شعبه اولی در تاریخ ۲۷ قوس منعقد بدو سه انتخاب آقای حاج میرزا محمد تقی خان نائینی مراجعه نمود در دوم صفر ۱۳۴۰ انجمن نظار تشکیل و اعلان انتخابات را منتشر نموده و از ۱۴ شهر مزبور

الی ۲۲ اخذ رأی نموده و از کلیه هزار و شصت و شصت و نه ورقه تفرقه کدر شهر و حوزهای اطراف داده شد بود هزار و پانصد و نود و چهار رأی مأخوذ و آقای حاج میرزا محمد تقی خان با اکثریت هزار و دویست و هشتاد و یک رأی منتخب گردیده اند انجمن نظارت و عایت مدت قانونی برای شکایات را کاملاً نموده و بعد اعتبار نامه به منتخب داده است - در دوسه شکایات قابل توجهی موجود نبود لذا شعبه به اکثریت تام انتخاب حاج میرزا محمد تقی خان را تصویب مینماید

رئیس - نسبت به این راپورت مخالفی نیست ؟

(اظهاری نشد)

پس رأی می گیریم آقایانیکه نمایندگی آقای حاج میرزا تقی خان را تصویب می کنند قیام نمایند (اقلب قیام نمودند)

تصویب شد - آقای سردار معظم (اجازه)

سردار معظم - بنده قبل از قرائت راپورت راجع به آقای معتمد السلطنه عرض دارم و تصور می کنم اگر امروز راپورت راجع به آقای معتمد السلطنه قرائت نشود بهتر است زیرا فعلاً ایشان فرمانفرمای آذربایجان هستند و پس از اینکه اعتبار نامه ایشان تصویب شد باید یکی از این دوشغل را انتخاب کنند یا اینکه از مقام فعلی یعنی ایالت آذربایجان استعفاء دهند و یا از مقام نمایندگی در صورتیکه شاید در هر دو مورد بشود از وجود ایشان استفاده کرد در هر صورت بنده از نقطه نظر ملاحظه و ضمیمه آذربایجان لازم میدانم قبل از آنکه مجلس به نمایندگی آقای معتمد السلطنه رأی بدهد بدولت مراجعه شود و نظریه دولت معین شود و پس از آنکه نظریه دولت معلوم شد آنوقت ممکن است مجلس شورای ملی در باب اعتبار نامه آقای معتمد السلطنه رأی بدهد - بالاتر از این عرض بکنم تصور می کنم دولت هم مجبور شود بخود آقای معتمد السلطنه مراجعه کند و کسب تکلیف از ایشان کند در هر صورت برای انجام دادن هر یک از این مطالب بنده خواندن راپورت را امروز صلاح میدانم و توضیح میدهم که مطلب اساساً امروز از دستور خارج شود و در موقت آنیه یا در بازنده روز دیگر در باره ایشان رأی گرفته شود

رئیس - شاهزاده سلطان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده چنانچه در جلسه گذشته هم عرض کردم این فلسفه را نمی فهمم که مجلس شورای ملی مطابق کدام حق می تواند اعتبارنامه یک نفر از وکلاء را عقب بیندازد یا بعبارت آخری یک حوزه انتخابیه را از داشتن وکیل در پارلمان معلوم سازد مکرر عرض کرده ام باز هم عرض میکنم ما این حق را نداریم فقط این حق را داریم که ببینیم فلان وکیل صلاحیت وکالت را دارد یاخیر اگر صلاحیت دارد تصدیق و الا رد کنیم ماحق نداریم اعتبار نامه معتمد السلطنه و تقی زاده را عقب بیندازیم من بآن شعبه که

تا بحال اعتبارنامه را عقب انداخته اند خیلی اشغال دارم نه تنها اعتبارنامه تقی زاده اعتبارنامه آقای وثوق الدوله چرا مطرح نمیشود مردمانی که آنها را انتخاب کرده اند چه تقصیری دارند که باید نمایندگان در مجلس نباشند - حال شده است که مجلس باز شده است و هنوز تکلیف بعضی از وکلاء معلوم نیست مایاباید آنها را رد کنیم یا قبول اینکه عرض میکنم نه نقطه نظر شخص و وثوق الدوله یا تقی زاده یا معتمد السلطنه است از نقطه نظر اهالی و حوزة انتخابیه است بنده که یکی از وکلای طهران هستم حق دارم بگویم که باید دوازه دیگر وکیل طهران در مجلس باشد معین - طور سایر اهالی طهران چرا طهران که باید ۱۲ نفر وکیل در مجلس داشته باشد ده نفر دارد و هینطور سایر نقاط آنجائی که آقای وثوق الدوله را انتخاب کرده اند یا آنجائی که آقا سید ضیاء الدین را انتخاب کرده اند چرا باید از حق داشتن وکلای خود در مجلس محروم باشند ما فقط حق داریم اعتبارنامه که به مجلس می آید بدارد کنیم یا قبول و اینکه فرمودند به واسطه رجوع کنیم بسیار بد سابقه خواهد بود و اولین سابقه است که در مجلس گذارده خواهد شد و بنده کاملاً مخالفم که برای رأی دادن درباره وکیل یکی بهیئت دولت رجوع شود از دولت سؤال کنیم که آیا صلاح میدانید برای بدیم یاخیر قانون اساسی تکلیف مجلس و وکلاء را تعیین کرده و میگوید پس از آنکه اعتبار نامه وکیل به مجلس آمد باید رسیده گی شود و موافق قانون انتخابات بایستی پس از یک هفته مجلس رد یا قبول آن اعتبارنامه را معین نماید منتهی وقتی که اعتبار نامه وکیل را به مجلس تصویب کرد آن وکیل مختار است یا قبول نمایندگی میکند یا رد میکند و این طور آقای معتمد السلطنه که وکیل هستند اگر امروز اعتبارنامه ایشان تصویب شد بهیئت دولت نظریه خود را ضمیمه مجلس نموده و ایشان اطلاع میدهند آنوقت اگر ایشان صلاح خود را در مقام بایالت آذربایجان دیدند البته از وکالت استعفا می فرمایند اهالی تهران از حق خود استفاده نموده دیگری را انتخاب خواهند کرد و اگر مصلحت خود را رد قبول و کلاً رد نمایند پس اگر تشریف خواهند آورد امروز هم اوضاع آذربایجان خوبست و اردوی دولتی فتوحاتی میکند و بجز می رود موانع و مشکلاتی باقی ندارند و شاید در ظرف یک دو هفته بارضاع آنجا خاتمه داده شود باین ترتیب در خانه تکرار میکنم از نقطه نظر اینکه اهالی نباید از حقوق خودشان محروم بمانند تمام اعتبارنامه ها که در شعبات باقی مانده بایستی رسیدگی شود تا قاضی کنیم از آقایان رفقای خودم همانطور که آقای رئیس فرمودند و در بوظایف خودشان عمل نموده در باب قبول اعتبار نامه وکلاء و تکلیف موکلین را معلوم نمایند بالاخره بنده مراجعه بدولت را بکلی مخالفم

سردار معظم - اجازه بفرمایید ؟

رئیس - بفرمایید

سردار معظم - متأسفانه حضرت والا بنده در این موقع بخصوص از نظر های مختلفه بکار نظر معذره ایسم و ناچار نسبت به

بنده در این موقع بخصوص از نظر های مختلفه بکار نظر معذره ایسم و ناچار نسبت به

حق ندارد هیچ شغل دولتی را اهم از اینکه حقوق بگیرد یا بگیرد معده دار باشد بگویند من و کالت را قبول نموده و از ایالت آذربایجان استعفاء میبخشم و چون یقین دارم ایشان کاملاً علاقمند به اجرای قانون هستند همین کار خواهند کرد این خیال است که مرا وادار میکنند پیشنهاد کنم و تقاضا کنم که رأی دادن نسبت باین اعتبارنامه را در روز تأخیر و تمویق بیندازند و من یقین دارم که اگر متناسب معطرات و معظوراتی را که در این موقع از استعفاء میغیر السلطه تولید می شود با محرومیت مرگین طهران در نظر بگیریم بدون هیچ تردیدی باید بگوئیم محرومیت موقتی اهالی تهران از داشتن یازدهمین نماینده مرجع است و یقیناً اهالی تهران نیز از نقطه نظر لزوم حفظ منافع آذربایجان بآن همراه هستند اما راجع به تعیین تکلیف سایر نمایندگان بنده نیز با حضرت والا موافقم البته چه عیب دارد تکلیف نمایندگان تقی زاده معین شود زیرا مورد تقی زاده غیر از مورد مغیر السلطه است و همچنین باید تکلیف نمایندگان آقای و تروق السلوه معین شود از این جهت من با شاهزاده کاملاً موافقم ولی چون حضرت والا خودشان علاقمند به مسائل آذربایجان هستند باید در این مواد بخصوص با بنده موافقت نمایند ضمناً در بین فرمایشاتشان فرمودند بایستی تکلیف سید شهاب الدین هم معلوم شود باید دانست که تکلیف سید شهاب الدین معین است سید شهاب الدین نماینده است ایران نیست و علاوه اعتبارنامه هم نگرفته است و کالت مشارالیه بکلی کان لم یکن است.

حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرماید؟
رئیس - گمان می کنم مذاکرات کافی باشد باید رأی بگیریم آذربایجان که مذاکرات را در این موضوع کافی میدانند قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

معلوم میشود کافی است ، حالا باید رأی بگیریم . حالا باید اول رأی بگیریم در اینکه این مسئله بتأخیر افتد یا خیر اگر تصویب نشده بود در خود اعتبارنامه رأی گرفته خواهد شد ، آقایانی که تصویب میکنند این اعتبارنامه از دستور خارج خود بمانند برای روز دیگر قیام فرمایند .

(غالباً قیام نمودند)

تصویب شد ، اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه نفس میشود بعد تمهیدنامه جامعه ملل مطرح خواهد شد .

(در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - لایحه جمع و خرج کل بودجه مملکت را آقای وزیر مالیه تهیه و رسان نموده اند طبع و توزیع شده بکمیسیون بودجه ارسال خواهد شد ، لایحه ای هم آقای آقا شیخ ابراهیم زنجانی بطور طرح قانونی راجع باستخدام پیشنهاد کرده اند بکمیسیون مبعکرات ارسال میشود - بالفصل خود اول در تمهیدنامه جامعه ملل شروع میشود و در رد کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

آقای شیخ اسدالله - اگر چه پس از توزیع این

مطلوبه مخالف یکدیگر می شود ایشان وارد یک مطلب کلی شدند و دو دلیل برای جواب من ارائه نمودند اول محروم نکردن حوزه انتخابیه محله اعتبارنامه نماینده شان هنوز تصویب نشده ، ثانیاً لزوم تعیین تکلیف نمایندگان که تا بحال تکلیف اعتبارنامه شان معلوم نشده ، جواب ایراد اول شاهزاده محترم را قانون اساسی تأیید کرده است یعنی اگر نمایندگان که انتخاب می شوند فقط نماینده همان حوزه انتخابیه خودشان نبودند شاید این نظر حضرت والا را بنده قبول می کردم ولی قانون اساسی می گوید نمایندگان که از حوزه های مختلفه انتخابیه انتخاب می شوند نمایندگان تمام ملت ایران هستند و بالتبعیه تمام نمایندگان حاضر که در این مجلس هستند هم معالوم که نماینده خراسان و اصفهان و غیره هستند نماینده طهران هم می باشند پس بنا بر این حقوق و مسئولیت طهران با بودن سایر نمایندگان محفوظ است بطریق مخصوص که از دوازده نفر نمایندگان طهران ده نفر الان در مجلس تشریف دارند و گمان نمی کنم از طرف این ده نفر تصور یادم توانائی در انجام تکلیفات خاص شده باشد که محتاج باضافه شدن و کمک دو نفر نماینده دیگر باشند پس از این نقطه نظر چندین ایراد وارد نیست ولی قسمتی که راجع به لزوم تعیین تکلیف نمایندگان فرمودند بنده هم از این نقطه نظر با حضرت والا موافقت تمام دارم شعبات حق ندارند رسیدگی اعتبارنامه نمایندگانی را که بواسطه عدم تعیین تکلیف سرگردان می باشند بتأخیر اندازند ولی من از حضرت والا اشتراک می کنم آیا آقای مغیر السلطه هم در همین ردیف هستند البته حضرت والا شرافت فرمود غیر بنابر این بنده از نقطه نظر مصالح آذربایجان عرض کردم و تصور می کنم مصالح آنجا را بایستی در نظر گرفت اگر چه حضرت والا فرمودند اوضاع آذربایجان ره به بودی میرود درست است بنده هم تصدیق دارم و انشاء الله بواسطه جدیت و رشادت قوای نظامی ما همانطور که در گیلان و خراسان امنیت برقرار شد بالاخره همان قوای نظامی موفق خواهند شد در آذربایجان هم که يك قسمت مهمی از مملکت ایران را تشکیل میدهد امنیت را برقرار نمایند و عناصر مضربه و فاسده را دفع نمایند من این ابروئاری قطعی را دارم ولی با همه این تعامیل آذربایجان را نمی فرمایند

در يك هیچه معنی که اوضاع آن رو به بودی میرود برداشتن يك نفر والی بی اثر نخواهد بود و آیا تصور می فرمایند چنانچه تغییر مستقیم یا غیر مستقیم متوجه والی آذربایجان شود در همان اوضاع که رو به بودی میرود هیچ تأثیر نخواهد داشت ؟ در مورد اینکه من اطمینان دارم که اگر با آقای مغیر السلطه رجوع شود ایشان و کالت را بایالت آذربایجان ترجیح خواهند داد و اگر این اطمینان را نداشتم می گفتم پس از گذشتن اعتبارنامه که از طرف دولت به آقای مغیر السلطه رجوع شود ایشان خواهند گفت نظر اینک وجود من در آذربایجان لازم است از وفات استعفاء میبخشم ولی چون این اطمینان را ندارم و ممکن است ایشان پس از تصویب اعتبارنامه بطوریکه قانون اساسی و یکی از مواد قانون انتخابات بگوید هیچ وکیل

است که انگلیس و روسیه میباشد آیا اگر از طرف دولت انگلیس مثلاً تجاوزی به حقوق ما بشود (احتمالاً عرض میکنم زیرا این دول همه حامی ملل ضعیفه می باشند و سعی می کنند که ملل ضعیفه ترقی نمایند) آیا کمیسیون خارجه یقین دارد که اگر رجوع بجمع اتفاق ملل و هیئت اجرائیه این مجمع که مرکب از نمایندگان چهار دولت است بشود این مجمع جلو گیری از آن تجاوز خواهد نمود ؟ بنده که يك هیچه امیدواری ندارم و آیا اگر يك تجاوزاتی از طرف شمال به حقوق ما شد و ما بجمع اتفاق ملل رجوع و اظهار کردیم آنها مطابق این اصول با ما مساعدت خواهند کرد ؟ این را هم بعضی مشاهده کردیم که با ما مساعدت نه نمودند طولی هم نکشیده است چند ماه قبل بود که با وجود اینکه روابط ما با روسیه دوستانه بود افرادی از خاک قفقاز به ایران آمده و تجاوزاتی میکردند دولت هم (اگر چه تحقیقاً خبر ندارم ولی قاضیه بایستی اینطور باشد) بجمع اتفاق ملل رجوع کرد باید دید آیا مجمع چه مساعدتی با دولت ایران کرد و کدام جلو گیری را از تجاوزات همسایه مالی نمود ؟

بنده که هیچ ندیدم اگر فقط همین باشد که ما داخل مجمع اتفاق ملل شویم و سالی چهار پنجاه هزار تومان هم برای مخارج عضویت این مجمع بر ملت تحمیل شود و ملت نتواند استفاده از این مجمع بکند بنده از این عضویت چیزی نمی فهم خصوصاً که هیچ يك از دول اسلامی هم هنوز در این مجمع شرکت نکرده اند قطع نظر از دول اسلامی دول دیگر نیز از عضویت استنکاف نموده اند علاوه عرض میکنم اگر ما آزادتر باشیم و این قید عضویت مجمع اتفاق ملل را بگردن خود نگذاریم که مجبور باشیم هر معامله با دولت دیگری منعقد بکنیم بجمع اتفاق ملل پیشنهاد کنیم بهتر است اگر چه این لایحه اینطور تصریح ندارد ولی از یکی از احوالش اینطور استفاده میشود و ممکن است محل ایراد واقع شود و چون این مجمع از تمام دول دنیا تشکیل شده اند بنده عقیده ندارم و عقیده ام این است که باید عاقل دولت آزاد و مستقلی باشیم و با هر دولت می خواهیم معامله بکنیم و مراجعه بجمع هم برای ما لزومی ندارد زیرا اگر هم در يك موافقی با آنها مراجعه بکنیم ایداً نمی توانیم استفاده بکنیم چنانچه بنده عملاً دیده ام و میبوس هستم از اینکه از آنها استفاده حاصل شود این است که عقیده بنده با عضویت مجمع اتفاق ملل کاملاً مخالف است و بی جهت سالی چهار پنجاه هزار تومان برای مخارج عضویت مجمع تحمیل بر ملت میشود

نصرت الدوله مخبر کمیسیون خارجه - بنده با کمال دقت اظهارات معترض محترم را نسبت به عضویت دولت ایران در جامعه ملل گوش کردم و سعی نمودم اصولی که ایشان ذکر میکنند یادداشت کنم و جواب ایشان را يك يك عرض کنم ولیکن مقدمه تا قبل از اینکه داخل در جواب اعتراضات ایشان بشوم می خواهم اظهار تأسف بکنم از اینکه چرا باید قائل باشیم در يك همچو مورد مهمی یعنی در موقعی که در مجلس شورای ملی يك مطلبی (که دو سه سال است تمام افکار

وسایل تمدن را بخودش مشغول کرده و تاجیهال شاید چندین جلد کتاب در این باب نوشته شده) طرح میشود ما بدون اینکه دوست باطلسراف قضیه و این تمهیدنامه که اساس و مبنای این تأسیس جدید است دقت کرده باشیم و بحقیقت و فلسفه که محرک این تأسیس شده است درست برخوردیم باقیم و کلیاتی را که منظور نظر دنیا بوده است درست تحقیق کنیم يك مسائل جزئی و طاهری مثبت بشویم و مخالفت هائی کرده باشیم حالا سعی خواهم کرد که این دهوی خود را بطور اختصار بر عرض برسانم چون تصدیق می فرمایید که اگر بنده بخوام مفصلاً داخل در محاسبات این مؤسسه یعنی جامعه ملل بشوم و یا اگر بخوام کلیات و مقدماتی که موجب این فکر شده است شرح بدهم اوقات آقایان را مدت زیادی مستغرق خواهم کرد و البته مورد ندارد ولیکن بطور اختصار می خواهم خاطر آقایان را معطوف بیک کلیاتی بکنم و آن این است که اگر در این بیست و شش هفت ماه که این تمهیدنامه را تشکیل میدهد درست تمقی فرمائید ملاحظه خواهد کرد که بزرگترین اصولی که تا چندی قبل مرام بنظر می آمد بزرگترین اصولی که حقیقتاً مبنای ترقی و تکامل تمدن بشریت است يك اصولی که همیشه بزرگان فلاسفه ، نویسندگان بزرگ عالم ازمنه یونان قدیم يك شورائی باسم شورای (انفر تونیک) یا (کنس آنتیر تونیک) برای تحقق کردن جمهوریهای کوچک یونان تأسیس کرده بودند و تا امروز در مواد مختلفه در نظر داشته اند و سعی کرده اند و خواسته اند قسمی در روی این خط بردارند و موفق نشده اند امروز در يك تمهیدنامه باین کوچکی در روی ۲۷ مدق آن اصول بزرگ را تأمین کرده اند پس از نقطه نظر اصولی بنده خیلی مشکل می بینم که مورد داشته باشد بگوئیم اینکار کار خوبی نیست چرا ؟ زیرا ما می بینیم دول جنگجوی دول بزرگ دنیا دول امپریالیست و سایر دولی که برای حفظ منافع و پیش بردن حس جهانگیری خودشان همیشه در صدد جنگها و نزاع ها و تولید اختلافات بوده اند و همیشه در صدد ظلم و تعدی بضعفاء (که نمیتوانسته اند حقوق خودشان را حفظ کنند) بوده اند امروزه در يك نقطه جمع شده اند و تمهید می شوند و سالی فراهم آورند که اینکارها را نکنند و وسائل موقوف شدن یا کم شدن جنگ را تهیه کنند ، اسلحه را معدوم کنند تجهیزات را کم بکنند و ملاتزم و متعهد میشوند که اگر یکی تخلف کرد باقی دیگر همه باو بپردازند آیا اینها از نقطه نظر اصولی قابل ترویج است ؟ آیا ممکن است ما از روی تمقی و تفکر بگوئیم مبنای اینکار صحیح نیست ؟ اگر در اینجا آقای حاج شیخ اسدالله فرموده بودند گداین مطلب بسیار خوب مطلبی است و بزرگترین قسمی است که جامعه بشر در راه ترقی و تمدن و تکامل انسانیت برداشته ولی علی نیست یعنی میفرمودند برای جنس بشر این کاریر خوب است و نسبت باخلاق امروزه ما می ترسیم عاقل نباشد آنوقت شاید بنده را دچار يك معظوراتی می کردند و محتاج می شدم يك توضیحات بیشتری بدهم ولی وقتی ایشان اینطور ایراد می کنند بنده هیچ جوابی بایشان نمی توانم بدهم مگر آنکه آقایان را دعوت کنم باینکه

یک قدری بیشتر در این تمهیدنامه وقت بفرمایند ، مثلاً نسبت بایران و عضویت در این جامعه فرمودند منافش برای ما چه چیز است ؟ بنده يك ماده از این تمهیدنامه را میخوانم و بعد مشخصه آن آقایان سؤال می کنم آیا برای ما یا برای يك دولت دیگری مثل ما یعنی يك دولت ضعیف و يك دولت کوچکی ممکن است در دنیا چیزی بهتر از این موجود شود ؟ ماده که عرض کردم ماده دوم است که میگوید :

اعضاء جامعه تمهید می نمایند که تعامیل ازسی و استقلال سیاسی کنونی تمام اعضاء جامعه را محترم شمرد و از هر گونه تجاوز خارجی آنرا محفوظ بدارند ؛ در موقع چنین تجاوز و تهدید یا خطر چنین متجاوزی هشت اجرائیه و سالی را تهیه خواهد کرد که اجراء این تمهید را تأمین بنمایند پس حقیقتاً افرادی که شريك و داخل در این جامعه هستند همه نسبت بیکدیگر قید التزام و ضمانت دارند ، حالا ببینیم اینجا چه دولی هستند آنوقت شاید يك قسمت در جوابهای آقای حاج شیخ اسدالله هم در ضمن اینکه می خواهم ببینم اعضاء این جامعه که چه هستند مکشوف شود ، اگر بعضیه ها رجوع فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که برای اعضاء اصلی جامعه در قسمت قابل شده اند يك قسمت اعضاء اصلی هستند که داخل در جنگ بوده و عهدنامه و رسای را امضا کرده اند و قسمت دوم دولی هستند که در جنگ بیطرف بوده و از آنها دعوت میکنند که در مدت دو ماه از روز اجرای آن عهدنامه اگر آن شروط را قبول کردند عضو این جامعه میشوند حالا ضمیمه اول را ملاحظه

فرمائید تا از وی است (نسبت به انازونی آقای حاج شیخ اسدالله يك چیزی فرمودند بعد شرحش را عرض خواهم کرد)
 بلژیک • پولوی • برازیل • بلوندراس • ایتالی
 امپراطوری انگلستان • کانادا • استرالی • آفریقای جنوبی • ژانلاند جدید • هندوستان • چین • کرپا • اکواتر • فرانسه • یونان • کانامالا • ژاپون • لیری • نیکارا گوار • یاتوا • • لهستان • پرتغال • •
 رومانی • مملکت سرب • کروات • مارژن • سیام • چک اسلواکی • اردو • آینه اول جنگجو و دولی بودند که متعده و رسای را امضا کرده بودند و اینها يك قسمت از اعضاء اصلی هستند قسمت دیگر اعضاء اصلی دول بیطرفی هستند که از طرف جامعه دعوت شده اند و عبارتند از جمهوری آذربایجان • شیلی • کلمبی • دانمارک • اسپانی • پارا گراه • هلند • ایران • سالوادور • سوئد • سوئیس • ونزوئلا • اینها تمام دول معظم هستند که عضویت جامعه را قبول نموده اند و همه نسبت بیکدیگر خود را مقید و ملاتزم باجرای ماده ۱ دانسته اند •

دولت فرانسه دولت بلژیک دولت ایتالیا دولت انگلیس دولت ژاپون پرتغال اسپانی و دول دیگری که تکرار نمیکند همه بر حسب ماده ۱۰ ضامن و ملاتزم شده اند که اگر یکی از افراد این جامعه تعامیل ازسی و استقلالش را در خطر باشد تمام آنها متعده باشند و آن خطرها دفع کنند آیا حالا ما می گوئیم دخول

در چنین جامعه برای مایه نداشتن و استفاده کردن از این الزامات برای یک دولت زیاد نیست ؟

ماده دوم را ملاحظه فرمائید میگوید (هیئت اجراییه و مسائل تأمین و اجرا شدن این تعهد نامه را تهیه خواهد کرد در مواد دیگری که گویا ماده مقدمه یا ماده یازدهم باشد اگر مراجعه بفرمائید می بینید قرار جلوگیری از این ترتیب را هم ذکر میکنند اما راجع باننازونی آقای حاج شیخ اسدالله اولافرمودند که چون نوشته شده رئیس جمهوری اننازونی این مجلس را باید تأسیس و تشکیل کند و چون اولین کار را نکرده این مجلس رسمیت ندارد، بلی در آخر قسمت دوم اصل پنجم می نویسد (نخستین جلسه مجلس عمومی و اولین جلسه هیئت اجراییه بر حسب دعوت رئیس جمهوری دول متعدد امریکا انعقاد خواهد یافت) چون پرزیدان ویلسون رئیس جمهوری امریکا مؤسس این فکر و این عقیده بوده و این حق را بگردن عالم تمدن و انسانیت همیشه خواهد داشت خواسته اند

در مقابل این بزرگواری او یک احترام فوق العاده نسبت باور کرده باشند و در فصل پنجم ذکر کرده اند که اولین جلسه هیئت اجراییه و نخستین جلسه عمومی را او باید دعوت کند اولاً این یک مسئله نیست که اگر او دعوت نکند دیگر این جامعه هم به خود رویا رسمیت نداشته باشد گذشته از این خوب بود آقای

شیخ اسدالله قبل از اینکه این ایراد را بفرمایند از من یک توضیحی میخواستند تا بنده ایشان عرض میکردم که هم اولین جلسه هیئت اجراییه و هم اولین

جلسه مجلس عمومی بر حسب دعوت خود پرزیدان ویلسون رئیس جمهوری امریکا اننازونی تشکیل شده و در اولین جلسه هیئت اجراییه هم عضویت داشته ولی در موقع تشکیل جلسه مجلس عمومی رئیس جمهوری موعود ریاستش متعین شده بود اما اینکه فرمودند دولت امریکا عضویت این جامعه را قبول نکرده یا رد کرده است بلی البته آقایان درجریانید ملاحظه فرموده اند که در اطراف عضویت دولت اننازونی در این جامعه یک اشکالاتی هست ولیکن دولت اننازونی عضویت خود را بطور قطع رد نکرده ولی باید دید این تردیدها که حاصل شده از کجا و برای چه شده اگر ما بنگریم تمیق کنیم خود این یکی از دلایلی خواهد بود که بجا اهمیت این جامعه و لزوم عضویت خودتارا در این جامعه ثابت خواهد کرد این مطلب را نباید از نظر معروض کرد که مسائل پارته و اختلافات داخلی امریکا مسبب این مذاکرات و مشاجرات شده و رئیس جمهوری امریکا تعرض مینمودند که او از حدود خود تجاوز کرده و بدون مراجعه بکنگره سنا یک چنین الزاماتی را از طرف دولت امریکا قبول نموده این اعتراضات هم از طرف پارته جمهوری طلب بود که مخالف با او بودند و مخالفت خود را هم آخر پیش بردند و رئیس جمهوری بعد از آن حزب انتخاب شد و این حزب برای انتخاب کاندیدای خودشان این مسئله را وسیله کرده دلیلی را که ظاهر آن بان استناد میکردند همین ماده دوم بود میگفتند ما برای چه باید تعهد و ملزم بشویم که اگر یک دولتی

متعرض دولت دیگری میشود از او جلوگیری میکنیم و میگفتند این ترتیب مخالف اصول (مرزود) است و مخالف اصول قدیمه امریکاست یعنی مملکت امریکا مال امریکا و مملکت دیگران متعلق به دیگران خواهد بود هیچک در کار یکدیگر نباید دخالت کنند و اگر ما این تعهدنامه را قبول و امضاء کنیم از اصول مزبور و اصل قدیمه که دارا بوده ایم منصرف شده ایم هیچ دلیل ندارد اصول قدیمه خود را از دست بدهیم و داخل اصول اروپائی بشویم ولی با این وصف این اختلافات دو کار رفع شدند و عاقبت امریکا شرکت کامل خواهد نمود و رسمیت عضویت جامعه را قبول خواهد کرد و اینکه آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند اختیارات هیئت اجراییه داده شده و مضرات و مفاسد برای آن قائل شدند ترتیب این است که اول هیئت اجراییه مرکب از پنج نفر اعضاء دائمی از دول معظمه تشکیل شد و بعد چهار دولت دیگر معین شدند و به هیئت اجراییه ملحق شدند .

در دفا اخیر نیز مجلس عمومی چهار دولت دیگر را انتخاب کرد که صورت آن از قرار ذیل است : بلژیک - اسپانی - شیلی - چین و این چهار دولت در مجلس عمومی جامعه ملل انتخاب شده و به هیئت اجراییه ملحق شدند .

آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بموجب این اصل برای هیئت اجراییه یک و سائلی هست که اعضاء را زیاد کند ؟

بلی هیئت اجراییه می تواند شش نفر هشت نفر ده نفر زیاد کند ولی با تصویب مجلس عمومی و مقصود آقای حاج شیخ اسدالله از این مذاکرات این بود که اشخاصی که متفق هستند می توانند اکثریت را باین ترتیب ببرند و حقیقتاً مقاصد خودشان را توسط هیئت اجراییه جامعه ملل از پیش ببرند اینجا باز بنده با ایشان اعتراض دارم که دوست مطالعه فرموده اند زیرا اگر مطالعه فرموده بودند که در تعهدنامه کمالاً صریحاً تعیین شده که تصمیمات جامعه جز در موارد استثنائی مذکور در این تعهدنامه باید با اتفاق باشد مخصوصاً این قید را کرده اند که این سوء تفاهم نشود آقای حاج شیخ اسدالله نباید فراموش کنند که اشخاصی که در این امر شریک بوده اند خود آن اشخاص از این مسائل وحشت داشته اند و مثل بنده شما بوده اند و خود آنها هم نموده اند این قضایا را پیش بینی کنند و پرزیدان ویلسون بایک بیطرفی کامل و بی پیش بینی های خیالی عبیق در تمام این مسائل نود و در این مواد وارد کرد در اینجا بنده برای آقای حاج شیخ اسدالله یک تمثلی میزنم و در ضمن آن جواب یک قسمت دیگر از فرمایشات را که راجع بود با انقصوص ایران بوده خواهم داد فرمودند آیا ببینیم در خصوص یک موردی که پیش آمد چه استفاده کردیم ؟

در این خصوص بنده هم از نقطه نظر مشیری و هم از نقطه نظر اینکه این مأموریت به بنده رجوع شده بود بهتر بتوانم جزئیات آنرا بر عرض آقایان برسانم مسئله گیلان را وقتی ما به هیئت اجراییه رجوع کردیم موقعی بوده که جامعه ملل و مجلس عمومی تشکیل نشده بود و فقط هیئت اجراییه کار میکرد و هیئت اجراییه مقدمات تشکیل مجلس عمومی را تهیه نمود و فی الحقیقه می توانم عرض کنم که در آن موقع هنوز چرخهای این ماشین بزرگ آنطور که باید بر راه نیفتاده بودند آن موقع ما به هیئت اجراییه مراجعه کردیم و گفتیم بنادرشانی ما بواسطه یک قوای که خودشان را منتسب بیک دولتی می دانند و شاید هم منتسب باشند بپادشاهان شده و این مسئله بموجب ماده دوم تعهد و بالاترین عملی است که بر ضد مصونیت ارشی و استقلال مملکت ما بوده اند ما از شما استدعا می کنیم که در این موضوع اقدامی بنمائید اولاً در آن موقع اغلب اعضاء و هیئت اجراییه مایل نبودند این مطلب طرح شود چرا ؟ برای اینکه می ترسیدند در موقعی که هنوز مقدمات کار جامعه ملل درست تهیه نشده و طرف ما هم دولتی بوده مثل روسیه که ما هیچکدام از امضاء کنندگان این تعهد نامه رابطه نداشت و اصلاً با او در جنگ بودند و او را در تحت فشار اقتصادی و بلوکوسی تجارتنی قرار داده بودند و مشکل می دانستند که با او داخل یک مذاکره ای بشوند از طرف دیگر می ترسیدند که اگر ما با آنها فشار میآوریم خودشان را قادر بجنب کردن ببینند و از اول امر یک بانی تولید شواعتجیر بودند ولی چون بنده که از طرف دولت ایران مأمور بودم که بدون رسیدن باین مراحل این امر بیک ترتیب دیگری اصلاح خواهم شد خود بنده از طرف دولت ایران قبل از این امر و بعد از این امر داخل یک مذاکرات مستقیم با مسکو و با نماینده بلشویکها در لندن شده بودم و شاید خود این امر در غیر این موقع بر خلاف یک تمهیداتی که دول بیطرف عموماً کرده بودند معسوب میشد ولی چون احتمال میدادم که این داخل در مذاکره شدن با بلشویکها را که بالاخره منجر به عهدنامه روس و ایران شد دول اروپا قبول نمایند باین ملاحظه بنده اصرار کردم و بالاخره مجبور شدند هیئت اجراییه را تشکیل دادند حالا ببینیم آیا هیئت اجراییه برای مدافعه یک قشونی کشیده و سرحد ایران با سرحد روسیه آمد ابتدا این کار را نکردند و آیا صلاح مانی بود که در آن موقع این تقاضا را بکنیم یا نه ؟ در هر صورت بنده اقداماتی کردم و به هیئت اجراییه هم با تمام قوای اخلاقی و اجتماعی بین المللی اروپا بظلولیت ما حق دادند و حق ما را شناختند که با روسیه داخل مذاکره شویم و با ایران نکنند که شما بر خلاف تمهیدی که تمام دول بی طرف کرده اند با بلشویکها داخل مذاکره شده اید و بعد گفتند چون در خود این تعهدنامه پیش بینی شده که در چنین مواردی مرحله اول مذاکره است و بعد اگر مذاکرات نتیجه نداد بلوکوس و جنگ است گفتند شما که خودتان با آنها داخل مذاکرات شده اید ما هم مذاکرات شما را تصدیق می کنیم مذاکره اتان را تعقیب میکنیم اگر مذاکره اتان منتج نتیجه شد و اصلاح شد جهاد اگر نشد و مخالفت آنها و خدمات استقلالی شما دوام پیدا کرد آنوقت حاضریم که وظایف خودمان را ایفاء کنیم این را گفتند و نوشتند و چاپ کردند آقای حاج شیخ اسدالله این خود بزرگترین

نتیجه بود که شما می توانستید بگیری اولین مرحله بود که هیئت اجراییه تشکیل شد و عملیات بین المللی خود را نشان داد اما اینکه فرمودید اکثریت در هیئت اجراییه فلان طور است مطابق یکی از اصول هر موقعی که یکی از دول امضاء کننده مطلبی داشته باشد که فقط مخصوص با او باشد و در هیئت اجراییه طرح شود خود او باید یک نفر نماینده بفرستد و آن نماینده جزء هیئت اجراییه است و تا وقتی آن امر خاتمه پیدا کند خوانده بود مثلاً در موقعی که مسئله ایران در آنجا مطرح بود بنده از طرف دولت ایران در آنجا نماینده بودم نه تنها به سمت مدعی و وعارش بلکه سمت عضویت هیئت اجراییه را داشتم نه نفر آنها بودند بکفر هم بنده که عموماً ده نفر میشد و یک موردی پیدا شده که بنده با نماینده فریشرین و هم ترین دول معظم اختلاف پیدا شد و اکثریت هیئت اجراییه با او موافق شده بودند و بنده در اقلیت ماندم بنده نماینده دولت بلژیک هم در آن موقع نهایت مساعدت را با دولت ایران کرد البته اگر اکثریت اقلیت در کار نبود ما در آنجا محکوم می شدیم ولی نظر بیکری از اصول مندرجه در همین عهدنامه نتوانستند تصدیق اتخاذ کنند مجبور شدند سر و زیری بفرمایند و بنده را قانع کردند بطوری که بنده هم رای دادم در آن خصوص بطور اتفاق رای داده شد و بر خودشان تصریح کرده اند که حقوق ملل ضعیفه بواسطه اکثریت دیگران از بین نمیرود و این خودش یکی از بزرگترین منافع این تعهد نامه است

حالا بطور اختصار عرض خود را مینمایم و بیش از این نمیخواهم وقت آقایان را مصرف کنم اقداماتی که این جامعه کرد خیلی زیاد است اغلب آنها هم از طرف عرض آقایان خواهد رسید کفر انشاهی هم تشکیل شده معاهدات معظم منعقد گردیده حقیقتاً این کنفرانس باین اهمیت و اشکات که هنوز تمام نشده یک علت بزرگ تأسیس آن برای محدود کردن تجهیزات و قوای نظامی دول اسرزه است و این بواسطه همین تعهدنامه است و اگر این تعهدنامه نبود هیچوقت دول معظمه در صدد برای آمدن تجهیزات خود را حکم نکند این را فراموش نفرمائید که این مسائل بدرجه اهمیت دارد و بدرجه برخلاف سبک و سیره مدتهای مدید تاریخ بشریت است که عملی شدن و اجرا شدن آن باین سهولت نیست تمام مرام و آرزوی ما باید این باشد که یک روزی کاملاً این اصل اجرا شود آن روزی که چهار روز سعادت ما و روز سعادت دول صغار خواهد بود بلکه آن روز روز سعادت نوع بشر خواهد بود اگر درست مراجعه بفرمائید خواهید دید اگر که حقیقتاً همه باین اصول معتقد شوند و آنرا اجرا کنند بزرگترین درجه ترقی و تکامل را حائز خواهند و دیگر جنگها و جهانگیریا و غیره مرتفع خواهد شد و عتق رب اساسته معسکه عدالت بین المللی برای تصویب نمایندگان محترم مجلس خواهد آمد و آنجا مسئله رجوع بحکمت در موارد اختلاف خود بزرگترین اصل است و بواسطه همین تعهدنامه دارد عملی میشود چنانکه از آن روز تا بحال جاو چندین فقره خطرات جنگ گرفته شده مثلاً

تقسیم قسمت غربی بین و سبازی هلیا (موت سارین) و در تقسیم آنها بین آلمان وین و نقاط دیگر بین متفقین سابق تولید اختلاف و تقار کرده بود بدرجه که احتمال جنگ میرفت و بسبب اقدامات همین هیئت اجراییه همین تعهدنامه رفع کردند ما باید مسامی باشیم که استفاده کنیم بلی ممکن است و اگر نکنیم تصدیق کسی نیست تصدیق خودمان است نه تنها از این راه استفاده نمیکنیم شاید از خیلی حقوق مسلم که داریم استفاده نمیکنیم ما اگر وسائل استفاده از حقوق خود را مهیا نمیکردیم و در این دو سال که این از جامعه برپا شده و دولت ایران عضویت آنرا قبول کرده آنقدر بی علاقه نبودیم یک مرکزی در یکی از ادارات یا یکی از وزارت خانه ها مان برای این تشکیل داده بودیم که وقتش را منحصر صرف بکلیه معاهداتی که نماینده های ما امضاء می کنند و ما خبر نداریم می نماید و کنیه قیودتیکه باید مطابق آنها رفتار کنیم ترجمه و انتشار بدهد و منافع عملیات این هیئت اجراییه و جامعه بین الملل را نشان دهد امروز ما این اشکالات را نداشتم این مسائل برای کسانی که مسؤوفند از بدیهیات است ولی بنده باشخصیکه مسؤوف نیستند کاملاً حق می دهم که متعجب و متعجب باشند زیرا باین مسائل بر خورده اند پس ما باید در صدد استفاده باشیم و نباید همانطور که از سایر حقوق خود استفاده نمیکنیم از این حق هم استفاده ننماییم و صرف نظر کنیم بنده یقین دارم که منافع خیلی عده از برای ما خواهد داشت و اگر هم فرض بفرمائید برای ما منفعتی حاصل شود باید دید که آیا ضرری هم برای ما حاصل خواهد شد

تمام اینها را بانصاف و قضاوت خود آقای حاج شیخ اسدالله و اگذار میکنم

رئیس چون چند دقیقه دیگر چراغها خاموش خواهد شد با وجود اینکه آقای وزیر مالیه و آقای وزیر پست و تلگراف برای جواب شوالات آقایان حاضر شده اند اگر آقایان موافق باشند بقیم مذاکرات بماند برای روز پنجشنبه دوساعت قبل از غروب (بعضی تصدیق نمودند)

مجلس دوساعت از شب گذشته ختم شد

جلسه ۵۰

صورت مشروح مجلس یوم شنبه

دوم حوت ۱۳۰۰

مطابق ۲۴ ربیع الثانی ۱۳۴۰

مجلس یکساعت قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه ۲۸ قوس را آقای تدین قرائت نمودند)

رئیس نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا خیر ؟

رئیس

صورت مجلس تصویب شد دستور امروز مذاکره در تعهدنامه جامعه ملل است ولی فعلاً بعضی مطالب هست که باید به عرض آقایان برسد راجع بکمسیون پنج نفری که در جلسه قبل رای داده شد

بواسطه ضیق وقت در جلسه گذشته فراموش شد مستخرجین آراء معین شوند حالا مستخرجین آنرا تمین میشوند که در موقع نفس کمسیون پنج نفری را انتخاب فرمائید

آقای سید فاضل - اجازه می فرمائید

رئیس بفرمائید

آقای سید فاضل - در روزنامه ستاره ایران در شماره ۸۴

و در شماره ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴۳ و ۵۴۴ و ۵۴۵ و ۵۴۶ و ۵۴۷ و ۵۴۸ و ۵۴۹ و ۵۵۰ و ۵۵۱ و ۵۵۲ و ۵۵۳ و ۵۵۴ و ۵۵۵ و ۵۵۶ و ۵۵۷ و ۵۵۸ و ۵۵۹ و ۵۶۰ و ۵۶۱ و ۵۶۲ و ۵۶۳ و ۵۶۴ و ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷ و ۵۶۸ و ۵۶۹ و ۵۷۰ و ۵۷۱ و ۵۷۲ و ۵۷۳ و ۵۷۴ و ۵۷۵ و ۵۷۶ و ۵۷۷ و ۵۷۸ و ۵۷۹ و ۵۸۰ و ۵۸۱ و ۵۸۲ و ۵۸۳ و ۵۸۴ و ۵۸۵ و ۵۸۶ و ۵۸۷ و ۵۸۸ و ۵۸۹ و ۵۹۰ و ۵۹۱ و ۵۹۲ و ۵۹۳ و ۵۹۴ و ۵۹۵ و ۵۹۶ و ۵۹۷ و ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۰ و ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳ و ۶۰۴ و ۶۰۵ و ۶۰۶ و ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۰۹ و ۶۱۰ و ۶۱۱ و ۶۱۲ و ۶۱۳ و ۶۱۴ و ۶۱۵ و ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸ و ۶۱۹ و ۶۲۰ و ۶۲۱ و ۶۲۲ و ۶۲۳ و ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۶۲۷ و ۶۲۸ و ۶۲۹ و ۶۳۰ و ۶۳۱ و ۶۳۲ و ۶۳۳ و ۶۳۴ و ۶۳۵ و ۶۳۶ و ۶۳۷ و ۶۳۸ و ۶۳۹ و ۶۴۰ و ۶۴۱ و ۶۴۲ و ۶۴۳ و ۶۴۴ و ۶۴۵ و ۶۴۶ و ۶۴۷ و ۶۴۸ و ۶۴۹ و ۶۵۰ و ۶۵۱ و ۶۵۲ و ۶۵۳ و ۶۵۴ و ۶۵۵ و ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و ۶۵۹ و ۶۶۰ و ۶۶۱ و ۶۶۲ و ۶۶۳ و ۶۶۴ و ۶۶۵ و ۶۶۶ و ۶۶۷ و ۶۶۸ و ۶۶۹ و ۶۷۰ و ۶۷۱ و ۶۷۲ و ۶۷۳ و ۶۷۴ و ۶۷۵ و ۶۷۶ و ۶۷۷ و ۶۷۸ و ۶۷۹ و ۶۸۰ و ۶۸۱ و ۶۸۲ و ۶۸۳ و ۶۸۴ و ۶۸۵ و ۶۸۶ و ۶۸۷ و ۶۸۸ و ۶۸۹ و ۶۹۰ و ۶۹۱ و ۶۹۲ و ۶۹۳ و ۶۹۴ و ۶۹۵ و ۶۹۶ و ۶۹۷ و ۶۹۸ و ۶۹۹ و ۷۰۰ و ۷۰۱ و ۷۰۲ و ۷۰۳ و ۷۰۴ و ۷۰۵ و ۷۰۶ و ۷۰۷ و ۷۰۸ و ۷۰۹ و ۷۱۰ و ۷۱۱ و ۷۱۲ و ۷۱۳ و ۷۱۴ و ۷۱۵ و ۷۱۶ و ۷۱۷ و ۷۱۸ و ۷۱۹ و ۷۲۰ و ۷۲۱ و ۷۲۲ و ۷۲۳ و ۷۲۴ و ۷۲۵ و ۷۲۶ و ۷۲۷ و ۷۲۸ و ۷۲۹ و ۷۳۰ و ۷۳۱ و ۷۳۲ و ۷۳۳ و ۷۳۴ و ۷۳۵ و ۷۳۶ و ۷۳۷ و ۷۳۸ و ۷۳۹ و ۷۴۰ و ۷۴۱ و ۷۴۲ و ۷۴۳ و ۷۴۴ و ۷۴۵ و ۷۴۶ و ۷۴۷ و ۷۴۸ و ۷۴۹ و ۷۵۰ و ۷۵۱ و ۷۵۲ و ۷۵۳ و ۷۵۴ و ۷۵۵ و ۷۵۶ و ۷۵۷ و ۷۵۸ و ۷۵۹ و ۷۶۰ و ۷۶۱ و ۷۶۲ و ۷۶۳ و ۷۶۴ و ۷۶۵ و ۷۶۶ و ۷۶۷ و ۷۶۸ و ۷۶۹ و ۷۷۰ و ۷۷۱ و ۷۷۲ و ۷۷۳ و ۷۷۴ و ۷۷۵ و ۷۷۶ و ۷۷۷ و ۷۷۸ و ۷۷۹ و ۷۸۰ و ۷۸۱ و ۷۸۲ و ۷۸۳ و ۷۸۴ و ۷۸۵ و ۷۸۶ و ۷۸۷ و ۷۸۸ و ۷۸۹ و ۷۹۰ و ۷۹۱ و ۷۹۲ و ۷۹۳ و ۷۹۴ و ۷۹۵ و ۷۹۶ و ۷۹۷ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ و ۸۰۵ و ۸۰۶ و ۸۰۷ و ۸۰۸ و ۸۰۹ و ۸۱۰ و ۸۱۱ و ۸۱۲ و ۸۱۳ و ۸۱۴ و ۸۱۵ و ۸۱۶ و ۸۱۷ و ۸۱۸ و ۸۱۹ و ۸۲۰ و ۸۲۱ و ۸۲۲ و ۸۲۳ و ۸۲۴ و ۸۲۵ و ۸۲۶ و ۸۲۷ و ۸۲۸ و ۸۲۹ و ۸۳۰ و ۸۳۱ و ۸۳۲ و ۸۳۳ و ۸۳۴ و ۸۳۵ و ۸۳۶ و ۸۳۷ و ۸۳۸ و ۸۳۹ و ۸۴۰ و ۸۴۱ و ۸۴۲ و ۸۴۳ و ۸۴۴ و ۸۴۵ و ۸۴۶ و ۸۴۷ و ۸۴۸ و ۸۴۹ و ۸۵۰ و ۸۵۱ و ۸۵۲ و ۸۵۳ و ۸۵۴ و ۸۵۵ و ۸۵۶ و ۸۵۷ و ۸۵۸ و ۸۵۹ و ۸۶۰ و ۸۶۱ و ۸۶۲ و ۸۶۳ و ۸۶۴ و ۸۶۵ و ۸۶۶ و ۸۶۷ و ۸۶۸ و ۸۶۹ و ۸۷۰ و ۸۷۱ و ۸۷۲ و ۸۷۳ و ۸۷۴ و ۸۷۵ و ۸۷۶ و ۸۷۷ و ۸۷۸ و ۸۷۹ و ۸۸۰ و ۸۸۱ و ۸۸۲ و ۸۸۳ و ۸۸۴ و ۸۸۵ و ۸۸۶ و ۸۸۷ و ۸۸۸ و ۸۸۹ و ۸۹۰ و ۸۹۱ و ۸۹۲ و ۸۹۳ و ۸۹۴ و ۸۹۵ و ۸۹۶ و ۸۹۷ و ۸۹۸ و ۸۹۹ و ۹۰۰ و ۹۰۱ و ۹۰۲ و ۹۰۳ و ۹۰۴ و ۹۰۵ و ۹۰۶ و ۹۰۷ و ۹۰۸ و ۹۰۹ و ۹۱۰ و ۹۱۱ و ۹۱۲ و ۹۱۳ و ۹۱۴ و ۹۱۵ و ۹۱۶ و ۹۱۷ و ۹۱۸ و ۹۱۹ و ۹۲۰ و ۹۲۱ و ۹۲۲ و ۹۲۳ و ۹۲۴ و ۹۲۵ و ۹۲۶ و ۹۲۷ و ۹۲۸ و ۹۲۹ و ۹۳۰ و ۹۳۱ و ۹۳۲ و ۹۳۳ و ۹۳۴ و ۹۳۵ و ۹۳۶ و ۹۳۷ و ۹۳۸ و ۹۳۹ و ۹۴۰ و ۹۴۱ و ۹۴۲ و ۹۴۳ و ۹۴۴ و ۹۴۵ و ۹۴۶ و ۹۴۷ و ۹۴۸ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۹۵۱ و ۹۵۲ و ۹۵۳ و ۹۵۴ و ۹۵۵ و ۹۵۶ و ۹۵۷ و ۹۵۸ و ۹۵۹ و ۹۶۰ و ۹۶۱ و ۹۶۲ و ۹۶۳ و ۹۶۴ و ۹۶۵ و ۹۶۶ و ۹۶۷ و ۹۶۸ و ۹۶۹ و ۹۷۰ و ۹۷۱ و ۹۷۲ و ۹۷۳ و ۹۷۴ و ۹۷۵ و ۹۷۶ و ۹۷۷ و ۹۷۸ و ۹۷۹ و ۹۸۰ و ۹۸۱ و ۹۸۲ و ۹۸۳ و ۹۸۴ و ۹۸۵ و ۹۸۶ و ۹۸۷ و ۹۸۸ و ۹۸۹ و ۹۹۰ و ۹۹۱ و ۹۹۲ و ۹۹۳ و ۹۹۴ و ۹۹۵ و ۹۹۶ و ۹۹۷ و ۹۹۸ و ۹۹۹ و ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱ و ۱۰۰۲ و ۱۰۰۳ و ۱۰۰۴ و ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ و ۱۰۰۹ و ۱۰۱۰ و

و ایران جریان دارد و این عریضه فدویان را بنظر مبارک و کلام ملت رسانیده يك سلسله اقدامات مجدانه بفرمایند مگر در نتیجه توجهات و مساعی جمیع آن مقام متبحر و و کلام محترم تجار از این گرداب فلاکت که ببالهال متوجه هشت جامعه میشود مستغنا شده در آنجا بتوانند تجارت خود را ادامه داده و مرهه الحال باشند

در خانه با تقدیم احترامات فائقه خاطر محترم آ مقام متبحر را مستعضر می دارد که از قرار اخبار واصله قسمتی از اموال این جانب از آن جمله هدایای فرش هنوز در باد کوبه و بعضی نقاش روسیه موجود است

رئیس - پیشنهادی از طرف آقای حائری زاده شده امورت کمیسیون هریض که در چند جلسه قبل بمجلس تقدیم شده بود جزو دستور باشد در این باب مخالفی هست یا نه ؟

حاج شیخ اسدالله - چون در آن راپورت دو سه فقره مطلب ذکر شده يك فقره راجع بوزارت پست و تلگراف است و يك فقره راجع بوزارت داخله است برای گرفتن نتیجه قطعی بنده تصور میکنم اگر مجلس مساعدت کند در موقع مذاکره معاونین وزارت خانه های مربوطه حضور داشته باشند بهتر خواهد بود

رئیس - چون در آخر جلسه مذاکره خواهد شد آقایان وزراء اطلاع داده خواهند که تشریف بیاورند بالفعل موضوع مذاکره تمهیدنامه جامعه ملل است آقای سردار معظم خراسانی اجازه خواسته اند سرکار معظم - بلی بنده موافق بمذاکره يك مخالف عرض خواهم کرد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه نطق) حاج شیخ اسدالله - در جلسه قبل حضرت والا مقیر کمیسیون خارجه در جواب هریض بنده يك سلسله فرمایشات و دفاع فرمودند قسمت اول از فرمایشات ایشان هیچ مربوط بنظریات بنده نبود با اینکه بنده بدستور کردم و با حضرت والا بهر ایش بنده درست توجه فرموده بودند حضرت والا فرمودند يك فکری که تمام عتلا دنیا و بیوانیهای قدیم داشته اند و از ابتدای خلقت عالم و آدم در مقام اجرای آن بوده اند و حسب متقدمی در این باب تدوین شده و کتابخانه های متعددی تهیه نموده اند و موجود است و در موقعی که ویلسن برای خدمت بمالم بشریت این امر را خواسته است بموقع عمل بگذارد و در نتیجه جنگ بین المللی موفق بانجام این امر شده و ملل معظم دنیا حاضر شده اند که این امر را عملی کنند و امروز در مجلس شورای ملی پیشنهاد شده است که باید ایران در این جامعه عضویت داشته باشد يك نفر از نمایندگان باین اصل مسلم مخالفت میکنند

بنده چنین عرض نکردم که این امر مردم بدیهی است و عرض نکردم که این مقصود مقصود عالی نیست و بر فرض اینکه هیچکس در باب این خیال نبوده هیچ کتبی هم در این باب تدوین نشده باشد و بیوانی های قدیم هم در این خیال نبوده اند این فکر همین امروز بپا شده باشد بنده تکذیب نمی کنم و نمی گویم این فکر عالی وقتی وجود خارجی پیدا کند

يك خدمت بزرگی بمالم بشریت نیست بلی این فکر يك فکر عاقلانه است و يك فکر بزرگی است و این مطلب را بهر فردی از افراد بشر اظهار کنند تصدیق می کنند که فکر عالی خوبی است زیرا وقتی گفته شود ملل دنیا یعنی ملل بزرگ دنیا حاضر شده اند جلوه گیری از تجاوزات و تخطیاتی که ملل صغار ببا افراد نوع بشر میشود جلوه گیری کنند البته همه کس تصدیق خواهد کرد مگر این فکر عالی و خوب است و هیچ ناقلی نباید این مقصود عالی را تکذیب کند برون مرام مقدس و فکر بزرگی است که ملل دنیا در يك مجلس و مجلس نماینده داشته باشند و در آنجا نمایندگان دول با اتفاق یکدیگر از تجاوزاتی که از ملل بزرگ اسل صغار یا از افراد بشر به هم دیگر میشود

جلوه گیری کنند البته شرایی خوب است ولی مقصود بنده این است که این جامعه و مجمع او نیست نه اینکه بگویم او به است غیر این جامعه آن جامعه نیست زیرا امروز ملل بزرگ دنیا وقتی شمرده میشوند رسد کب از چند دولت بزرگ است ملت آلمان - ملت آمریکا - ملت بزرگ روسیه ملت انگلیس - ملت ژاپون - ملت ایتالیا اینها دو قسمت شده اند و يك قسمت آنها این جامعه را تشکیل داده اند که متفقین هستند و قسمت دیگر هنوز شرکت نکرده اند حالا چرا شرکت نکرده اند بنده آنچه تصور می کنم این است که اساس این مجمع اگر چه موجب يك فکر عالی بوده و اساسش از ویلسن پیدا شده است ولی از این جامعه دول متفقین يك نتیجه برای خود گرفتند و مقصودشان این بود که بنام جامعه ملل آن فتاوی را که در این جنگ درست آورده اند و استفاده هایی که از جنگ بین المللی نموده اند آنها را بنام جامعه بفرمایند نگاهداری کنند و مقصود این جامعه خدمت بمالم بشریت است و مقصود این جامعه جلوه گیری از تخطیات ملل بزرگ نیست ببلل صغار نیست فقط حفظ منافع و فتاوی است که در این جنگ بین المللی درست آورده اند و پس الا دلیل بر این مطلب چیست بنده بنده مراجع بهیچ وجه نموده نامی کافی است که این مطلب را ثابت نماید چنانچه ملل بزرگ دیگر که داخل در این جامعه نشده اند یکی از آنها آمریکا است پس کردند و این مطلب را درک کردند و با اینکه ویلسن مؤسس این فکر و مقصود بود وقتی مراجعت بآمریکا کرد ملت آمریکا چون ملت حساس و عالم و بیداری بودند حس کردند که متفقین از پیشنهاد ویلسن میخواستند استفاده کنند این بود که ویلسن اعتراض کردند که در این رویه غلط کرده ایم تمهیدنامه را که ویلسن اضاف و تصدیق کرده بود تعرض کردند که چرا امضاء کردی و باین رویه تمسک کردند که توجه حق داشتی يك ملت بزرگ را ملل مصر که امروز يك ملت زنده است تصدیق کنی در تحت قیومیت امپراطوری انگلستان باشد اشکالات دیگر هم در این باب داشته اند فقط باین نظر بود که حضرت والا فرمودند اختلافات یابری و اختلافاتی که در داخله آمریکا تولید شده بود سبب شد که برای پیشرفت مقاصد خود خواستند اختلافات بمقامه ویلسن رد کنند و مقاصد خود موفق شوند غیر فقط این نبود ملت آمریکا

نصرت الدوله - حافظ استقلال یعنی چه ؟ کی این حق را بآنها داده بود

حاج شیخ اسدالله - موافق این تمهیدنامه که خودش امضاء کرده و تمهید شده بود جلوه گیری از تجاوزات خارجی در خاک ایران نباید يك گلوهم استعمال نکردند و فوراً عقب نشینی اختیار نمودند و مراجعت کردند و همین قسم تجاوزات زیاده توافقی مگر کم کم قزوين را تهدید کردند دولت وقت فوریت خودش شروع کرد با اقدامات اساسی و نماینده بسکو فرستاد و اساس معاهده روس و ایران را ریختند و روابط حسنه برقرار شد و خود دولت ملت ایران موفق

حس کردند این جامعه که امروز تشکیل شده جامعه بین المللی نیست مقصود استفاده است که ملل بزرگ متفقین دارند میخواستند از جامعه بنمایند این بود که مجلس سنای آمریکا معاهده و رسای را رد کرده و امضاء نکرد

نصرت الدوله - مخیر کمیسیون - غیر زد نکرده است اینطور نیست

حاج شیخ اسدالله - چون دیدند يك تجسس و تاسی در آن عهد نامه ملل متفقین بر ملت آلمان و بر ملل دیگر بمیانند که خیلی طاقت فرسا است و ملت آمریکا زیر بار این تعیلاتی که متفقین کرده بودند نرفت این بود نظریه بنده که امروز هم عرض کردم حال دلایلی که بر صدق هریض خود دارم که این جامعه حافظ ملل صغار نیست و حاوی صدق هریض بنده است چه چیز است ؟ بعضی از مواد این تمهیدنامه و بعضی مطالب تصریح دارد و بعضی از عملیات این جامعه هم کاغذ از صدق هریض بنده است در این تمهیدنامه اظهار می کنند مللی که داخل در این جامعه شده اند جامعه متعهد است که حفظ استقلال داخلی و سیاسی او را نمایند و همیشه احرار این جامعه که مرکب از چهار نفر نماینده بزرگ دول متفقین خواهد بود مأمور اجرای این مقصد است که بهر وسیله که میتواند آن مللی را که در این جامعه وارد شده محافظت کنند بنده در مورد خودمان یعنی ایران آنروز عرض کردم از طرف کیلان يك تجاوزاتی بملت ایران شد اتفاقات روزگار هم شده را در آن زمان آن سامان نداشته بود تمام قوای که دولت انگلیس در شرق و غرب ایران داشت و بدین حق قشون را در داخله مملکت ما نگاهداشته بود که این حق را مطابق این تمهیدنامه نداشت و برخلاف این تمهیدنامه قشون خود را در ایران نگاهداشته بود و يك قوای مهمی هم در رشت و انزلی داشت که خیلی قوای کافی بود و تویهاو سنگین و مهمات زیادی داشتند مخصوصاً در انزلی سنگربندی معظم و مهم کرده بودند مقارن طلوع صبح بود بنده خود بیدار بودم صدای توپ در سانی بلند شد گلوله اول وارد شد بباغیان انزلی و دیوار گمرک را خراب کرده و همینطور در سه چهار گلوله دیگر و بجزر اینكه صدای توپ دریائی بلند شد و در مقابل این صدا و حملات بدون اینکه يك گلوله توپ از طرف قشون دولت امپراطوری انگلیس که حافظ استقلال مایود

حاج شیخ اسدالله - موافق این تمهیدنامه که خودش امضاء کرده و تمهید شده بود جلوه گیری از تجاوزات خارجی در خاک ایران نباید يك گلوهم استعمال نکردند و فوراً عقب نشینی اختیار نمودند و مراجعت کردند و همین قسم تجاوزات زیاده توافقی مگر کم کم قزوين را تهدید کردند دولت وقت فوریت خودش شروع کرد با اقدامات اساسی و نماینده بسکو فرستاد و اساس معاهده روس و ایران را ریختند و روابط حسنه برقرار شد و خود دولت ملت ایران موفق

دوره چهارم

باصلاح و رفع این مفهده شدند حضرت والا بفرمایند در آن موقع خودم مأموریت داشتم و در جامعه بین المللی بر حسب نماینده گی که از طرف ایران داشتم تمام تصدیق می کردند و اظهار تأسف نمودند اما نتیجه این تأسف چه بود ؟ هیچ فقط گفته شد بپایه ایرانی بدیعت ایرانی حق دارد مظلوم است ! فقط غیر از اظهار تأسف ما چیز دیگری مشاهده نکردیم آیا این کافی است ؟

اگر تمهید می کنند اشخاصی که در این جامعه عضویت پیدا کرده اند او را نگاهداری کنند و حتی در موانع لزوم قوای حربه استعمال کنند آنوقت این (بپایه ایرانی مظلوم است - حق دارد) کافی نیست اگر نتیجه گرفتن از این عضویت فقط همینقدر باشد که اظهار تأسف کنند هیچ لازم نیست کسی برای ماناسف بخورد

ملت ایران باید استقلال خودش را حفظ کند و خودش باید خود را اداره کند ما توقع نداریم استقلال ما را آنها حفظ کنند و بمساعدت کنند اما ما استدعا می کنیم و تمنا می نمایم اخلال در کار ما ننمایند و در امور داخلی و خارجی ما دخالت نکنند ما بملت ملی هستیم که خیال جنگ نداریم و با تمام ملل دنیا نظر دوستی داریم ملت فقیری هستیم و ملل داریم که با تمام ملل دنیا روابط دوستانه داشته باشیم همیشه می خواهم ما را بحال خودمان بگذارند من نمی توانم یعنی مصالح مملکت بمن اجازه نمی دهد بگویم آنچه را که امروز همین ملت بزرگ در داخله مملکت ما وارد می کنند با ما مساعدت باما بکن نه تهرنات بکن همین ملت و دولت باین کوچکی قادر است داخله خود را امنیت بدهد اما اگر بگذارند عرض کردم مصالح مملکتی اجازه نمی دهند آن عملیاتی را که امروز دارند در داخله مملکت ما بکنند بگویم و برای اینکه خارج از انزاکت نشده باشم از این مطلب میگویم ولی عرض میکنم برای اینکه گزاره گیری از عضویت این جامعه بین المللی بکنیم همین اصل بیست و دوم تمهیدنامه

کافی است زیرا تمام مقصود از تشکیل این جامعه و تمام مقصود از دعوت سایر ملل بموافقت خودشان برای اجرای همین اصل بیست و دوم است که اغلب از ملل ضعیفه را که تحت العنایه یا جزو مستملکات خود قرار داده ملل دیگر هم تصدیق کنند و من بکنم که نمی توانم تصدیق کنم ملل می گوید ممالکی را که از امپراطوری عثمانی مجزی شده اند چون خودشان می توانند خود را اداره کنند بآنها استقلال داده شود آنها هم که از دولت عثمانی مجزا شده اند بین النهرین است حجاز است شام است مصر است حالا میخواستیم ببینیم بآنها چه استقلالی داده اند آیا این استقلال استقلالی است در بین النهرین یا عرب بپایه داده شده است و این همه فحاشی که نسبت با عرب بدیعت نموده اند معنی استقلال است ؟ یا آن استقلال که بمصری های بدیعت داده اند ؟ که هر کاینه را که خود انگلیس دارد داخله مصر تشکیل می دهند بقدری بآنها فشار می آورند که همان کابینه عاجز میشوند و واستعفا میدهند

دوره چهارم

مثل اینکه همین چند روزه کابینه آنجا استعفا داد و چون نتوانست خواست آنها را انجام دهد با آنکه مثل شامات که صد و پنجاه نفر را بالای دار می کشند در حالتی که بیچاره ها تصویری نداشته اند این که فقط استقلال می خواهند این است معنی استقلال ؟ این استقلالی است که باین بدیعت ها مطابق این تمهیدنامه داده اند و هر روزه ده یا نوزده نفر را بدار می کشند و آنوقت می گویند ما بآنها استقلال داریم بلی باید تصایح دولتی را که مناسبات جغرافیائی تقاضا دارد یعنی تصایح يك دولت تربیت شده را بوسیله ملل نمایانم تصایحی که نوشته شده چه خبر است و تا چه حد میرسد آیا تا این حد خواهد بود که تصدیق کنیم یک نفر از دایره ممالک مجزی شده از عثمانی اظهار آزادی نکند یا آمریکاییهای بپایه یا نیست بآن استرالیاییهای بپایه که خود آنها تصدیق دارند قابل استقلال هست و بآنها نمی دهند در حال بآنها کار نداریم و وارد می شوم بممالک اسلامی که از عثمانی مجزی شده اند بنده که تصدیق نمیکنیم چون ورود بپایه تصدیق و تمهیدنامه است و تصدیق به تمهیدنامه تصدیق باین است که ملل اسلامی در تحت قیومیت آنها باشد این است که بنده نمی توانم این تمهیدنامه را قبول کنم که ملت ایران هم جزء آن جامعه ملل شود و برای استقلال همان يك داده یعنی ماده دوم کافی است در آنجا بپایه میدهند استقلال داخلی و خارجی الجماله که در اختیاریم و محتاج نبودیم که ما بدهند این ماده میگوید مللی که در این جامعه داخل هستند استقلال داخلی و سیاسی بآنها داده میشود

قلوب - غیر محترم شمرده میشود

حاج شیخ اسدالله - بلی در هر صورت بسیار خوب محترم شمرده می شود ملل می گویند مللی که عضویت دارند و در جدول نوشته شده است استقلال آنها محترم شمرده میشود اول امپراطوری انگلستان و کانادا که باو استقلال داده شده است و استقلال او محترم شمرده می شود و آفریقای جنوبی محترم شمرده میشود دولت مستقل داخل نیستند

حاج شیخ اسدالله - آنها عضو اصلی هستند که در این جامعه عضویت دارند بعد میباید هندوستان و زلاند جدید و استرالیا و آفریقای جنوبی تمام آنها در جامعه نماینده دارند و عضویت دارند از اعضای اولیه هستند آیا استقلال داخلی اینها را متفقین محترم شمرده اند آیا انگلستان بآنها استقلال داخلی داده است آیا میدانند بآنها بطور معامله میکنند آنوقت ما توقع داریم از این ماده ده استفاده کنیم آخر ما چه استفاده میتوانیم بکنیم حالا از این مطلب هم میگوئیم و داخل مطلب دیگر میرویم در اصل هشتم نوشته است اعضای جامعه تصدیق مینمایند که حفظ صلح تقابل تجهیزات نظامی مللی را ایجاب میکند

آنوقت برای اجرای این مقصود در واشنگتن يك کنفرانس تشکیل میشود و نمایندگان جمیع ملل را برای تقابل تجهیزات دعوت میکنند آنوقت آقایان میگویند تقابل تجهیزات خیلی خوب است اما برای

دوره چهارم

مخالفین ما خوب است و باید اجرا شود ولی نسبت به انگلیس و فرانسه نباید اجرا بشود آلمان باید خلع سلاح بشود کشور روسیه هم نفس نکشد و همینطور تمام دولی که مخالف ما متفقین بوده اند فشار وارد میآورند که خلع سلاح بشوند و تقابل تجهیزات نمایند ولی در مورد خودشان میگویند مصالح عمومی تجاوز نمیکند که تجهیزات ما کم بشود بلکه تمام ملل اجازه میدهند که زیاد بکنیم برای حفظ تجارت دنیا برای حفظ دریاهای لازم است آیا معنی تقابل این است بنده که اینطور نمیدانم و عقیده ام این است که از این جامعه باینطور ما نمیتوانیم استفاده کنیم و همچنین می گوید در موقعی که جنگ بین دول واقع شود تماماً شوردا مکلف می دانند که جلوه گیری از جنگ و زد و خورد بنمایند

یونان یکی از مللی است که در این جامعه عضویت دارد و نماینده او هم بموجب دعوت در آن جامعه وارد شده وقتی که یونان ببلوین عثمانی غلبه میکند و بفرشت می کند جامعه اظهار می کند بلی ما بی طرف هستیم دخالت نمیکنیم ولی وقتی که عثمانی ها از یونان جلوه گیری میکنند آنوقت می گویند این چشک را باید خانه داد و در لندن کنفرانس صلح برای اصلاح بین یونان و عثمانی تشکیل می دهند و می گویند باید مباحثی گری کرد و قیام باین اصلاح داد و همچنین راجع باختلافات آلمان و لهستان در سیلیزی رجوع می کنند بآراء عمومی وقتی که آراء بر له آلمان در می آید آن وقت شروع بکشمکش و اختلافات میکنند و بالاخر محل قضیه را بمنافع فرانسه و انگلیس خانه می دهند و آن آراء را کان لم یکن فرض می کنند و بعد تأثیری بآراء نمی دهند بهر حال معایب ورود باین جامعه بسیار است و بنده استفاده را از دخول باین مجمع بنظر نمی رسد

این است که بنده ورود در این جامعه بخصری را هیچ صلاح نمی دانم مگر وقتی که جامعه بین المللی تشکیل شود و همه ملل بزرگ دنیا در آن مجمع نماینده داشته باشند و شرکت نمایند یعنی مللی که مختلف المنافع باشند نه متفق المنافع دول عظامی که حالا هستند دول مشترک المنافع هستند و هیچوقت دست از منافع یکدیگر نمی کشند و ملل ضعیفه در مقابل آنها ابتدا استفاده نخواهند نمود ولی وقتی ملل بزرگ مختلف المنافع شرکت بکنند و ممالک ضعیفه از آن اختلافات بتوانند استفاده کنند ولی این ملل امروزه مشترک المنافع هستند و هنوز آن موقع نرسیده که ملل ضعیفه هم بتوانند استفاده نمایند این است که بنده دخول ملت و دولت ایران را در این جامعه ملل صلاح نمی دانم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله در اول نطق خودشان فرمودند که شاید مقاصد خود را بد تغییر میکنند

آن عبارتی را که راجع بحفظ استقلال مملکت نسبت بدولت انگلیس فرمودند اشتباه فرمودند و مقصودشان اشاره باصل دهم بود و سکه لسانی برای ایشان دست داد و بطور اشتباه عبارت را اینطور ادا نمودند

(عموماً تصدیق نمودند)

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - اگر چه توضیحاتی که شاهزاده نصرت الدوله مخبر کبیرین خارجه در جلسه گذشته با یک بیان فصیح و شیخ فرمودند تصور میکردم دیگر مارا مستغنی از مخالفت خواهد کرد ولی باز می بینم قضایا تکرار می شود و همان جواب ها را باید داد و چون یقین دارم که مخبر معظم قبول زحمت خواهند فرمود و بعد از بنده مفضل تر بیان خواهند نمود لهذا بنده باختصار میگویم.

اول آن چیزی را که قصدی را که بنده مقصدنا یادداشت کرده بوده آقای رئیس متذکر شدند و تصحیح فرمودند چون مکرر در پیش تریبون گفته شد که یک دولتی استقلال داخلی پیدا می دهد یا استقلال مارا ضمانت میکند.

(گفته شد صحیح است)

مسئله دیگر اینکه مثنی آورده و آن این بود که بعضی از اساتک نور عظیمی جامعه را تشنه اند من قبیل از اینکه به دلالت موافقت خود وارد بشوم عرض می کنم که مجلس عالم در حل مقدرات خود نباید مقید صرف باشد زیرا زندگانی اجتماعی عربی که از ملل عالم را عالی نظام می کند که شاید آن ملل در دولت دیگری سهیم نباشد و اینکه یک ملک را من در جامعه ملل شده ولی مکرر است که ملل این همه جامعه ملل داخل نشود و عواقب بعد از این مخالفت عضویت ایران در جامعه ملل باین دلیل متوقف شود آقای حاج میرزا محمد باقر طالب را طوری عنوان فرمودند که یک جنگ بین المللی باین مظهر که چند سال طول کشیده هیچ وجود نداشته و تازه امروز به نتیجه تشکیل شد که دلیلی تقسیم کند و بعد از این نشان فراموش فرمودند که جامعه ملل چگونه نتیجه جنگ بین المللی است اگر چه جنگ بین المللی اثرات بد و زیاد داشته ولی نتواند نتیجه خوبی داشته همین جامعه ملل است و ما باین مسئله را ثابت خواهم کرد که قیامت تغییراتی کرد و در پیش آمد است هیچ از این نقطه نظر نیست که یک جامعه ملل شده است که اسم خود را جامعه ملل گذارد و تصرفات در املاک غیر مرکند خیر اگر این جامعه ملل تشکیل نمیشد همان چیزی که تا بحال مقدرات نوع بشر را حل می کرد یعنی قدرت و غلبه در هر حال آخره بالاخره کار خود را کرده و آن کشور غالب شده است نسبت به ذل و برتری ازاده شود و موقع من آورده است و قبول اند اند اسم از اینکه جامعه ملل تشکیل نمیشد و جناب مستطاب عالی و بنده موافقت می کردیم و باینکه بگویم نتایجی که از جنگ بین المللی حاصل شده است نام از اینکه غلبه باشد یا صحت باشد تغییر پذیر نیست و مخالفت من و شما قادر نیست باین تغییر باشد اصلا جامعه ملل هم قادر بتغیر آنها نیست بنده عرض کردم جنگ بین المللی نتایج بدی داشت و محتاج بکفایت نیست

خونها ریخته شد قتل ها واقع شد و بالاخره قوای که ممکن بود صرف ترقی نوع بشر بشود صرف تفریب نوع بشر شد ولی با همه اینها یک نتیجه خوبی جنگ بین المللی داد و آن این بود که نوع بشر دید و فهمید که این طریقی که فرهای متوالی برای رفع این اختلافات متوسل بآن میشد یعنی زور و شمشیر خوب نیست و یک مرتبه دیگر نوع بشر بواسطه گرانی قربانی هایی که داده متنبه شد و دید موقع فرا رسیده که غیر از شمشیر و زور راه دیگری برای حل قضایا پیدا کند و این اولین قسمی است که نوع بشر در این راه بر داشته است که غیر از شمشیر و زور یک راه دیگری برای حل اختلافات خود اختیار کنند البته از این آرزوی مقدس و پاک حرس و آرز و طمع ورزی که در دنیا بوده است ممانعت میبرد و بدبختانه تا بحال هم ممانعت خودش را مرتفع نکرده است و قبل از جنگ هم یک قدم برای این مقصود برداشته شد که آن کنفرانس کنفرانس لاهه بود اگر چه قدم کوچکی بود اما قدمی بود بطرف مقصود ولی جنگ بین المللی که واقع شد و تمام ملل عالم اعم از اینکه داخل جنگ بودند و یا نبودند صدمه آنرا دیدند و قربانیهای زیاد و خسارات فوق العاده متحمل میشدند بالاخره باین خیال افتادند که تصمیم بگیرند حتی الامکان متوسل بشمشیر و زور نشوند و اگر بعضی متوسل شوند بیک مدافع و عوائقی ایجاد کنند و خود را منظم بآن موانع نمایند که منحصراً عمدی کمتر متاثر شود و خونریزی و جنگ در دنیا کمتر تولید شود این مقصود مقدس بشری غالب جامعه ملل ریخته شد موسسین او کسی بود کار تمام بهر حال این یک مؤسسه خیلی خوب است که منافع آن شامل تمام نوع بشر میشود از این نقطه نظر من موافق هستم که ایران در جامعه ملل عضویت داشته باشد بعضی را عقیده نیست که بعضی دول این مؤسسه را فقط برای تقسیم قتلای که از جنگ تحصیل کرده اند ایجاد نموده اند ولی با اینکه این نظر مخالف عقیده من است آیا خود همین تصور را برای محفوظ ماندن حقوقمان مجبور نمیکند که در این جامعه داخل شویم عقیده بنده این است همین دلالتی که شما اقامه فرمودید را الزام نمیکند که عضو این جامعه باشیم زیرا بر فرض اینکه این جامعه متعددی هم باشد نظر باینکه اصل دم نموده میگوید که این استقلال اعضاء جامعه را معتزم بشمارد برای جلب همین منفعت جناب عالی که جامعه را متعصبی میدانید باید زیاد تر شایق باشد که ایران جزء جامعه ملل باشد اگر متل من خوش بین بودید و خیال میکردید کلیه نوع بشر از برای ترقی و تکامل شود بطرف صالح و دوستی میروند ممکن بود بگویند در هر حال حقوق ما محفوظ است و املا ایران محتاج نیست داخل جامعه شود اما وقتی کاین نظرها نداشته باشید و نظرد دیگری داشته باشید همان نظر شما را و ادراک عضویت ایران در جامعه ملل مینماید علاوه این نکته را باید مسیوق باشید که دولی که در آن زمان در جامعه ملل قبول عضویت نکرده اند و اسمی آنها ذکر نشده است نه این بوده است که خودشان اظهار میل نکرده اند خیر بلکه هنوز نتایج جنگ بین المللی تمام نشده و هنوز پاره شرايط که لازمه صلح

فصلی بوده اجرا نشده بود باین جهت آنها را از قبول عضویت در جامعه ملل معزوم کرده اند بهترین دلیل من این است که دولت اطریش کاسم اودراین گذشته نیست و سابق بر این جزء جامعه نبوده است حالا عضویت دارد یقین بدانید که در آتی نزدیک برای اجرای این نیت مقدس بشریت تمام مالک عالم همین قدر کار و رابط خصوصی بین آنها برقرار میشود متدرجاً قبول این عضویت را خواهند نمود و بالاخره نمایندگان خود را در این جامعه تمرکز میدهند بنا بر این تصور میکنم وظیفه تمام ما است موافقت بکنیم ایران که یک عضو کهن سال بشریت است عضوین جامعه ملل بشود در هر صورت من یک دلیل قوی ندیدم که دولت ایران از این قدم خیرخواهانه صرف نظر نماید و از عضویت جامعه ملل منصرف شود

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام - همه آقایان نمایندگان میدانند که بنده کمتر اوقات پارلمانرا اشغال کرده ام حالا هم من دانم هر ایشی میکنم مفید باشد نخواهد شد چه بخواه من سخن و خلاق کلام حضرت انیس والا آقای مخبر در مقابل بنده نشسته اند ولی چون کلاما با عجله بگذشتن نهاده جامعه ملل از مقام مقننه مضاف هستم و هر قدر هم با سیاستمداران عظام صحبت کرده ام متقاعد در ترک ممانعت نشدم تا چارم چند کلمه عرض بکنم و بهترین وسیله این است که اولاً از فرمایشات جلسه قبل آقای مخبر که دلالت بر اطلاعات وسیع ایشان میبود استفاده کنم آقای مخبر معظم تصدیق فرمودند که دولت انارونی تاکنون داخل این جامعه نشده است و مستر ویلسن رئیس جمهوری امریکا برای انعقاد یا قبول این عهدنامه مورد تعرض ملت امریکا واقع شده است و در نتیجه منجر بتغیر رئیس جمهور شده است حالا فقط اعتراضات راجع باصل دم بود و با مطالب و نظریات دیگر معلوم نیست و حقیقتاً این امور از طرف اخبار معلوم نمیشود در این صورت از آقایان مخبر معظم و اعضاء کبیرین خارجه سؤال می کنم که دولت و ملت بیدار آمریکا که سلسله چنین انعقاد این جامعه بوده اند و اسم آنها نخستین اسمی است که در اعضاء اصلی جامعه ملل ثبت شده و تمام منافع این جامعه را از برای بشریت میدانند و تمام آن یکصد جلد کتاب که آقای مخبر فرمودند در این باب تصنیف شده دیده اند تاکنون نماینده آنها داخل در این جامعه نشده است و رد قبول آنها این عهدنامه را معلوم نیست ما که یک دولتی هستیم ضعیف و نسبتاً کم اطلاع باعث عجله ما بر گذشتن این نام از مجلس شورای ملی چیست و اما تصدیق آقای مخبر راجع باقداماتی که در سال قبل در معیت اجرائیه جامعه فرموده اند که ذکر نمودند و اجرای مفاد اصول هم واصل یازدهم رانست بحدوث انزلی و گیلانات قتلها فرموده بودند و بالاخره بواسطه این که جامعه ملل است اجرائیه نضج کاملی نگرفته بودند متقاعد بدم اجرا شده بودند خدمت آقایان یادآوری میکنم که آن نضج جامعه و هیئت اجرائیه باندازم نبوده است که اجرای این در اصل راجع بقشون همدان الی کرمانشاهان الی قصر

شیرین بشود کولو برای بهانه هم باشد گفته نشود که اگر قشون از قصر بهمدان نبود حوادث گیلانات واقع نمیشد باین اقدام درواقع از اقدامات متقابل بوده و نیز یادآوری میکنم که آیا مفاد این جمله در صفحه سیزدهم در اصل شانزدهم وسط سطر دوم الی بعد نوشته شده است و همچنین بیکدیگر تفاوت مینمایند برای مقاومت بهر اقدام مخصوصی که برضد یکی از آنها از طرف دولتی که نقش عهد نموده است بعمل می آید آیا مفاد این جمله راجع بقشون از قصر الی همدان مجری گردید اینست باینکه نگذاشتند تا ذکر بدیم و آن این است که بنده فعلاً در گیلان این عهدنامه صحبت میکنم ولی بیکدسته دلالت بنده اصولی از این عهدنامه است برای استدلال یکی یکی اشاره می کنم چون دلیل عمده است و این داخل شدن در جزئیات نیست بلکه بیان دلیل است علاوه بقصد بنده هر کس صحبتی در این عهدنامه دارد باید در شور گیلان بیان کند و الا چنانچه در اصل اول ذکر شده یک حرف آنرا نمیتوان تغییر داد باین حال صحبت کردن در جزئیات چه فایده دارد اصلاً و اساساً با باید این عهدنامه را قبول کرد یا باید رأی بقسم دیگر داد استقلال آقای مخبر هم در جلسه قبل باصل دم تأیید میکنند نظریه بنده را بانداز که این مقدمه عرض میکنم اصل هشتم این عهدنامه برای مضار است چارچوب این اصل منع از تجهیزات ابتدائی است بواسطه آنکه تمام راجع بتقابل تجهیزات است و این منع موافق صلاح حال نیروی مانیت اصل آنها مضار است چه مطابق این اصل ممکن است طوری قشون ما محدود شود که شایسته حال مانیت باصل دم مضار است با اینکه ظاهر آن برای ما خیلی مشتمع و روشن است ولی بنده تصور میکنم ممکن است در موردی از هجوم گروهی از یک طرف بعنوانی و گروه دیگر از طرف دیگر بالمره ما با ببال شویم بارت اصل میبدهم خیلی پیچیده است که نوشته شده است از این پیچیدگی عهدنامه و با تهدید بین المللی که یکی از اعضاء جامعه متعقد نموده است باید بقدریت به ثبت دارالانشاء رسیده و بوسیله همان اداره باسرع وسائل طبع انتشار یابد هیچ یک از این عهدنامه ها و این تهدیدات بین المللی قبل از ثبت گردیدن لازم الاجرای نخواهد شد اولاً معلوم نیست که هر اعضاء بعد از این است با اعمادات گذشته را هم شامل است اگر چه در اول دارد از این بعد اولی بعد دارد که یکی از اعضاء جامعه متعقد نموده است گذشته را میسراند و ممکن است این اصل را این قسمت معین کرد که بعد از این هر قسم عهدنامه که راجع بیکی از اعضاء باشد چه از گذشته باشد چه از آینده باید به ثبت دارالانشاء برسد و معلوم نیست اگر بقدریت به ثبت برسد چه خواهد شد و معلوم نیست کی باید به ثبت برساند و طبع کند و مسئول این عمل کی است چیزی که معلوم است این است که قبل از ثبت لازم الاجرای نیست خوب بعد از تصدیق این عهدنامه خواستیم که یک معاهده مهم فوری باین دولتی متعقد کنیم هم تمام کردیم مسکه برویم زود اقدام در ثبت و طبع هم کردیم یک وسیله ثبت نشد آن وقت چکنیم تا یک سال که هیئت اجرائیه متعقد شود آنها هم نشد صبر میکنم تا جامعه که معلوم نیست چند سال یک

مرتبه متعقد میشود متعقد شود این هم کار شد که یک ملتی بدست خودش این قسم خود را محدود کند آنها هم بر فرض که مفهوم عهدنامه های آینده باشد و حال آن که چنین نیست البته آقایان در اصل بیست و دوم کاملاً دقت فرموده اند بنده تصور میکنم تمام فرازهای این اصل برای ایران مضار است اما فراز اول و وسط صفحه ۱۵ اول اصل که نوشته شده است (در مورد اراضی یا مستعمرات که در نتیجه جنگ اخیر در تحت سلطه ممالکی که قبلاً بر آنها حکم روانی داشته اند خارج گردیده تا اول سطر دوم صفحه شانزدهم که نوشته شده است (بست دولت مأمور و بنام جامعه ملل اجرا خواهند داشت کیفیت مأموریت بر حسب میزان ترقی موقعیت جغرافیائی اوضاع اقتصادی و سایر خصائص دیگر ملتی که تحت قیومیت واقع میگردد و مغایرت است) دولت ایران از اول جنت تا آخر جنگ کار بیکاری نداشت و دشمنی نکرده و ببطرف صرف محض بوده حالاً باید مالکیت و قیومیت را برای اقوامی چند که سابقاً جزء مملکت بوده و بعد جزء مملکت دیگری شده اند تصدیق و تثبیت نماید پیچیده شایسته نیست و اما فراز (پاره اقوامی کسابقاً جزء مملکت امپراطوری عثمانی بوده اند در سطر چهارم صفحه شانزدهم الی در نظر گرفته شود) تصدیق مینماید صحت و حقایق مجری شدن اقوامی را از امپراطوری عثمانی و در خور ایران و ایرانی مسلمان نیست که چنین تصدیقی بر علیه دولت دوست همکیش خود بنماید و شاید این تصدیق منافی باشد با اینکه فعلاً دولت ایران هیئتی را برای تمدید معاهدات با دولت عثمانی اقوام داشته است و نیز این فراز تصدیق مینماید قیومیت را برای اقوامی و اینهم مناسبت ندارد و اما فراز (میزان نشد و ارتقاء ملل دیگر خاصه ملل افریقای مرکزی) الزام مینماید که دولت مأمور تهدا دانه آن حدود را بنماید (وسط صفحه ۱۶ الی در این مسائل حکم خواهد شد) که وسط صفحه ۱۷ است) این ملل دیگر که در اینجا ذکر شده جمعی هستند که جای دنیا هستند چند ملت هستند چه می کنند وضعیت آن ها چیست که بیائیم قیومیت را برای آنها تصدیق کنیم و آنها را از ساختن قلاع نظامی منع بداریم و تعلیمات نظامی الاثر از پلیس شدن را از آنها منافی کنیم و همکدام افریقای مرکزی را ما چه میدانیم که کسی و مقدر و دارای چه وضعیت هستند که بیائیم مراتب فوق الذکر را درباره آنها قابل شویم و همکذا افریقای جنوب غربی و جز ایرجنب اقبانوس کبیر که بیائیم جزو شدن بملی را درباره آن ها افاد و مجری بداریم

فراز آخر اصل بیست و چهارم اول صفحه نوزدهم که مینویسد (هیئت اجرائیه میتواند تصمیم نماید که مصارف هر دارم و کسبوسنی را که تحت اقتدار جامعه است جزو مخارج دارالانشاء قرار دهد) ممکن است در نتیجه عملیات این فراز یک مخارج فوق العاده علاوه بر مخارج اصلی که شنیده ام سالی خدمت هزار تومان می شود برای این مملکت و این ملت فقیر فراهم شود در اصول دیگر هم هر قدر بنده دقت مکنم منافی از برای ایران نخواهد داشت باشد سوا

محدودیت و سلب اختیارات مخبر - آقای حاج شیخ اسدالله در شروع بمذاکرات اظهاراتی فرمودند و بنده خیلی خوشوقت هستم که همکار محترم من آقای سردار معظم قسمت عهد جواب ایشان را دادند و بنده با کسالت و حال نزاری که دارم مجبور باطاله کلام نخواهم شد

فقط یک قسمت هایی که ایشان فرمودند قهرست نمودم و بطور مختصر می خواهم عدم مطابقت آنها را با واقع شرح دهم

اولاً مسئله شرکت داشتن دول را در جامعه ملل خیلی اهمیت می دهند در صورتی که عهد دولیکه تاکنون داخل نشده اند فوق العاده محدود و گمان می کنم که در اروپا فقط آلمان و روسیه هستند و دولت آلمان هم فوق العاده مایل است عضویت این جامعه را قبول نماید ولی یکی از شرایط عهدنامه و رسای این است که مادام که اوتعهدات خود را نسبت به خسارات ادا نکرده مانع از دخول او در جامعه ملل است مثلاً فرمودند مجلس سنا این مسئله را رد کرده است خیر اینطور نیست و مجلس سنا رد نکرده است

دیگر اینکه فرمودند دولت امریکا عهد نامه و رسای را امضا نکرده است ابتدا اینطور نیست بلکه امضا کرده است و هنوز قشون و برقی انارونی در حدود ماوراء دین باقشون متعقد نیست خوب است ما در این خصوص یک تفسیری بیشتر تحقیق بکنیم که تولید یک سوء تفسیرانی شود

یک مطلب دیگری هم فرمودند و خیلی متشکریم که جواب آتراهم آقای رئیس و هم آقای سردار معظم فرمودند و بنده فقط می خواهم یک قدری بیشتر خاطر آقایان را متذکر کنم که عهدنامه جامعه ملل با عهدنامه و رسای جنگ بین المللی را خانه داده است یکی نیست راست است که در مقدمه این عهدنامه اسم آن عهدنامه برده شده است

راست است کاین عهدنامه در نتیجه وقایع جنگ تولید شده است ولی این عهدنامه عهدنامه صلح نیست و قایمی که در تمام دنیا اتفاق افتاده است بواسطه جنگ بوده است و هر دستور المللی که برای آن در عهدنامه و رسای معین شده هیچ ارتباط باین عهدنامه ندارد یعنی مشوریتی بر اعضاء کنندگان آن از حیث تصدیق و قبول ندارد فقط یک چیزی هست و آن این است که این عهدنامه را برای تغییر تمدن و وضعیت تهیه کرده اند بلی اگر در این عهدنامه نسبت بیک چیزها اشاره شده و یک قسمت های در آن ذکر شده و قسمتهای خوبی نیست و براسطه قهر و غلبه و قدرت بوده است متأسفانه باینکه است که محور بزرگترین مؤثر در دنیا قهر و غلبه و قدرت میباشد این عهدنامه فقط برای دو چیز است یکی برای این است که نسبت باثراتی که این قهر و غلبه موجود کرده یک جلوگیری هائی بشود و یک صورت های بهتری بآنها بدهد این اصل بیست و دوم که اینقدر مذاکره می فرمایند مؤسس این وقایع نیست میخواهد این وقایع را یک صورتی ترمیم کند و الا اثری در وقایع گذشته ندارد

يك اشاره دیگری هم بپسینه ضمیمه اول مستعمراتی که در آنجا نوشته شده است فرمودند اولاً قسمت اول کلیه دولی هستند که در موقع جنگ دخیل بوده اند و تمام آنها را که ملاحظه می فرمائید دولی بودند که در جنگ بوده اند مستعمراتی هم که در آنجا ذکر شده مثل کانادا و استرالی و غیره جنگجو بوده اند و علت اینکه آنها جزو امضاء کنندگان هستند همین است که داخل در جنگ بوده اند. بملاوه ملاحظه می فرمائید که در اصل اول می نویسد:

هر دولت یا مستعمره یا مستعقله که خود را آزادانه اداره می نماید و در ضمیمه اسم آن ثبت نگردیده در صورتی که می تواند عضو جامعه ملل بشود که در ثلث امضاء مجلس عمومی در قبول عضویت وی وای دهند.

بنابر این بعضی مستعمرات را از قبیل کانادا و استرالی و هندوستان که يك آزادی و استقلال های داخلی وسیع دارند و يك افتدات تجارتی و مادی فوق العاده در دنیا پیدا کرده اند و از آنها نمیتواند صرف نظر کنند نخواستند معزوم نمایند ولی نتیجه که از بودن آنها آقای حاج شیخ اسدالله می خواستند بگیرند وارد نیست و يك مسئله دیگری فرمودند بنده یادداشت کردم و بایستی جواب بدهم

اولاً این عهدنامه جامعه ملل برای موقع صلح نوشته شده و وقتی این عهدنامه نوشته شد و امضاء شد خیلی ها معتقد بودند که جنگ تمام شده ولی البته اگر جنگ تمام نشده بود فوراً در يك دوره عادی صلح داخل شده بودیم تا امروز که در صحن می گذرد می توانستیم از یک همچو جامعه يك اثراتی در پی بگیریم و اقداماتی که میکردند کشور در تصرف نظر دقت و تنقید قرار دهیم تا آن وقت بتوانیم حکم کنیم که آیا این جامعه ملل آن جامعه که آقای حاج شیخ اسدالله می فرمایند هست یا خیر؟

ولی این را نباید فراموش کنیم که جنگ هنوز خاتمه نیافته است و ابتدا وضعیت دنیا وضعیت صلح عادی نیست.

پس عدلیات و افتدات و قراری این جامعه و چرخیدن کلیه چرخهای معظم آن برای موقعی است که صلح عادی برقرار باشد باین ملاحظه کلیه عدلیاتی که تا بحال جامعه کرده است شرق دست بوده است همین اندازه هم بایستی انتظار داشته باشیم برای اینکه جامعه وقتی می تواند کار کند که با تمام ملل نسبت بجلو گیری از جنگ شرایطی برقرار کنند و روابط داشته باشد تا اینکه بتوانند نسبت بیک دولتی بلو کوس تجارتی کنند.

فرض فرمائید در دو سال قبل يك کسی با روسیه بلشویک طرف میشد و بهر جامعه می گفت من عضو جامعه ملل هستم آیا جامعه با روسیه چه می توانست بکند؟ رابطه ای که با روسیه ندارد که بلو کوس تجارتی بکند فرض فرمائید باین یونان و ژاپن با فرانسه انگلیس مثل اینکه نزدیک بود در مسئله سیلوی اختلافاتی پیدا شود آنوقت ما میتوانیم نتیجه عملیات جامعه را بیه بینم فراموش فرمائید نه آنروزی که جامعه تشکیل

شد و نه امروز در موقع عادی صلح نبوده و نیستیم مهذا جامعه عملاً کارهایی کرده است که بما ثابت می کند قسمهای بزرگی برای جلو گیری از اثرات سوء فخر و غلبه گذشته برداشته. آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند در کار ما اخلاقی شود غیر آقایان باید در نظر بگیرند که فکر انفرادی با فکر اجتماعی فرق دارد فکر انفرادی که يك ملت را تشکیل میدهد با فکر آن کسانی که يك اجتماع بین المللی را تشکیل میدهد فرق دارد این جامعه ملل برای پیش بینی زندگانی انفرادی نیست مخصوصاً يك قسمی است برای اینکه زندگانی انفرادی را بهم زند و يك زندگانی اجتماعی درست کند در این صورت اگر باین نحوه از فکر مراجعه فرمائید دیگر نخواهند گفت که فلان شخص کدر فلان جا بوده فلان موقع فلان عهد را اجرا نکرد با چه نکرد این عهد عهد اجتماعی است و بملاوه همان موضوعی را هم که ایشان می فرمایند تعقیب کردن و تقاضا لازم دارد بلی اگر ما این عملیات را کرده بودیم و نتیجه حاصل نمیشد آنوقت حق داشتیم اعتراضاتی بجامعه ملل بنماییم. حالا دیگر بعد از آن فرمایشی که آقای شیخ الاسلام فرمودند بنده فرصت ندارم چیزی عرض کنم فقط می خواهم قدری از ایشان بگویم و شاید در عالم همکاری چیزی را که عرض میکنم يك تصبیحتی باشد و آن این است که بکفتری سعی فرمائید که در ضمن کلام خود تصدیق یک چیزهایی را فرمائید. الحمدلله امروز تماشاچی در مجلس حکم است اگر تماشاچی زیاد بوده اینطور نتیجه میگرفتند که آقای شیخ الاسلام در بالای منبر نطق عملیات شمال را تصدیق میکردند. اینجا خوب نیست بیادگار می ماند در روزنامه ها درج میشود

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده عرض کردم بجانۀ قرار نمهند تصدیق نکردم مخصوصاً نوشته ام که تغییر نکنند

مخبر - ایشان داخل رمود شدند و باصول این عهدنامه یکی یکی اعتراض نمودند اصل هشتم و نهم و دهم را حاضر دانستند اصل هجدهم را بداندانستند بدواً می خواهم عرض کنم که در اصل هجدهم يك اشتباه ظریف پیدا شده است و باید اصلاح شود نوشته شده است از این بیه هر عهدنامه و یا عهد بین المللی که بتسکی از امضاء جامعه منعقد نموده است غلط است (معتقد نمینماید) صحیح است ولو اینکه این عبارت غلط بود اما اگر يك قدری باصول بعد مراجعه می فرمودند هم يك قدری این اشتباه ایشان رفع میشد و هم يك قدری امیدوار می شدند ملاحظه فرمائید این ماده را می خوانم اصل بیستم میگوید: امضاء جامعه ملل این مقررات را نسخ کلیه عهدات یا

مقاولات ذات الی خود که با مبدل اصول این مقررات مغالط دارد شناخته و تعدد رسمی مینمایند که از این بعد هیچگونه تعدی را که با مفاد مقررات حاضر مغالط باشد تقبل نمینماید. هر گاه قبل از دخول در جامعه یکی از امضاء عهداتی مغالط با مقررات این عهدنامه تقبل نموده باشد مکلف است اقدامات فوری برای آزاد شدن از آن بعمل آورد

این ماده بظن بنده خوب ماده ایست زیرا يك

دولتهای کوچکی که سر و کار با دولتهای بزرگ دارند خوب است يك چنین تکیه گاهی داشته باشند که اگر تمیذاتی نسبت بآنها میشود بتوانند رفع نمایند یا اینکه بگویند قراردادهایی را که قبل از این منعقد نمودیم مجبور بودیم و مخالف این اصول است و آن ها را نقض میکنند و باز بتوانند به تکیه این اصل از جامعه ملل بخواهند

که اصل نوزدهم را در باره آنها اجرا کنند که می گوید:

مجلس عمومی میتواند گاهگاهی امضاء جامعه را دعوت نماید که عهدنامه هایی که غیر قابل اجرا شده اند و همچنین در وضعیات بین المللی که ادامه آن موجب خطر برای صلح عمومی دنیا است تجدید نظر بنمایند این مسکنات را اگر ملاحظه می فرمودید يك قدری شدت تنقیدات خود را نه نسبت بنده بلکه نسبت بجامعه ملل تخفیف میدادید در خاتمه بنده پیش از این توضیح را لازم ندیدم و از طرف کمیسیون خارجه آقایان را دعوت میکنم که با حسن تلقی و امیدواری زیادی عضویت ایران را تصدیق نمایند و انشاءالله امیدوارم در آئینه استفاده های کامل از این جامعه و از عضویت خودمان در این جامعه بنمایم

رئیس - تقریباً موقع رسیده است که چند دقیقه جلسه تعطیل شود مغالطی نیست؟ (گفته شد خیر)

(در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً جلسه تشکیل گردید)

رئیس - بقیه مذاکرات را جمع بشود نامه جامعه ملل را اگر آقایان موافق باشند بماند برای جلسه دیگر.

(بعضی گفتند مذاکرات در کلیات کافی است)

رئیس - گمان میکنم چون در این مسئله يك شور بیشتر نخواهد شد لازم است دوسه جلسه مذاکرات بشود و مقرر مطلب دیگر هست یکی راپورت کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان است و دیگری راجع به راپورت کمیسیون شرایط است و قرار بود جزو دستور شود. آقای رئیس الوزرا را هم برای مذاکراتی که در خصوص این راپورت خواهد شد زحمت دادیم و تشریف آوردند ولی آقای صمصام السلطنه پیشنهاد کرده اند این راپورت بماند برای جلسه بعد تا ایشان با آقای رئیس الوزرا يك مذاکراتی بکنند و اگر منتج به نتیجه نشد در آئینه مطرح مذاکره شود در این صورت آقایان موافقت از دستور امروز خارج شود.

مخالفتی نیست؟

(بعضی گفتند خیر)

رئیس - راپورت راجع بانتخابات آذربایجان قرائت میشود و زاری میگیریم.

(آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت نمودند)

کمیسیون پس از مراجعه بدوسیه انتخابات آذر بایجان که از کابینه ریاست وزراء معظم و وزارت داخله بوسیله هیئت رئیسه بکمیسیون رسیده بود و مطالعات لازم بکتاب و تلگرافاتی که در باب انتخابات

انتخابات آذربایجان بمجلس آمده نهایت خوشوقتی را دارم کمیس از دو دوره انتخابات نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای ملی مطرح مذاکره است ولی راجع راپورتی که این کمیسیون تقدیم مجلس داشته است و آراء صندوق سهند آباد را باطل دانسته نمیتوانم موافقت کنم زیرا تمیین انجمن های جزء موافق صریح مواد قانون بانجمن نظامی است نه اینکه نظریات و اختیارات انجمن مرکزی محصور و محدود به حوزه هایی است که در جدول قانون انتخابات ذکر شده خیر اختیارات انجمن زیاده از آن است انجمن مرکزی علاوه بر این حوزه هایی که در قانون انتخابات تصریح شده میتواند انجمنهای دیگری هم موافق صلاح و نظریات خودش تشکیل دهد زیرا ممکن است بواسطه بعد مسافت مشکلاتی برای بعضی از اهالی بلو کات پیش بیاید که نتوانند در حوزه های جزء حاضر شده و آراء خود را بدهند این است که قانون بانجمن مرکزی اختیار داده است در این موارد انجمنهای جزء دیگری اضافه بر انجمنهای جزئی گذر قانون مصرح است تشکیل بدهند که مردم از حق مشروع خود محروم نشوند و از حق ملی خود استفاده نمایند راجع بسهند آباد راپورت کمیسیون تصریح میکند که انجمن مرکزی بواسطه اینکه اهالی سهند آباد در مرکز حوزه انتخابیه خودشان نتوانسته اند حاضر شوند يك انجمن مخصوص تصویب کرده است که در آنجا تشکیل شود که اهالی در آنجا حاضر شوند و آراء خود را تسلیم نمایند پس از اینکه رای داده اند آنوقت می نویسد انجمن مرکزی تصدیق کرده است که این مسئله خلاف قانون بوده چگونه انجمن مرکزی خلاف قانون بودن این قضیه را تصدیق کرده؟ زیرا قانون باو اختیار داده است و این اقدام اخیر انجمن مرکزی خلاف قانون بوده است که آراء سهند آباد را کشف نکرده و ضمیمه آرام کل نموده است.

دیگر اینکه آقای مخبر تذکر دادند که چون یکی از نظریات انجمن مرکزی این بوده است که آراء سهند آباد عقب افتاده است یعنی در برابر آن مواعده مقرر رسیده است آن آراء را از درجه اعتبار ساقط دانسته من نفهمیدم مقصود چه چیز است آیا مقصود این است که در مدت معینی که در آذربایجان اعلان کرده بودند و سایر حوزه های جزء آراء خودشان را آورده اند این انجمن سهند آباد آرایش نرسیده با اینکه مدت معینی علاوه بر آن مدت برای این حوزه بالخصوص معین کرده اند و باز آراء آنجا را آورده اند در صورت مخالفت های قانون دو قسم است مجلس شورای ملی بعضی از خلاف قانونها را که مضرب اساس قانون یعنی به حقوق مشروع ملت نمی دانند آنها را تبیین می دهد مثل اینکه مدت اعلان را بیکروز یا دویز کمتر یا زیاده تر کرده باشد یا اینکه يك ساعت از مدتی که مضرب الاجل شده انجمن جزء دیرتر آراء خود را آورده باشد این سلب بطلان حق مشروع مردم نمی

شود زیرا انجمن جزء متعلل کرده است و بواسطه يك تعلل و تسامح جزئی انجمن جزء چگونه مجلس شورای ملی می تواند تصدیق کند که اهالی يك نقطه از حق مشروع و ملی خودشان محروم بمانند اهالی بایدا از حق ملی خودشان استفاده کنند و این بطلانی را که انجمن مرکزی تصدیق کرده آراء سهند آباد را مأخوذ داشته است بایستی با صورت مجلس دوسیه انتخابات بمجلس فرستاده باشد زیرا در قانون تصریح دارد آرائی که انجمن مرکزی باطل میکند باید ضمیمه صورت مجلس باشد تا مشبه و مجلس شورای ملی آن آراء باطل شده را بدقت ملاحظه کنند ممکن است انجمن مرکزی بعضی آراء را باطل بداند ولی در موقع رسیدگی مجلس شورای ملی آن آراء را تصدیق کند حالا نمیدانم آن آراء را فرستاده اند در شعبه هست یا نه؟ و در هر صورت اگر فرستاده اند عقیده من اینست که آراء صندوق سهند آباد را هم بخواهند و در ضمیمه ضمیمه آرام کل نشود آنوقت نمایندگان حقیقی آذربایجان معلوم خواهند شد و مجلس قدم خوبی برای این مسئله بر خواهد داشت و بنده خیلی ممنون خواهم شد.

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت؟

نصرت الدوله - خیر بار راپورت موافقت نمیکنم و بعد از اظهارات آقای مخبر عرض خواهم کرد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم

رئیس - آقای سردار معظم خراسانی (اجازه)

سردار معظم - بنده بدو توضیحی از آقای مخبر می خواهم و بعد از توضیح ایشان اظهار عقیده خواهم کرد از قراری که بنده شنیدم ام در راپورت ذکر از آن نشده هیشی که برای اخذ رای و دادن تعرفه به بلوک و دهات فرستاده شده است سیار بوده اند و در هر دهی که میرسد اند از صبح تا ظهر تعرفه میداده اند و از ظهر تا عصر اخذ رای می نمودند و بعد بنده دیگر می رفته اند این مطلب را یکی از اعضای محترم کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان بنده فرمودند حالا آقای مخبر توضیح خواهند داد اگر و انما مسئله همینطور باشد که بنده شنیده ام از آن می دانم در این باب مذاکره شود و انتخابات آذربایجان کلیتاً باید تجدید شود و اگر غیر این طور نبوده و انتخابات مطابق قانون بعمل آمده است و بعد استخراج آراء نموده اند آن وقت بنده باریورت موافق حالا آقای مخبر توضیح بدهند بعد بنده یکی از این روش را اختیار میکنم

آقای آقا سید یعقوب مخبر کمیسیون

اولاً چون آقای سردار معظم شخص قانونی هستند لازم است عرض کنم اعضای که در يك محله معین میشوند باید از روی دقت رسیدگی کنند که آن می کنم اگر يك کسی از خارج بیاید و يك چیزی بدهند نتوانند او را صحیح بداندن بر فرض هم که راست گفته باشد برای آن قضات مدرک نمی شود قضات يك محله همیشه نظر

ما بین وزارت داخله و ایالت آذربایجان مغایره و مبادله شده است خود را محتاج بر مراجعه باصل دوسیه مرکزی انتخابات انجمن نظار تبریز دانسته و بوسیله وزارت داخله اصل دوسیه را از ایالت خواسته و بعد از وصول دوسیه ثانیاً جلسه خود را در نوزدهم ربیع الثانی ۱۲۴۰ منعقد و با کمال دقت صورت مجلس انجمن نظار و راپورت های انجمنهای جزء را تحت دقت و مطالعه قرار داده و خلاصه تحقیقات و نظریات خود را بهر مجلس میرساند انجمن نظار ایالتی تبریز مطابق ماده ده قانون انتخابات مرکز از هفت فروردین تاریخ ۱۵ ذی قعدة ۱۲۳۷ تشکیل و اعلان انتخابات در شهر تبریز منتشر و هر يك از پنج حوزه های نقاط جزء حومه شهر هم هیئت نظار مرکب از پنج نفر اعرام و در موعد قانونی صندوق آراء نقاط پنجگانه بانجمن نظار مرکزی واصل و ضمیمه آراء شهری قرائت و نه نفر حاضر اکثریت شده و پس از ختم امر و انتضاء مدت قانونی بطوری که انجمن نظار در راپورت خود شرح میدهد بر حسب پیشنهاد بعضی اشخاص هیشی برای اخذ آراء بعضی از دهات هشتاد و سهند آباد که باقی مانده بود اعزام و پس از وصول صندوق آراء سهند آباد انجمن بعدم قانونیت آن متوجه شده

آقا سید یعقوب - مطابق ماده ۱۸ قانون انتخابات آراء سهند آباد از درجه اعتبار ساقط است چرا؟ برای اینکه ماده ۱۸ تصریح دارد در موهبت قانونی که انجمن برای آوردن آراء تعیین کرده آراء آورده نشود مطابق آن ماده از درجه اعتبار ساقط است و بملاوه جمعی از اهالی هم اعتراض کرده بودند صندوق را قرائت نکرده و سر بسته معزوم بهر هیئت اعزامیه اداره ایالتی تسلیم و تمیین تکذیب آنرا برای مجلس شورای ملی موکول و خانه انتخابات را با اسامی منتخبین اعلام داشته است کمیسیون پس از دقت های لازم صحت انتخابات شهر تبریز و توابع آنرا تصدیق و با جریانات قانونی مطابق می دانند و نسبت بصندوق سهند آباد چون مطابق توضیحات انجمن نظار مرکزی

پس از انتضاء مدت قانونی بود و در جدول انتخابات هم اسمی از سهند آباد ذکر نشده است با عقیده انجمن نظار موافق است ولی راجع بصلاحت اشخاص منتخب چون کمیسیون فقط مأمور رسیدگی باصل جریان انتخابات بوده است خود را صالح اظهار عقیده نسبت باشخاص منتخب ندانسته و مسئله صلاحیت با عدم صلاحیت منتخبین مذکور را که اعتبار نامه هنوز بدست آنها داده نشده است موکول برای مجلس مینماید

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله مخالف راپورت هستید؟

حاج شیخ اسدالله - بلی

نصرت الدوله - بنده هم اجازه خواسته بودم

رئیس - بلی نیت شده آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده نسبت بهم خودم امشب کرابورت

به مدرك ميكنند و مدرك قضات هيئت دوسيه ايست كند و محكمه مياورند و قضات نظر بدوسيه كرده و از آن رو رأي ميدهند

حالا اگر بكي از اعضاي كميسيون براي شما خبر آورده كه اعضا همچنان نظر درويش بوده و درخانه ها ميكنند بنده كه آنجا نبودم و اطلاع هم ندارم ما وقتي بدوسيه انتخابات آذربايجان نگاه مي كنيم و باحوال و اوضاع ولايات آذربايجان نگاه ميكنيم مي بينيم سهند آباد يك جاي معيني است و مر كبا بعضي دعات است كه بعضي از آن دهات جزه هشترو است و بعضي جزو آلمان پراغوش است و برابريك همچنان نظارت مر كزي شعبه جزمعين نموده و تفرقه داده و رأي گرفته اند و همه اينكار ها را هم كرده اند ما هم مطابق آنچيزي كه در دوسيه است و بدست ما ميدهند مانند قضات بآن مبرك ملاحظه كرده و رأي داده ايم در آنجا همچو خبر ميدهند و ميگويند سهند آباد يك جاي معيني است كه انجمن نظار مر كزي يك شعبه مخصوصي براي آنجا معين كند سهند آباد بطوري كه عرض كردم بعضي از دعاتش جزه آلمان پراغوش است كه در آنجا هم يك شعبه رفته است و برخي ديگر از دعاتش جزو مهران و داس

حاج شيخ اسدالله غلبري تعجب است مجلس كه مقنن قانون است چگونه مي تواند خود خلاف قانون را مرتكب شده و ممكن است مجلس يك قدم در راه خلاف قانون ولاي اينكه مواد آن قانون هم بطور باشد بردارد

اين اگمان نميكنم شخصي كه سه چهار دوره است در مجلس است خلاف قانون را جاز نمياند بايد دانست هر چه را كه مجلس باوراي ميدهد آن قانون است و هر چه را كه هيئت مقننه وضع كند آن قانون است و عكس آن خلاف قانون خواهد بود دوسيه را به مجلس آورده اند ما هم كه قضات محكمه بوديم مطابق آن دوسيه كه مدركش تصديق انجمن مر كزي است و رأي داديم زيرا انجمن مر كزي آذربايجان مر كب از وقت نظر اشخاصي بودماند كه تمام امالي آذربايجان ديات وسعت عملشان تصديق مي كنند و سريعاً نوشته اند اين انتخابات صحيح و مطابق قانون است فقط سهند آباد با بعضي از دعات مهران و دودباز موده قانوني رأي خود را داده اند بنده عرض مي كنم بعد از اينكه ۱۶ سال از عمر مشروطيت ايران ميگذرد و تمام قوانينش هم بزيان فارسي نوشته شده در اين مدت در تمام افطار مملكت منتشر شد آن وقت آيا اگر كسي بگويد من قانون را نية انستم مسعود است عدم علم بقانون موجب نقص قانون ميشود اگر كس حق خودش را يا بيل كند و براي گرفتن تفرقه نيايد آن وقت من بايد در اينجا براي او سبه بزنم هيئت نظار كه مطابق قانون عمل كرده اعلان انتخابات هم نموده و حسب الوظيفه همه جا شعبه روانه كرده حال بنده چكار كنم كه آقادر خانهاش نشسته و بنامه تفرقه بگيرد و آنوقت فرياد ميزان كه من از حكومت ملي معروم كدام قانون و كدام وجدان حكم ميكنم كه يك آذربايجاني بعد از دو دوره كه هيچ نماينده در مجلس نداشته و

اين نخستين قدمي است كه مجلس دوره چهارم براي اينكار بر داشته است آنوقت ما بيايم و در اين جا مخالفت كنيم و بگوئيم اين قانون فلان جايش بيب دارد و فلانطور است

بنده گمان ميكنم مطابق آنچه را كه هيئت نظار تصديق كرده اند انتخابات آذربايجان صحيح است و من هم كه از طرف كميسيون مغير هستم دفاع ميكنم و اين انتخابات را صحيح ميدانم نهايت چون حدود مأموريت كميسيون معلوم نبود كه تا چه اندازه بايد مداخله كند و تا باز صلاحيت منتخب هم حق دارد و حالات كند يا نه فقط در جريان انتخابات بايد نظر كند لذا كميسيون نهايت احتياط و دقت خود را كرده و نااندراره كه مسئول و ملزم بوده جريان انتخابات را ملاحظه كرده و رأي داده است و نسبت به صلاحيت منتخبين هم هر وقت مجلس شوراي ملي باو حق داد بدون ملاحظه در خدمت شما آمده و در آن باب هم دفاع خواهم كرد

رئيس (خطاب به غلبري) بالاخره جناب عالي جواب توضيح آقاي سردار معظم را نفرموديد؟ سردار معظم - اجازه ميفرمايد رئيس تأمل بفرمايد پيشنهادي شده است قرائت ميشود بعد جناب عالي فرمايش خود را بفرمايد براي اينكه پيشنهادي كه مي شود بر اصل مذاكرات مقدم است

سردار معظم صحيح است بنده قانع شدم (آقاي تدبين پيشهاد ذيل را قرائت نمودند)

بنده پيشهاد ميكنم كه رايورت راجع به انتخابات آذربايجان طبع و توزيع شده در جلسه بعد مطرح شود

تدبين - از طرف آقاي آهتايي و چند نفر ديگر است

رئيس آقاي سردار معظم (اجازه) سردار معظم نظر باینكه مذاكره در اين رايورت بماند براي جلسه ديگر و بنده هم موافق هستم فقط ميخواستم از غلبري كميسيون تقاضا كنم كه دوباره رجوع بصورت مجلس نموده و دوست ملاحظه كنند اگر همچو چيزي نيست تكذيب آرا در رايورت درج كنند زيرا گويند اين حرف به بنده آقاي ركن الملك عضو كميسيون بوده اند و بنده نظر نداشتم نسبت باظهارات ايشان اظهار بي اعتنايي كنم و مادام كه تكذيب اين مسئله مدلل و ثابت بشود در رفع سوء تفاهم نگرده بنده مطابق واقع ميدانم مگر اينكه چنانچه عرض كردم آقاي غلبري مجدداً بصورت مجلس مراجعه فرموده اگر كذب است است فوراً تكذيب آن را در رايورت درج كنند

آقاي سيد يعقوب - بنده جواب اين مسئله را عرض كردم

رئيس - مذاكرات در اصل مطلب به موجب ماده ۹۷ نظامنامه داخلي پس از پيشهاد توزيع مي شود

آقاي سيد يعقوب - عرض كردم همچو چيزي كه آقاي سردار معظم فرمودند نيست

رئيس - بعد از اينكه به پيشهاد رأي داده ميكنم است اگر اظهاراتي داريد بفرمايد رأي مي گيريم باین پيشهاد كه رايورت كميسيون آن طبع و توزيع بشود و در جلسه بعد مطرح مذاكره شود آقاياني كه تصويب مي فرمايند قيام نمايند (عده كثيري قيام نمودند)

رئيس - تصويب شد (خطاب به آقاي سيد يعقوب) حالات توضيحي داريد بفرمايد مختصر - بنده در جواب آقاي سردار معظم تصريحاً عرض كردم و گفتم مدرك قضاه صورت مجلس دوسيه است و در دوسيه چنين چيزي كه مي فرمايند ذكر نميگردد

رئيس - پيشهاد ديگري است قرائت ميشود (آقاي تدبين بعضي ذيل قرائت نمودند) بنده پيشهاد ميكنم صندوق آراء سهند آباد در كميسيون خواسته شود و آراء كشف و ضميمه آراء حوزه تبريز شود

رئيس - گمان ميكنم وقتي كه رايورت به مجلس مي آيد و در ذاتي مطرح ميشود بايد در اين پيشهاد مذاكره شود

(گفته شد صحيح است)

رئيس - آقاي شيخ الاسلام اصفهاني از آقاي رئيس الوزرا شوالي داشتند بفرمايند

شيخ الاسلام - روزنامه ستاره ايران جمعه هم ربيع الثاني شماره ۸۱ صفحه دوم مينويسد تصويب نامه از طرف هيئت وزرا تصويب گرديده دولت عليه ايران در انجمن فلاحتي بين المللي رم در چهارم شركت را كدازاي دوراني دو سهم از مضارح ميباشد دارا و حائز خواهند بود اعتبار و حق الشراكه نظر با افزايش سهام خارج ساليانه بالغ بر ۱۲۵۰۰ فرانك شده است پرداخته شود

بنده در اين مورد سه فقره شوال از مقام رياست و زرا عظام دارم اولاً قائده اين شركت در سنوات ماضيه براي ايران چه بوده ؟ دوم آنكه اين قائده كه بعد خواهد داشت چه خواهد بود ؟ سوم اينكه شركت ايران در اين شركت از مقام مقننه سابقاً تصديق شده بوده است و در صورت عدم تصديق فعلاً تصويب اين شركت از طرف هيئت معظم دولت بدون مراجعه به مجلس شوراي ملي چه صورتني خواهد داشت

رئيس الوزرا - اين مطلب چون اساساً مربوط بورزات امور خارجه و وزارت فوائد عامه است لذا در جلسه بعد جواب عرض خواهم كرد

رئيس - (خطاب به شيخ الاسلام اصفهاني) از آقاي وزير ماليه شوالي داخيتيد براي جواب حاضران

شيخ الاسلام - شنيده ميشود ماهي پنج هزار تومان با اعضا بانك متعلق بايران واجب داده ميشود و حال آنكه فعلاً كاري ندارند و از اين مبلغ در مام تجاوز از هفتصد تومان مواب اعضا شعبه رهنی است كه در سال قريب ۹۰۰۰ تومان ميشود و حال آنكه در شعبه

رهنی معادل ۴۰۰۰ تومان اسباب متفرقه متعلقه بفقرا بيشتر نيست بنده از آقاي وزير ماليه شوال دارم كه در صورت صدق آيا ميكنم است اين اعضاء فعلاً مرخص شوند تا بانك كار پيدا نمايد كه بي سبب ماليه دولت باشخاص ببيكار داده نشود و وزير آيا ميكنم است كه ۴۰۰۰ تومان اسباب فقراء و متفرقه مجاناً بآنها داده شود بامراجعه به مجلس شوراي ملي و اعضاء شعبه رهنی مرخص بشوند و اين يك تجارتي باشد براي دولت كه در سال معادل ۹۰۰۰ تومان خرج ۴۰۰۰ تومان اسباب نميكنند

وزير ماليه - در باب اين بانك يك مذاكراتي شده بود و يك كميسيوني هم دعوت شده بود كه در سه موضوع رسيدگي كند يكي براي تحويل گرفتن بانك چون دفاتر و اسناد از آن اشخاص كه قبلاً متصدي بوده اند تحويل گرفته نشده است ثانياً بودجه بانك رسيدگي كند و ثالثاً ترتيب در مطالبات بانك و تاديه قروض بانك بدهندگان متأسفانه اين كميسيون سه يك ترتيباتي بر خورده و مواج با اشكالاتي كرد كه بعد از چند روز آن ترتيباتي كه بايد بشود نشد ولي آقاي رئيس الوزرا مخدوماً كمال حس را دارد و خود وزارت ماليه هم در اين باب كمال جديت وسعي را دارد كه بترتبي كمال صلاح دولت دراو ملحوظ باشد كار بانك را اصلاح و صورت اساسي باو بدهند و اما در باب مضارح مسئله تا درجه مانعطور است كه نماينده محترم اظهار فرمودند و هر چه زودتر بايد اين مضارح زبدي حذف شود و دولت بزودي در اين باب اقداماتي مبذول خواهد كرد

رئيس - آقاي شيخ الاسلام شوال ديگري داشتنه

شيخ الاسلام - بلي شوال ديگري هم راجع بارزاق داشتم

رئيس - بفرمايد شيخ الاسلام - چون در اطراف اداره ارزاق صحبت و شكايات زياد است ميراني هم براي قضاوت در دست نيست بعضي تعيبيات هم معسوس است نسبت بمردم شنيده ميشود بعضي مالياتهام براي اين اداره وضع و مجري شده كه البته در صورت صدق مخالف با اصل بيبست و چهارم مضم قانون اساسي خواهد بود فعلاً از آقاي وزير ماليه شوال ميكنم كه آيا مناسب نيست شخصاً يك نظارت مخصوصي در ترتيبات اين اداره بفرمايند بلكه شكايات كم بشود و ضمناً قانون اين اداره را با قيقه فوريت تقديم مجلس بفرمايند كه لزوم وعدم لزوم اين اداره و طرز جريان آن در صورت لزوم معلوم باشد

وزير ماليه - در كار ارزاق وزارت ماليه هيچ دخالتي ندارد و كار ارزاق مثل سابق كلكان در تحت رياست عاليه مقام رياست وزراء عظام اداره مي شود

رئيس - اطلاع به وزارت ماليه داده نشده است ؟

وزير ماليه - خير ! به بنده اطلاع داده نشده است

رئيس - حالا اطلاع داده شد براي جلسه بعد

جواب خواهند فرمود آقاي محمد هاشم ميرزا و آقاي آقا شيخ محمد جواد و آقاي رئيس التجار شوالي از آقاي وزير ماليه داشتن راجع به تسخير هشتصد هزار لييه براي جواب حاضرند بفرمايند

رئيس التجار - بلي راجع به تسخير قيمت ايره بود كه كتباً عرض كرده بودم

رئيس - جواب كتي دادماند

رئيس التجار - خير

رئيس - آقاي محمد هاشم ميرزا (اجازه)

محمد هاشم ميرزا - مقصود اين بود در موقعي كه ايره بفرستد بچه مبلغ و در چه مورد تسخير شده

رئيس التجار - هشتصد هزار لييه كه از طرف كمياني نطق جنوب به دولت ايران داده شده است شوال كرده بودم كه قيمت او را با دولت بچه مبلغ تسخير كرده بودند

وزير ماليه - در ۲۸ دسامبر ۱۹۲۱ لييه از ايره سه تومان و نيم و در فوريه ۱۹۲۱ يكصد و پنجاه هزار لييه از قرار لييه چهار تومان و چهارقران و در ۲۷ فوريه ۱۹۲۱ پنجاه هزار لييه از قرار لييه پنج تومان و دهمشاهي و در هشتم مارس ۱۹۲۱ يكصد و پنجاه هزار لييه از قرار لييه پنج تومان و دوقران در بيبستم مارس ۱۹۲۱ صد و چهل و هفت هزار و دويست و هشتاد و پنج لييه از قرار لييه پنج تومان و دهمشاهي و بعد از او ده هزار و پانصد لييه از قرار لييه سه تومان و هفت قران و ديگر دوهزار و پانصد لييه از قرار لييه چهار تومان و بعد نهصد و بيست و چهار لييه از قرار لييه چهار تومان و هفت هزار و هشتصد و دوازده مجموعه آن كلياتاً مقصد و نود و هشت هزار و نهصد و بيست و چهار لييه است

رئيس التجار - بطوري كه در آن سوال هم عرض كرده بودم در موقع تسخير لييه آيا بيازاد و تجار رجوع شده يا فقط مظنه و قيمت را خود بانك معين كرده است ؟

وزير ماليه - خير فقط بر حسب تعيين خود بانك بوده است رئيس التجار چرا به بازار رجوع نشده ؟

رئيس التجار - اينطور كه سوال نميشود كره فقط يك قدمه حق سوال داريد و تمام سوالات خود را يك دفعه بايد بنمايند آقايان مذكور راجع به منع خروج طلا شوالي دارند آقاي محمد هاشم ميرزا

(اجازه) محمد هاشم ميرزا - شنيده ميشود بانك

براي خروج مسكوكات وغير مسكوكات نسبت بچهار قدغن شده بعضي از تجار خارجه طلا را ميرند و مانهني از آنها نميشود آيا اين مسئله صحيح است يا نه ؟ و در صورت صحت جهت آن چيست ؟

وزير ماليه - از اول جنگ بين المللي بكلي خروج فلزات قسمتي از سرحد ممنوع شده

محمد هاشم ميرزا - بنده سوال كردم تجار خارجه ميبرند و خارج ميكنند و فقط تجار داخله را منع ميكنند يا اينكه آنها هم نميبرند ؟

وزير ماليه - وقتي ممنوع باشد البته ديگر نميتوانند ببرند

رئيس - آقاي نظام الدوله هم سوالی داشتند (غايب بودند)

آقاي محمد هاشم ميرزا (اجازه) محمد هاشم ميرزا راجع به بودجه بلديه بنده سوال كردم و آقاي وزير ماليه هم جوابي فرمود فرموده اند كه بنده را قانع نكرده حال عرض ميكنم كه بودجه هريش و طويل بلديه كه چند ماه است مطرح است و مانع ماليات ها و نه مضارح آنرا ميدانيم كي به مجلس خواهد آمد ؟

رئيس - فرستاده اند و بكميسيون ارجاع شده است

وزير ماليه - انتظار وزارت ماليه اين بود كه بودجه بلدي پيشهاد كنند زيرا بودجه بلديه كم بود و بودجه بلدي آن خيلي زياد بود بنده خواستم يك بودجه كه حد وسط اين دو باشد تهيه كنم ولي از آنجائي كه از طرف مجلس تأييد شده بود بودجه سابق را كه حاضر بوده فرستادم و اميدوارم بودجه جديد هم بزودي تقديم مجلس شود

رئيس - آقاي رئيس التجار راجع بقروض دولت و حساب جاري بانك شاهنشاهي سوالی داريد ؟

رئيس التجار - حساب جاري بانك را سوال كردم كه دولت چقدر قرض دارد كه از محل گيركات دريافت ميشايد و مازاد آنرا بچه ترتيب دولت از بانك ميگيرد ؟

وزير ماليه - قروضي كه فعلاً از محل كمرك داده ميشود از بابات منافع واصل يك مليون و دويست و پنجاه هزار لييه انگليس كه در سنه ۱۹۱۱ استقراض شده و در هريج پنج هزار و هفتصد و بيست و نه لييه از بابات استهلاك اين فرض داده ميشود قرض ديگر هم هست كه از بابات اصل و فرع سصد و بيست و سه هزار لييه بود و از بابت اين فرض هم دوهزار و چهارصد و بيست و هفت لييه داده ميشود يك فرض ديگري هم بوده است كه چهارصد و نود هزار لييه است از بابات اصل اين مبلغ بطور مختلف يك مشتيد و شانزده لييه يك پانصد و هشتاد و سه لييه يك دويست و نود و يك لييه و يك هشتصد و شصت و شش لييه پرداخته شده است و يك فقره و جهومات ديگري هم بدولت ايران داده اند و در بيبستم فوريه ۱۹۲۰ حساب آن اصلاً و فرماً يك جاشده و از قرار ماهي صد هزار تومان ميگيرند و در بيبستم مارس تقريباً حساب آن تصفيه خواهد شد ولي از بابات ساير قروض ماهي يازده هزار و پنجاه و چهار لييه پرداخته ميشود

رئيس التجار - مقصود بنده از اين سوال اين بوده كه مازاد پولی را كه دولت دوبار در جنوب دارد

و در طهران میبندند آیا صرف ازدولت میگیرند یا خیر صرف میبندند ؟

وزیر مالیه - غالباً صرف میگیرند و گاهی هم ششدهام صرف میبندند ولی شق اخیر خیلی کم و اوقات از دولت صرف میگیرند

رئیس - سؤال دیگری راجع به جمع و خرج معادن گل سرخ داشتید بفرمائید

رئیس التجار - بنده جمع و خرج معدن گل سرخ را در مدت غیبت مجلس شورای ملی سوال کردم اگر ممکن باشد آقای وزیر مالیه بطور مشروح بفرمایند که چه عاید شده و خاک آن در هر حالی بچه قیمت بفروش رسیده است خیلی ممنون خواهم شد

وزیر مالیه - تا قبل از سنه ایت قبل ۱۳۲۸ کل سرخ در تصرف آقای حاج معین التجار بوشهری بوده ولی در سنه ۱۳۲۸ کنتراتی از طرف دولت بیا کیانی فرانک استریت منعقد شده که معادل سی هزار تن اکسید دوفر از قرار هرتن دولیره خریداری کنند در ۱۹۱۵ مدت کنترات او منقضی شده بعد از ۱۹۱۵ در مواقع مختلفه بهین کیانی مقداری اکسید دوفر فروخته شده که تقریباً شصت هزار و سی و یک تن میباشد سه هزار تن هم در محل امسال باین کیانی فروخته شده که هزار و هشتصد و سی و هشت تن برده و یک هزار و یکصد و شصت و دو تن باقی مانده که بعد خواهد برد ولی هنوز یک قرارداد کاملی دولت با کیانی منعقد ننموده است

سر دار معظم خراسانی - بچه قیمت فروخته شده است ؟

وزیر مالیه - معلوم نیست پس از تحقیق عرض خواهم کرد آیا آن هشت هزار تن که در سنه ۱۳۹۹ شمس فروخته شده یک دفعه دوپست تن فروخته شده است از قرارداد ولیره که میشود چهار صد لیره دوپست و نهم قوس حد تن فروخته شده است از قرار دولیره در بیست و یکم سرطان هفتصد تن فروخته شده است از قرار چهار لیره و چهار شلینگ در هفدهم قمر دوپست تن فروخته شده است قیمت باز چهار صد لیره و چهار شلینگ در چهارم جدی پنجاه تن از قرار تنی هفت تومان

سر دار معظم - در کابینه سپه دار بوده است ؟

وزیر مالیه - به عرض کنم در بیست و دوم حمل ۱۳۰۰ سه هزار تن اجازه صادر شده ولی یا بعد تن خارج شده از قرار دولیره ایضاً شصت و پنجاه و پنج تن از همان بابت خارج شده باز از قرار دولیره چهار صد و هشتصد و سه تن دیگر هم از قرار دولیره فروخته شده است ولی از بندر عباس و ایورت داده شده است که اگر کیانی حاضر بشود برای این معامله ترتیبی قرار دهد در اینجا اشخاص هستند که بهر ترتیب که دولت مایل باشد امتیاز کل سرخ را طالب هستند عجلتاً در هیئت وزراء این مسئله

مطرح مذاکره است

رئیس التجار - راجع به خارج استخراج هم عرض کرده بودم آیا صورتی داده شده است ؟

وزیر مالیه - در باب معارج استخراج صورتی نیست مطابق راپورتی که نوشته شده است استخراج گل سرخ خیلی بد شده است بطوری که در بعضی جاها آب افتاده و معدنی را خراب کرده است دولت باید یک ترتیبی قرار دهد که استخراج صحیح بعمل بیاید عجلتاً آن چه موجود است استخراج شده قدیم است

رئیس - آقای مستشار السلطنه راجع به شکلات جدید وزارت مالیه سؤالی داشتند

مستشار السلطنه - بنده از آقای وزیر مالیه می خواستم سؤال کنم با علاقه تامی که در مجلس شورای ملی نسبت به اطلاع داشتن از شکلات جدید مالیه دارد و آیا آقای وزیر مالیه اقداماتشان را بطور اجمال میتوانست بفرمایند ؟ برای منظرین که کتیا و شفاها نظم میباشد چه اقداماتی فرموده اند

وزیر مالیه - جواب را در جلسه آتی عرض خواهم کرد

رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا راجع برسدگی به حساب موسی خان سؤالی دارند

محمد هاشم میرزا - در خصوص رسیدگی به حساب موسی خان بنده سابق سؤالی کرده ام ولی جوابهایی که آقای وزیر مالیه فرمودند بنده را متقاعد نکرد بنده سؤال کرده ام که آیا به حساب موسی خان که اداره تجدید درخت ریاست او بوده است رسیدگی شده یا خیر گویا فرمودند صاحب جمع نبوده باشد بنده متفقت نشدم چون بنده اورا صاحب جمع میدانم و چندین کروز در دست او بوده است سؤال می کنم که آیا به حساب او رسیدگی شده است یا خیر دوم اینکه راجع باشافه که بر بروجیه مصوبه خرج کرده بود سؤال کردم فرمودند بروجیه جدید بهار نرسیده بوده است در صورتیکه بعد از رسیدن بروجیه کابینه وقت باز چهل و هشت هزار تومان اضافه برای بروجیه خرج کرده آیا مسئول هست یا خیر ؟

وزیر مالیه - در باب موسی خان قبل از این که بنده بوزارت مالیه بیایم موسی خان کاندیدی بیکار مالیه آذربایجان شد و رفت و این رفتن موسی خان چیز تازه نبوده است زیرا تا امروز در منکعت معمول نبود که بهیچ صاحب جمع یا بیکار مالیه قبل از دادن حساب کاری نداشته باشد اگر دارنده معلوم و صورت خود برود معمول این بوده است که اگر یک شخص مباشر کاری بوده کار دیگری که با او میدادند میرفته است بعد از رفتن موسی خان بنده با او مذاکره کردم حساب موسی خان را در باب بروجیه و سایر معارج رسیدگی کنند ولی اداره در این مسئله امتیاز کرده است البته بفرورت نمیتواند ولا بعد مدتی وقت لازم است و قریب یکماه طول خواهد کشید تا به حساب او رسیدگی نمایند و البته رسیدگی ندره و تکلیف خود را انجام خواهند داد

محمد هاشم میرزا - بلی بنده هم اصلاح مقصود همین بوده میترسیدم که به حساب صاحب جمع ها رسیدگی نشود و این مسئله سابقه بشود حالا که فرمودند به حساب صاحب جمع ها که یکی از آنها موسی خان است رسیدگی خواهد شد خیلی ممنون هستم

رئیس - آقای سلیمان میرزا در موضوع اعضای بانک استقراضی سؤالی داشتند ؟

سلیمان میرزا - سؤالی که بنده راجع به بانک استقراضی دارم سه قسمت است در یک قسمت آقای وزیر مالیه جواب مختصری مرحمت فرمودند ولی بنده از اول تکرار میکنم و تقسیمات را تا اندازه که ممکن است به عرض آقایان میرسانم که بینم آقای وزیر مالیه در این خصوص چه اقداماتی خواهند کرد

آنچه بنده اطلاع دارم از وضعی که بانک استقراضی بسات ایران واگذار شده که تا بحال مدت زیادی است همانطور که خود آقای وزیر اظهار فرمودند هنوز دفاتر بانک از اشخاصی که درست آنها بوده تعویل گرفته نشده است در صورتی که باید بفرورت یک اقدام عملی بفرمایند و معلوم نیست در این مدت چه نظری داشته اند که باینکار اقدام فرموده اند تا مطمئن باشند اوراق و اسنادی که در آنجا هست از هر نوع تعرض مصون خواهد ماند زیرا بنده از خارج شنیده ام که بعضی از اوراق دست خورده البته صحت و سقم آن را آقای وزیر مالیه بهتر میدانند قسمت دوم سؤال بنده این است که آیا اوراق بانک دست خورده یا خیر ؟ قسمت سوم راجع باین است که چون بانک برای منکعت یکی از عوامل تجارتنی است بچه رویه و زینت هیئت دولت در نظر گرفته اند آنرا اداره کند ؟ آیا بهین ترتیبی که هست ادامه داده خواهد شد یا خیر ؟ از قراریکه شنیده میشود علاوه بر اجزای سابق یک عده اجزای جدید نیز افزوده شده است و برای دولت یکمخارجی ایجاد کرده اند بدون اینکه برای دولت و این ملتی که هر روز از بی بولی شکایت دارند فایده داشته باشد مقصود این است که بهین ترتیب ادامه داده خواهد شد یا اینکه در نظر گرفته اند در آتیه ما یک بانک صحیح داشته باشیم و یکی از لوازمات اولیه تجارتی خود را منظم و مرتب کنیم

دیگر اینکه دولت چه طور در نظر گرفته طلبهای بانک را وصول کند و قروض بانک را بپردازد که مطابق با سرفه دولت باشد و بالاخره در آخر سؤال عرض میکنم آیا ممکن نیست خیلی زود تر تسهیلات دولت را بوقع اجرا بگذارند و بانک را توقیف کنند و این معارج جاری را که هیچ عایدی ندارد از بروجیه دولت حذف نمایند و بانک فلا توقیف و مهر و موم شود و با جراه و اعضاء آن اطلاع داده شود که از این بیم حقوق نخواهند گرفت و آیا منافع کردن این اجزای که بی جهت حقوق گرفته اند و کاری نکرده اند بنظر ایشان معظوری دارد یا خیر ؟

وزیر مالیه - این قسمت را که اظهار فرمودند

اسنادی از آنجا سرفه شده و دست خورده البته اگر اینطور بود بوزارت مالیه اطلاع داده شده بود و بوزارت مالیه دقیقه ای تأمل نمیکرد و در صدد تحقیق بر می آمد

وزارت مالیه بکنی از دست خوردن اسناد بی اطلاع است ولی ممکن است تحقیق بشود اما راجع باینکه بانک منحل بشود البته بانک باید تعویل گرفته شود ولی تا امروز یک ترتیبی در کار بوده که تعویل گرفتن آن با شکل بر میخورد ولی امروز دیگر احوال ندارد و البته تعویل گرفته خواهد شد تا بعد یک ترتیبی برای آن داده شود البته این مخارجی که فعلاً میشود فایده ندارد و باید بانک منحل شود یعنی بعبارت آخری تعطیل شود نه منحل نادر آتیه برای آن یک ترتیبی داده شود

سلیمان میرزا - بنده چون مطابق نظامنامه داخلی بیشتر از این دغدغه حق صحبت ندارم سعی می کنم که چیزی فرو گذار نکنم بهیچوجه مقصود بنده و رفقای مجلسی بنده این نیست که بانک منحل بشود بلکه همه ما آرزو داریم عوض یک بانک چندین بانک داشته باشیم

(جمعی تصدیق کردند)

زیرا یکانه وسیله تجارت و پیشرفت همه کارها در مملکت ایجاد بانکها است و البته بعد از وزراء ان امپدواری یک بانک که درست اداره شده و تازه بدست ما رسیده نمیشود منحل نمائیم اگر صحبتی شد راجع باین است که این خرج فعلی زائد و بی موقع است و رئیس آتیه کابینه سپاه معین کرده و بکنی بر ضرر دین مملکت است در حالی که معلوم نیست یک تکلیفی برای اجزای آن معین شده است یا خیر آیا سزاوار است این معلمین مدارس که در ماه بیست و سه تومان حقوق دارند از فقر و فلاکت در این زمستان بگذرند و چندین هزار تومان بی جهت با اشخاص صندلی نشین بانک داده شود ؟ هفت ماه است این اجزاء حقوق میگیرند باید حقوق آنها باین معلمین تقسیم شود که از گرسنگی نمیرند و امروز مدارس تعطیل نشود باین ترتیب و امرا و وقت کمیسیون که یکمخارج از اداری بر بروجیه میافزاید نباید اهمیت داد

بنده عرض میکنم این کار چند دقیقه بیشتر وقت لازم ندارد که چند نفر مأمور از طرف دولت معین شده به بانک ورود نموده و دفاتر و اسناد را ضبط کنند و با اعضاء اعلان کنند که شما دیگر حقوق نخواهید گرفت در خصوص لغت منحل هم که آقای وزیر مالیه فرمودند در آخر خودشان اصلاح فرمودند بنده دیگر عرضی ندارم ولی در اینصورت گمان میکنم اگر مقصود تعطیل باشد همین فردا ممکن است صورت بگیرد تا بعد ترتیب صحیح داده شود اما دوسه فتره از سؤالات بنده را فراموش فرمودند جواب بفرمائید که یکی ترتیب تأدیه قروض بانک و دریافت مطالبات بانک بود یکی هم مسئله معقود شدن اسناد بود بنده خیلی متأسم چیزی را که همه میدانند بطور بوزارت مالیه اطلاع داده نشده

بنده بطور قطع میگویم اسناد سه چهارم دوسه از بانک سرفه شده و اشخاصی که این مطلب را حاضر هستند ثابت میکنند اگر وزارت مالیه مایل باشد اسم می برم بدانند در کابینه قبل چند روز اسناد بفروش رفته است و اگر باین ترتیب خانه ندعند بازار فروش اسناد بر ضرر ملت فقیر بیچاره رواج خواهد یافت این مسئله را که همه می دانند بنده هم یک قدری مطلع هستم خوب است زودتر ترتیبی بفرمایند برای یادآوری عرض می کنم که یک اشخاصی یک ورقه هائی آورده اند بعنوان اینکه از طرف دولت آمده ایم دوسه را تعویل بگیریم تعویل گرفته اند و گفته اند این از وظایف وزارت مالیه است که اگر بخواهند تحقیق کنند به تأمینات رجوع نمایند بنابراین بنده ادامه این ترتیب بانک را علاوه بر ضرر بودجه تصور میکنم اساسی هم خواهد داشت و باز تأمین میکنم که در صورتیکه آقایان و کلام اظهار موافقت بفرمایند این مسئله باین سهل و سادگی را فراداجریان بنده نه اینکه بفرمایند اشخاصی کمیسیون معاند کرده کسر کرده اند و چه شده و چه شده ...

ما اولاً که اولین وظیفه مان حفظ مالیه مملکت است مسئول هستیم و بنابراین بنام حفظ حقوق اهالی در این سؤال تقریباً همه رفقای مجلسی باینده موافقت دارند و تقاضا می کنیم که فردا این مسئله را خانه ندعند زیرا فرستادن دوماه و از برای یک اداره تعویل گرفتن آن کار مشکلی نیست کمیسیون لازم ندارد و دوفر مأمور میفرستند و هر یک نفر مفتش در یک نقطه وارد میشود و اول اسناد و دفاتر را حاضر را میگردانند و بعد تقبیل و تحقیق می کنند

بنابراین باز برای دفعه سوم عرض می کنم که چون این ترتیب مملکت است فردا همین عصره را خانه ندعند

وزیر مالیه - بعد از اینکه بانک تعطیل شد در کار تأدیه قروض بانک و مطالبات آن البته یک ترتیبی داده خواهد شد و بنده فردا در هیئت وزراء مذاکره خواهم کرد و البته مرتب میکنم که در این خصوص گرفته شود اقدام خواهد شد و از حضرت والا هم تقاضا میکنم بنام حفظ حقوق اهالی اسامی اشخاصی را که میفرمایند اسناد بانک را گرفته اند اگر می دانند بفرمایند که بنده آنها را تعقیب کنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب نیز سؤالی داشتند

آقا سید یعقوب - بنده هم خواستم خاطر آقای وزیر مالیه را بلاجه که در طوفان راجع بآب و رودخانه و زمین نوشته شده است معطوف دارم و تصور میکنم آن ترتیبی که در سابق اداره خالصه قرارداد با شرحی که در اینجا نوشته شده است این آب منافع زیاد دارد و سی هزار تومان از عاید می گیرند و ده کرور ضرر بر عاید وارد میشود بنده آقای وزیر مالیه تقاضا میکنم یک توجهی بفرمایند زیرا این آب را که می فروختند هم زحمت رعایای بیچاره به در گرفته و هم برای دولت فایده ندارد و تمامی کنم آقای وزیر مالیه در این باب یک

جوابی بدهند که بنده هم بتوانم بدو کلین خودم که اظهار کرده اند که این مطلب را در مجلس سؤال کنم جواب بدهم

وزیر مالیه - در باب آب رودخانه جاجرود که سابقاً معمول بوده است هر قدر اضافه داشتند میفرخواستند یعنی آنچه اضافه از شرب املاک خالصه بود میفرخواستند و چون مسئله فروش آب اسباب شکایت خریداران آب شده بود وزارت مالیه در سنه ۱۳۹۸ شمس یک نظامنامه برای فروش آب ترتیب داده است و در آن نظامنامه برای هر موقع یک ترتیبی معین کرده و در یازده روز اول حمل فست آب را یک نهر چهار سنگی هشت تومان معین کرده و در یازده روزه دوم حمل دوازده تومان معین نمود در مواقع مختلفه قیمت آب را بطور مختلف معین میکنند و امروز هم این مسئله مجری است و شکایتی هم از طرف خریداران آب نشده است معذرت بنده باینکه این خصوص تحقیقات بکنم که از آن بابت با و است چه می رسد و اگر دولت فروش آب را موقوف بکنند و بعد از شرب املاک خالصه برای زراعت ببالکین داده شود چه منافی خواهد داشت ؟ آنوقت در این باب راپورتی تهیه کرده و به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد

رئیس - آقای معتمد السلطنه راجع به تجارتخانه طومانیان سؤالی داشتید

معتمد السلطنه - بنده می خواستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که طلب دولت اصلاً و فرماً از تجارتخانه طومانیان چند است و برای وصول آن چه اقدامی فرموده اند ؟

وزیر مالیه - تعیین اصل و فرع طلب دولت از طومانیان و گویا به یک صورتی است که باید به و نام ویس از اینکه طلب کلیه داین طومانیان معلوم شد عرض خواهم کرد

رئیس - آقای سر دار معظم خراسانی راجع به گل سرخ سؤال داشتند ؟

سر دار معظم - نظر باینکه توضیحاتی که آقای وزیر مالیه راجع به گل سرخ فرمودند کافی نبوده بنده با لازم دانستم از آقای وزیر مالیه سؤال کنم که آیا ممکن است صورت مشروح تر و مفصل تری به مجلس بدهند ؟ که طبع شده و بین نمایندگان توزیع شود تا تمام نمایندگان از روی دقت و بصیرت ملاحظه کنند که تاریخ و قدمت و مقدار و معارج استخراج و سایر چیزهایی که خود آقای وزیر مالیه میدانند همه در آنصورت ذکر شده باشد

وزیر مالیه - البته ممکن است صورت جامعی تهیه و تقدیم مجلس شود ولی این را هم باید تکرار کنم که ترتیب کار گل سرخ با وزارت فواید عامه است و وزارت مالیه فقط از روی دوسه های موجوده صورت جامعی تهیه نموده و تقدیم مجلس خواهد کرد

سر دار معظم - پس از آنکه صورت ازدوسه های مربوطه وزارت مالیه به مجلس رسید برای تکمیل آن ممکن است از وزارت فواید عامه هم خواسته شود

رئیس - آقایان مستشار السلطنه و حاج میرزا

مرئوس هم پیشنهاد کرده اند و برت جامع از وزارت مالیه خواسته شود وزارت مالیه هم برای تکمیل اطلاعات ممکن است از وزارت فوائد عامه اطلاعاتی بخواهد.

مستشار السلطنه - بنده يك سوالی داشتم و يك توضیح هم می خواهم عرض کنم
رئیس - آقای مستشار السلطنه حاج بیجری که نمی توانم بخوانم سوالی دارند راجع بخرابی چراغ است!

مستشار السلطنه - غیر سوالی در جلسه گذشته داشتم خرابی چراغ مانع از آن سؤال شد و روز هم معاون وزارت فوائد عامه برای جواب سؤال بنده حاضر شده بودند و اظهار فرمودند بنده خبر کنم تا آقای وزیر ایشان را بمجلس معرفی کنند بعد جواب سؤالات آقایان نمایندگان را بدهند و اما توضیحی که بنده میخواستم راجع به پیشنهاد خودم عرض کنم این بود که در آن صورت جامع که آقای وزیر مالیه خواهند داد زمامداران و نمایندگان وقت را که در زمان آنها تغییر شده ذکر فرمایند و همچنین تاریخ ایران ذکر فرمایند.

رئیس - یادداشت میشود همینطور وزارت مالیه نوشته خواهند شد آقای عبدالملك از آقای وزیر پست و تلگراف سابقاً سوالی نموده بودند بنده بود جواب بدهند.

وزیر پست و تلگراف - چون سؤال خود را نموده اند دیگر زحمت نمیدهم و جواب ایشان را عرض خواهم کرد سؤال ایشان راجع به مهرهائی بود که در روی پاکتهای صادره موجود است و همیشه اظهار فرمودند تاریخی که در آن مهرها هست و معمول است تاریخ ایرانی نیست صحیح است تحقیقاتی در این خصوص شد چنانکه آقایان مسبقاً هستند مراسلات در قسم است مراسلات بین المللی و مراسلات داخلی مملکت آنچه راجع به مراسلات بین المللی است باید تاریخی که تمام دول یعنی اتحاد بین المللی پست قبول کردند (که تاریخ گر گویند است) معمول باشد و اداره پست هم از برای صرفه جویی همان مهرهائی را که در آلمان حک کرده اند از راه صرفه جویی در داخله هم استعمال می کنند ولی همانطور که آقای سدید الملك فرمودند تصدیق میکند احوال باین تاریخ مسبق نیستند و ممکن است در بعضی مواقع اشکالاتی پیش بیاید و همین جهت دستور داده شد و این که يك خرجی برای اداره پست خواهد داشت (زیرا دو پست و بیست دفتر پستی است و از برای هر دفتری يك مهر لازم است) معذلك دستور العمل داده شد که با كمال صرفه جویی مهرهائی برای مراسلات داخلی تهیه کنند که مقصود چنان آقای سدید الملك که خود من هم تصدیق دارم بعد بیاید.

سید الملك - نهایت تشکر را از آقای وزیر پست و تلگراف دارم که این اقدام را فرموده اند
رئیس - آقای ساری زاده این پیشنهاد چنانچه مخالف آن چیزی است که مجلس رأی داد
جائز می فرماید - بنده خواهش کرده بودم

رایورت کمیسیون مرابض در مجلس قرائت شود چرا نشد؟

رئیس - قرار شد بماند برای جلسه دیگر چون چیز دیگری در دستور نیست اگر مخالفی نباشد مجلس ختم شود جلسه آتی به روز سه شنبه دو ساعت بغروب و دستور آن بقیه مذاکرات در مهله نامه جامعه بین الملل خواهد بود.

سید الملك - بنده سوالی از آقای رئیس الوزرا کرده بودم

رئیس - سؤالات خیلی است خواهند آمد و جواب داده خواهد شد.

(مجلس ۲ ساعت از شب گذشته ختم شد)
محل امضاء رئیس مجلس - مؤتمن الملك

جلسه ۵۱
صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه پنجم جنی ۱۳۰۰ مطابق بیست و هشتم ربیع الثانی ۱۳۴۰

مجلس مقارن غروب در محنت ریاست آقای سردار معظم نایب رئیس تشکیل گردید
صورت مجلس یوم شنبه دوم جنی را آقای تدین قرائت نمودند
نایب رئیس - آقای نصرت الدوله نسبت بصورت مجلس فرمایشی دارند؟

نصرت الدوله - در موضوع بودجه بلدی در صورت مجلس نوشته شده که آقای وزیر مالیه اظهار نمودند بودجه را تهیه میکنند و می فرستند در صورتی که این بودجه بکمیسیون بودجه دوسه روز است رسیده و آقای وزیر مالیه هم آنروز اظهار کردند که بودجه را فرستادند میفرستام این فقره اصلاح شود

نایب رئیس - اصلاح میشود آقای سلیمان میرزا.

(اجازه)
سلیمان میرزا - در ضمن سؤال بنده عبارت در صورت مجلس طوری نوشته شده است مثل اینکه بنده اشخاصی که اوراق بانک را در دیده اند میباشم خبر بنده اطلاع دارم اوراقی سرق شده ولی سرقه کننده را نمی شناسم ولی میدانم اوراق چه اوراقی است در جلسه دیگر عرض میکنم تا دولت اگر بخواهد توسط پلیس تأمینات تحقیق کند و در صورت مجلس طوری نوشته شده است مثل اینکه بنده آنها را می شناسم
نایب رئیس - تصحیح میشود آقای شریعتدار کرمانی.

(اجازه)
شریعتدار - آقای تدین در صورت مجلس قرائت نمودند که بنده را در جلسه قبل غایب بخون اجازه نوشته اند در صورتی که کتباً بمقام ریاست عرض کرده بودم تقاضا میکنم اصلاح شود
نایب رئیس - یادداشت میشود آقای محمد هاشم میرزا.

(اجازه)
محمد هاشم میرزا - آنروز آقای وزیر

مالیه فرمودند بودجه قدیم بلدی را فرستادم بودجه جدید هم تهیه کرده ام و خواهم فرستاد

نایب رئیس - اصلاح میشود مسائل دیگری امروز محول بنسور شده بود ولی يك وظیفه اسف آورده ام انگیز که بعهده بنده واگذار شده است بنده را وادار میکند که این مطلب را مقدم بر سایر مسائل دستور بدانم و آن خبر فوت هقطار محترم بود و ست عزیز خودمان آقای آقا شایع محمد جواد نماینده محترم خوزستان است که باید بعرض مجلس شورای ملی برسد فقید مرحوم یکی از عناصر يك و مردان ثابت قدم دوره خودش بود که در طریق ایران دوستی و آزادیخواهی برای همه نوع فداکاری حاضر و هیچ نوع عایقی او را از مشی در طریق خود منحرف ننمود فقید مرحوم حقاً در قلوب کسانی که او را می شناختند دارای محبوبیت و توجه قلابی خاصی بود و این مقام را بواسطه خدمات و زحمات خودش در كك بنوع و حفظ مصالح عمومی و صحت عمل و يك فطرت و حسن نیت خود تحصیل کرده بود

(جمعی گفتند صحیح است)
کسانی که با فقید مرحوم در ادوار مختلفه مجلس شورای ملی همکاری داشته اند و هم چنین مردم نمایندگان مجلس چهارم خوب میدانند که مرحوم آقا شایع محمد جواد چه اندازه يك و خوب بود و چه رشته های محکم ملاقاتی و مودت ما را بآن فقید متصل و مربوط می کرد و چه اقدام و دوستی در قلوب ما نسبت به آن مرحوم موجود بود و هیچ چیزی تألم فوت آن مرحوم را در قلب همکاران و دوستان او تسکین نمیداد آقا شایع محمد جواد مرد ولی یادگار او در قلوب ما همیشه زنده خواهد بود چنانچه روح پاکش انشاء الله در جوار رحمت حق تعالی مشغول رحمت کامل و دارای سعادت جاودانی خواهد بود با طلب مغفرت برای فقید مرحوم و اظهار تسلیت بپایانندگان آن مرحوم برای ابراز احترام نمایندگان نسبت به همکاران محترم خودشان اگر مجلس شورای ملی موافقت کند امروز جلسه را ختم میکنیم و جلسه آتی را روز پنجشنبه ساعت مقرر خودش موکول میباشم

(گفتند صحیح است رحمة الله علیه)
مجلس موقع غروب ختم شد

جلسه ۵۲
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۴۰ مطابق هفتم جنی ۱۳۰۰

مجلس يك ساعت قبل از غروب در محنت ریاست آقای سردار معظم نایب رئیس تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه پنجم جنی را آقای تدین قرائت نمودند)

نایب رئیس - خطاب با آقای عبدالملك چه فرمایشی دارید

عبدالملك - متعصم الملك ناخوش است غائب نوشته است

نایب رئیس - باید قبلاً اطلاع داده باشند؟

قبل از این که داخل دستور خودم باره مسائل هست که باید بعرض مجلس برسد اولاً لایحه از طرف دولت رسیده است راجع بوصول مالیاتهای ارضی و تمهید آنها بکمیسیون قوانین مالیه مراجعه می شود ثانیاً طرح قانونی از طرف آقای فهیم الملك راجع با استخدام رسیده است فرستاده میشود بکمیسیون مبتکرات در عرض يك نفر عضو آقای زنجانی فرمایشی داشتند

آقا شیخ ابراهیم زنجانی بنده يك پیشنهادی کرده بودم راجع به استخدامین خارجی که در دولست صورت اسامی مستخدمین خارجی بترتیب کثرت های آنها بترتیبی که در پیشنهاد ذکر شده خواسته شود که مجلس بفرستند و معاملاً بشود وضع کثرت آنها بجهت ترتیب بوده است

نایب رئیس - بسیار خوب خواسته میشود ولی راجع باین مطلب نبود کمیسیون قوانین مالیه يك نفر عضو کس داشت آقای معتمد السلطنه دارای اکثریت شده اند از طرف مجلس شورای ملی يك کمیسیون پنج نفری برای تحقیق تسببی که بیکی از نمایندگان داده شده بود انتخاب شود مستخرجین آرام معین شده بودند آقایان آقا سید یعقوب و قاری الملك متأسفانه بدون اینکه اکثریت حاصل شود شروع با استخراج آرام نموده بودند این است که باید تجدید انتخابات شود خوب است آقایان در موقع بنفس مجدداً اعضای آن کمیسیون را انتخاب کنند

آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - امشب کما شروع کردیم چون بعضی از آقایان نمایندگان رأی ندادند استخراج آراء نکردیم آنوقت آقای رئیس بنده امر فرمودند استخراج کنیم

رئیس - در هر صورت به رعایتی که بود بدون اکثریت استخراج آراء شده در صورتی که خوب بود تأمل کنند با بقیه نمایندگان رأی می دادند بعد استخراج شود استدعا میکنم امشب در موقع تنفس دوباره اخذ آراء شده و مجدداً استخراج بعمل بیاید که بلکه امشب نتیجه در مجلس اعلام شود کمیسیون تحقیق انتخابات دو نفر عضو حکم داشت یکی بجای مرحوم معتمد الدوله یکی هم بجای آقای نصیر السلطنه که استعفا داده اند و باید بجای ایشان دو نفر دیگر انتخاب شود گویا اختیار کردم باید از شمس انتخاب شود آقای تدین هم استعفا داده بودند بجای ایشان هم باید يك نفر انتخاب شود جمعی سه نفر باید انتخاب شوند مستشار السلطنه اجازه خواستند در موضوع لایحه وزارت مالیه

نایب رئیس - حالا موقع نیست به تدور موقع خود شما مذاکره فرمایید يك لایحه از طرف دولت رسیده بود راجع بتقاضای برقراری دو پست تومان در حق ورثه مرحوم بنان السلطان اگر مخالفی نباشد امروز جزو دستور گذاشته شود نظر باینکه لایحه دولت و رایورت کمیسیون بود جات طبع و توزیع شده دیگر لازم نیست خوانده شود شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - می خواهم بدانم برقراری این بیست تومان در حق ورثه مرحوم بنان السلطان از روی چه اساسی است آیا همین طور فوق العاده بطور شهری در حق ورثه برقرار می شود یا موافق قانون متوفیات است

سهام السلطان منشی کمیسیون - نظر باینکه بنان السلطان مدتها در مجلس و در وزارت داخله و سایر ادارات مشغول خدمت بوده و حالا فوت کرده است ورثه او هم زیاد پریشان هست لذا از طرف دولت پیشنهاد شده بود برای ورثه ایشان بیست تومان بطور فوق العاده و شهری برقرار شود کمیسیون هم نظر بخدمات مرحوم بنان السلطان و استحقاق ورثه او بیست تومان را تصویب کرد (چون آقای سردار معظم مخبر کمیسیون بودجه شد بجای ایشان آقای سهام السلطان منشی کمیسیون از رایورت کمیسیون دفاع می نمایند)

نایب رئیس - آقای ارباب کبشرو (اجازه)

ارباب کبشرو - بنده موافقم
نایب رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه)

معتمد السلطنه - قانون متوفیات از مجلس نگذشته است قانونی که گذشته است قانون وظائف است و این مسئله مشمول قانون وظائف نخواهد بود
نایب رئیس - آقای تدین (اجازه)

آقای تدین - بنده اصولاً موافقم باین وجهی که در باره ورثه مرحوم بنان السلطان تصویب شده است ولی در اینجا بنظر من لازم است در ماده دوم يك اصلاحاتی بشود اول که نوشته شده است برقراری شهری فوق در حق عیال مادام العمر و تا موقعی است که زوج اختیار نکرده باشد اینجا قید مادام العمر با قید تا موقعی که شوهر اختیار نکرده باشد متضاد است بجهت اینکه مقصود این است يك كمکی به عیال مرحوم بنان السلطان بشود تا موقعی که از خارج باو كمکی نرسد و موقعی که شوهر اختیار نماید البته از خارج بار مساعدت خواهد شد بنابراین مقتضی خواهد بود که نوشته شود مادام که زوج اختیار نکرده این مساعدت از طرف دولت بار خواهد شد و قید مادام العمر لغو است زیرا موقعی که شوهر اختیار کرد این حق از او ساقط خواهد شد بنا بر این بنده پیشنهاد میکنم عبارت اینطور نوشته شود برقراری شهری فوق در حق عیال تا موقعی است که زوج اختیار نکرده است قسمت دوم راجع بطرز تقسیم این بیست تومان است

مابین عیال و اولاد مرحوم بنان السلطان چون این برقراری مبنی بر قانون وظائف نیست اگر موکول بقانون وظائف بود در آنجا طرز تقسیم معین شده بود ولی چون موکول به يك قانون دیگری است که هنوز بتصویب مجلس نرسیده و بعد باید این قبیل حقوق و شهری ها را معین کند و از خارج هم نمی توان طریق قاطعی اتخاذ کرد و بنا بر این باید طرز تقسیم این بیست تومان که بجهت شکل بین عیال و اولاد آراء آنها رسیده انجمن تغییر رأی حاصل کرده و اظهار

تقسیم گردد و معین شود
سهام السلطان منشی کمیسیون - بطوریکه در کمیسیون مذاکره شده باید بتساوی بین وراثت تقسیم شود
نایب رئیس - پس بهتر این است که رایورت را مسترد بدارید و همینطور اصلاح کنید
سهام السلطان - بلی صبح است مسترد می نمایم

نایب رئیس - مطلب دیگر راجع بر رایورت کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان است که سابقاً جزو دستور بوده و بعد از نمایندگان کان معتمد تقاضای طبع و توزیع رایورت را کرده بودند این مقصود بعمل آمده است باینجه تا بیا جزو دستور گذاشته می شود آقای محمد هاشم میرزا.

محمد هاشم میرزا - یکی از چیزهائی که امروز تقاضا شده بود که بایستی رفع آن اشکال شود و خود سرکار از قول آقای رکن الملك در مجلس مذاکره فرمودید و آقای آقا سید یعقوب هم جوابش را کاملاً فرمودند این بود که آیا صحت دارد در بعضی نقاط نصف روز تفرقه داده ام و نصف روز رأی گرفته ام اگر این طور باشد که مخالف با قانون است و هنوز بر ما صحت و سقم آن معلوم نشده و بواسطه گرفتاری وقت پیدا نکردیم دوسه را بیستم در هر صورت یا آقای رکن الملك یا آقای آقا سید یعقوب توضیح فرمایند تا ما تکلیف خودمان را در موقع رأی دادن بفهمیم.

نایب رئیس - خود بنده آنروز معترض بودم و در همانروز دوسه رجوع کردم و چون استادی که حاکی از تصدیق و تأیید این مسئله باشد در دوسه ندیدم از اعتراض خود صرف نظر کردم بازم آقایان مختارند. آقای رکن الملك (اجازه)

رکن الملك - اظهاراتی که بنده کردم راجع به سهند آباد بود و دوسه هم حاضر است منتها چون طرف احتیاج نشد ملاحظه فرمودید.

نایب رئیس - آقای فهیم الملك اجازه
فهیم الملك - بنده باین رایورت کمیسیون کاملاً مخالفم زیرا چنانچه خاطر آقایان هم مسبوق است معلوم نیست با خوانده شدن با خوانده شدن آراء صندوق سهند آباد چه ترتیبی در انتخابات آذربایجان پیدا خواهد شد این طور بنظر من میرسد که انجمن مرکزی تبریز تشکیل شده و برای حوزه شهر هم نقاط متعددی معین شده و شعب جزو هم باطراف فرستاده شده پس از آنکه غالب نقاط جزء رأی دادند و آراء را بر کز فرستادند بعد از احوالی سهند آباد که بایستی جزو حوزه هشت رود رأی داده باشند آمدند انجمن تقاضا کردند که برای آنها يك شعبه مخصوص فرستاده شود انجمن هم پس از مذاکرات تقاضای آنها را قبول کرده لکن آنچه از دوسه و سابقه معلوم میشود باینکه مدت انتخابات قریب باقضاء بوده است انجمن مرکزی تبریز شعبه جدیدی برای سهند آباد معین کرده و تقاضا کرده اند در همان مدتی که قبلاً برای سایرین معین شده آنها هم رأی خود را بر کز بفرستند بعد از آنکه آراء آنها رسیده انجمن تغییر رأی حاصل کرده و اظهار

داشته اند که چون سهند آباد در مدت قانونی رأی خود را نفرستاده در راپورت کمیسیون هم ذکر شده است که انجمن مرکزی تیریز خلاف قانون رفتار کرده در صورتیکه انجمن کاملاً موافق قانون عمل کرده زیرا قانون انتخابات اگر یک شبهه های جزئی برای حوزه های انتخابیه معین می کنند با انجمن مرکزی هم حق می دهد که در هر نقطه لازم بداند انجمن جزئی تشکیل دهد چنانچه در سایر نقاط هم انجمن های مرکزی بعضی نقاط که در جدول قانون انتخابات نبوده شبهه جزئی فرستاده اند و بعضی نقاط که در جدول بوده نفرستاده اند بنا بر این اگر انجمن مرکزی سهند آباد و غیره یک شبهه جزء بفرستد غیر قانونی عمل نکرده است و کاملاً موافق وظایف قانونی خود عمل کرده است و اینکه گفته اند ویرتزاز موقع خود سهند آباد رأی خود را فرستاده است البته اگر از ابتدا شبهه جزء فرستاده بود بایستی مدتی را که معین حکم کرده است شبهه هم در همان مدت آراء خود شما را بفرستد ولی وقتی که مدت منقضی میشود و آنوقت شبهه را فرستد باید مدت جدیدی معین کنند تا اینکه بنگاه برای سایر نقاط مدت معین کنند و آنوقت روزیست و هشتم یک شبهه بیک نقطه بفرستد و بگوید تا مدت معینه شبهه های قبل منقضی شده بایستی آراء خود را البته بفرستی البته در ظرف دو روز شبهه می توان این کارها را انجام دهد بنا بر این نمی توان گفت انجمن خلاف قانون کرده است البته باید رأی آنها به آراء سایر نقاط ضمیمه شود.

چهار دسته بندیهای بود و از هر یک چه آنتریک ها میشد برای اینکه نمایندگان آذربایجان معین شوند هر روز برای انجمن یک شبهه باری میکردند انجمن هم ناچار شده و گفته است خوب برای اسکاکی این هوچی هایك شبهه سهند آباد روانه میکنم بعد ملتفت شده است خلاف قانون بوده است حالا که فهمیده است خلاف قانون بوده باید بر خلاف خودش دائم باقی باشد.

بنده گمان نمیکند که هیچیک از اماها مایل باشم در خلاف قانون خودمان دائم باقی باشیم و وقتی رفع معذور شد باز برخلاف قانون رفتار کنیم انجمن برای رافع معظوران خود گفته است سهند آباد شبهه روانه میکنم بعد کسانی که از قانون مطلع بوده اند انجمن گفته اند این مسئله خلاف قانون است انجمن هم فوری نوشته است بموجب ماده ۱۸ قانون انتخابات این آراء را که بعد آورده اند صحیح نیست و حق آنها ساقط کرده است ماده هجدهم قانون انتخابات آنها را معزوم قبل شبهه با آنجا روانه نکرده در دوره دوم اگر بنده نبودم شما که بودید میدانید که در آن دوره وکلای آذربایجان بقصری اینجا را بودند که همه و کلاحتی کورال های تیریز را هم میدانستند و قانون انتخابات را در آن زمان نوشتند جدول انتخابات را در آنوقت معین کردند اگر می دانستند این ۳۰۷ قریه که امروز آقای فهیم الملک برایش سنک بسینه میزند اهمیت دارد و برای آن حوزه معین میکردند برای هشترود حوزه معین کردند برای آلان برافوش حوزه معین کردند بعضی از این دهات جزو هشترود و بعضی جزو آلان برافوش هستند و با آنکه خودتان مستعضر هستید که در دوره دوم چقدر جدیت داشتند که آذربایجان از جزئی حق خودش هم معزوم نشود باز می گویند چرا انجمن مرکزی که بر خلاف قانون یک شبهه معین کرده چرا دوام نکرد من و کمیسیون گمان نمی کنم چنین چیزی را بتوانیم قبول کنیم زیرا کمیسیون خواسته است در این دوره چهارم نمایندگان آذربایجان در مجلس باشند و بر حسب تصویب مجلس شورای ملی تمام اطراف کار را در نظر گرفته پس از مطالبات راپورت انجمن مرکزی تیریز این راپورت را داده است و مسئله صلاحیت منتخبین را به خود مجلس شورای ملی واگذار کرده است.

نایب رئیس - شاهزاده اقبال السلطان موافقت یا مخالف

اقبال السلطان - بنده موافقم
نایب رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله موافقت یا مخالف

حاج شیخ اسدالله - مخالفم
نایب رئیس - بفرمائید

مستخرج شیخ اسدالله - با کمال اشتیاق که بنده بحضور نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای ملی دارم با فرمایشانی که آقای سید یعقوب فرمودند مخالفم - اولاً اینکه فرمودند آقای فهیم الملک برای اهالی سهند آباد سنک به سینه می زنند بلی صحیح است

وکیل باید برای تمام اهالی ملاک سنک به سینه بزند و نباید بگذارد حق احدی تضییع شود پس هیچ ایرادی نیست اگر بکنفر نمایند برای اهالی دلسوز باشد اما نسبت باین راپورتی که داده شده است و اقدامی که انجمن مرکزی نموده است انجمن مرکزی مطابق راپورت در مرحله اول تصدیق کرده است باینکه سهند آباد و بعضی نقاط دیگر از حق خود معزوم خواهند ماند و چون آنها را از حق ملی معزوم دیده تجویز کرده است که یک انجمن جزو در آنجا تشکیل شود که اهالی آنجا از حق ملی خود معزوم نشوند پس از اینکه انجمن در آنجا تشکیل شد و آراء و آورده اند معلوم نیست نظر انجمن مرکزی چه بوده است که می نویسد برخلاف قانون خودش متذکر شده و از این جهت آراء را رد کرده است و انتخابات آنجا را باطل کرده است یک فرمایشانی آقای آقا سید یعقوب فرمودند هوچی ها هو کرده اند و انجمن نظارت بر حسب اجبار یک شبهه در آنجا تشکیل داده پس از گرفتن آراء آن آراء را رد کرده این استنباطی که آقای آقا سید یعقوب فرموده اند نمی دانم در دوسه این شرح وسط هست یا اینکه احتمالات خودشان است یکی از آقایانیکه از اعضاء کمیسیون هستند میگویند در خصوص سهند آباد طرز انتخابات اینطور بوده که قبل از طهر تفرقه میدادند عصر رأی می گرفته اند دیگری از آقایان نمایندگان می فرمایند از دوسه چنین چیزی معلوم نمی شود در هر حال انجمن مرکزی بشوا تصدیق کرده است که اهالی سهند آباد از حق خودشان معزوم مانده اند و بخوش حق داده است به آنجا هستند روانه کنند این انتخابات را هم انجمن مرکزی تصدیق میکند که موافق قانون واقع شده و برای بعد انجمن حق اهالی را سلب نمی کند اهالی کاری نکرده اند فقط می رفتند تفرقه می گرفته و رأی می دادند در قانون انتخابات نوشته شده است و در انتخابات قبل هم اتفاق افتاده و به انجمن مرکزی حق داده شده است هم از اینکه در جدول انتخابات از اهالی اسم برده باشد یا نشده باشد در موقع لزوم انجمن مرکزی حق دارد با آنجا شبهه بفرستد منتهی نقطاتی که در جدول اسم برده شده است او نوبت دارد لکن هلا مجلس شورای ملی تصدیق کرده که حق حاکمیت با انجمن مرکزی است انجمن می تواند در بعضی نقاط که در جدول تصریح شده است انجمن جزئی تشکیل نهد مثل اینکه در انتخاب بعضی از نمایندگان هم اینطور بوده و مجلس شورای ملی انتخاب آنها را تصدیق کرده و بالعکس اگر انجمن نظارت در بعضی از نقاط که در جدول انتخابات اسمی از آنها برده نشده به آنها حق داد که انجمن جزو تشکیل بدهند حق دارد و اختیار بالوست در انتخابات تیریز هم انجمن مرکزی در مرحله اول تصدیق کرده است که سهند آباد و بعضی نقاط دیگر که در اطراف آن واقع شده اند این حق را دارند که یک انجمن مخصوصی در آنجا تشکیل شود و این جریان موافق قانون است و از دوسه هم اینطور استنباط میشود پس اگر این انتخابات موافق قانون است باید آراء آنجا با آراء سایر نقاط ضمیمه شود و اگر آراء آنجا برخلاف قانون است که باید در آن

نقطه بالخصوص انتخابات تجدید شود که حق آنها ضایع نشود این است که بنده باین راپورت نمیتوانم موافقت کنم و بایستی آراء سهند آباد ضمیمه آراء سایر نقاط شود

نایب رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - اگر اندک تأملی در راپورت کمیسیون بکنم معلوم میشود که انجمن مرکزی حق داشته است آراء سهند آباد را باطل کند عبارت این است انجمن نظارت ایالتی تیریز مطابق ماده دهم قانون انتخابات مرکب از هفت در تاریخ پانزدهم ذیحجه هزار و سیصد و سی و هفت تشکیل و اعلان انتخابات را در شهر تیریز منتشر و بهر یک از پنج حوزه های نقاط جزو حومه شهر هم هیئت نظارت مرکب از پنج نفر اعزام و در موعد قانونی صندوق آراء نقاط پنج گانه با انجمن نظارت مرکزی واصل و به ضمیمه آراء شهری قرائت و نظر حائز اکثریت شده آن وقت می نویسد و پس از ختم این امر و انقضای مدت قانونی بطوریکه انجمن نظارت در راپورت خود شرح میدهد بر حسب پیشنهاد بعضی اشخاص هیئتی برای اخذ آراء بعضی از دهات هشترود و سهند آباد که باقی مانده بود و پرونده این عبارت کامل معلوم میشود که بعد از آنکه انتخابات سایر نقاط تمام شد و در آنجا خود را انتخاب کرده اند آنوقت بعضی آمده اند و از انجمن خواهش کرده اند که بایستی برای سهند آباد یک شبهه جزء در آنجا تشکیل داده در صورتیکه بعد از آنکه آراء سایر نقاط گرفته شده و انتخابات آنجا خاتمه پیدا کرده اصلاً انجمن حق نداشته است انجمن جزء در سهند آباد تشکیل دهد

نایب رئیس - آقای آشتیانی مخالفید
میرزاهاشم آشتیانی - بلی
نایب رئیس - بفرمائید

آقامیرزاهاشم آشتیانی - با تقاضای عدم مصیبتی شدن آقای آقا سید یعقوب در موضوع انتخابات آذربایجان عرض می کنم چنانچه اظهار شد ماده هشت قانون انتخابات به هیئت نظارت حق می دهد در نقاطیکه لازم است حوزه انتخابیه تشکیل دهند و شبهه جزء بفرستند اهم از اینکه جدول انتخابات از آن نقطه اسم برده باشد یا نشده باشد در این قسمت یعنی سهند آباد هم هیئت نظارت مرکزی تیریز اینطور صلاح دانسته است که برای سهند آباد و بعضی دهات اطراف آن یک شبهه اعزام دارد هیچوقت نمی کند اعزام از اینکه پس از انقضای مدت باشد یا قبل از آن در هر حال در آنجا شبهه تشکیل شده و اگر آقایان ملاحظه فرموده باشند در روزنامه ایران روز آقا سید کاظم آقا بانی که از اعضاء هیئت نظارت آذربایجان و در شرحی نوشته و تصدیق کرده است که باید آراء سهند آباد بر آراء ضمیمه شود و می نویسد چون آراء آنجا را ضمیمه نکرده اند من که یکی از اعضاء هیئت نظارت مرکزی بودم اعتبار نامه منتخبین را امضا نکرده ام بدین لحاظ بنده عرض می کنم چون خود هیئت نظارت این اقدام را کرده اند و قانون هم در تحت ماده هشت به نظارت این اجازه

داده است باین واسطه باید آراء سهند آباد ضمیمه شود و چون ضمیمه نشده است حکم این مسئله بامجلس است و همان طور که سایر آقایان فرمودند البته تمام آقایان نمایندگان کمال موافقت را دارند که در اسعد ساعات نمایندگان آذربایجان وارد شوند و با این مسئله هم مخالفتی ندارند

نایب رئیس - آقای کا زرائی مخالفید یا موافق

میرزا علی کا زرائی - بنده موافقم
نایب رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت یا مخالف

ارباب کیخسرو - بنده يك سؤال دارم
نایب رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - خواستم از آقای مخبر سؤال کنم دوسه انتخابات را که در کمیسیون ملاحظه کردند شامل چیست آیا فقط شامل يك صورت هائی جزئی است یا صورتهای کامل هم دارد آیا آنچه استنباط کرده اند اعتبار نامه نمایندگان داده شده است یا غیر

مخبر - گرچه رئیس کمیسیون شاهزاده سلیمان میرزا اجازه خواسته بودند و من منتظر بودم که هم جواب آقای شیخ اسدالله و هم سایر آقایان را بدهند ولی چون آقای ارباب این سؤال را از بنده فرمودند صورت مجلس است به صورت مجلس مفصل و اگر آقایان نمایندگان آقای شیخ اسدالله آمده بودند در کمیسیون و صورت مجلس را ملاحظه فرموده بودند دچار این معظورات نمی شدند دوسه دارای خلاصه صورت مجلس است و در آنجا هم ذکر نشده است که یکسای اعتبارنامه داده شده است یا غیر

نایب رئیس - آقای فهیم الملک موافقت یا مخالف

فهیم الملک - بنده موافقم
نایب رئیس - شاهزاده سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اگر آقایان اجازه فرمایند بنده اول راجع سؤال آقای ارباب کیخسرو چند کلمه عرض کنم در موقعی که کمیسیون تشکیل شد يك دوسه بکمیسیون رجوع شد که اوراق دوسه عبارت بود از تلگرافاتی که ما بین رئیس الوزرا و وقت و حکومت آذربایجان رد و بدل شده بود و آن تلگرافات راجع بود بشکایاتی که بعد از انتخاب رسیده بود بنابر این کمیسیون موافق در خواست از مقام ریاست از وزارت داخله خواست که دوسه های آنجا را بخواهند و پس از چند یکمقدار دفاتر رسید که شامل بود از صورت اسامی تفرقه گیرندگان هر محل و هر حوزه و معلوم نموده بود که چه اشخاصی تفرقه گرفته اند و يك صورت خلاصه هم از کارهاشان بود که به ترتیب آراء را گرفته و استعراج نموده اند حقیقتاً خلاصه صورت مجلس بود و در آن نوشته بودند که انجمن مرکزی روز بروز چه کرده خیلی بطور خلاصه نوشته بود و بالاخره

اکثریت اشخاص را معین کرده بود که به آنها هم اعتبارنامه نداده اند و این مسئله هم امتیازی ندارد چه در دوره های سابق چه در این دوره این مسئله سابقه دارد در آذربایجان هم بواسطه اختلاف نظر مابین اعضاء انجمن نظارت خیلی مفصل بوده انجمن بنمایندگان آنجا اعتبارنامه نداده چون دادن و ندادن اعتبارنامه باعث نمیشود که انتخابات را عقب بیندازند و بنده میگویم که تصدیق کرد انتخابات صحیح است برای اینکه شاید بگویند انجمن نظارت مخالف باشد و نخواهد باشخص منتخب اعتبارنامه بدهد بنابر این بسته است بنظر هیئت مجلس در این دوره هم داریم شخصی را که بدون اعتبار نامه و کالتشان را تصدیق کرده ایم پس اعتبار نامه مقرر می برای اینکه وکیل قانونی هست بایستی نمی شود اما در مسئله که آقای آقامیرزاهاشم فرمودند باید عرض کنم که اگر در روزنامه دیروز این یکی از اعضاء انجمن چیزی نوشته است البته ایشان آنچه را هم که رئیس انجمن نظارت در روزنامه ستاره ایران نوشته است ملاحظه فرموده اند بنده بدلا کرات خارج و اینکه در روزنامه کی چه نوشته است کاری ندارم در مجلس يك کمیسیون معین کرده اند که مطابق اسنادی که در دست هست تحقیق نمایند مودت کتبات راجع با انتخابات را هم قانون معین کرده است که تا یک هفته بعد از اتمام انتخابات و یکماه پس از افتتاح مجلس حق دارند شکایت خود را بفرستند و پس از آن هر چه بگویند قابل توجه نخواهد بود حالا این دو موعده ای که برای شکایت کنندگان معین شده منقضی شده است و هر چه هم در خارج بنویسند صحیح نیست بعلاوه کمیسیون راجع با انتخابات آذربایجان بطور کلی رسیدگی کرده و راپورت داده است و در يك قسمت هنوز نخواسته است داخل شود و آن قسمت راجع بشکایات درباره صلاحیت و مطالب شخص است چون کمیسیون مردود کرده آیا مجلس این حق را بکمیسیون داده است که وظیفه شبهه را انجام بدهد یعنی بفرود شکایات رسیدگی نماید و راپورت بدهد که آقایان مطابق راپورت کمیسیون رأی بدهند یا غیر این بطور کلی رأی بدهد کمیسیون قسم دوم را برای خود حق فرض کرد و بطور کلی رأی داد که فرضاً اگر عقیده کمیسیون تصدیق شد آنوقت مثل سایر اعتبار نامه ها بشبهه میورد و در شبهه رسیدگی میشود ولی انتخابات آذربایجان بطور کلی هیچ شکایتی غیر از مسئله سهند آباد ندارد بنابر این بنده داخل قضیه سهند آباد میشوم اول به بنیم مسئله سهند آباد چه چیز است که از او اینهمه صحبت میکنیم مطابق اطلاعاتی که در دست است سهند آباد نه بعنوان مالیاتی يك اسم مستقلی دارد نه بعنوان حکومتی چند بار به ده است که بعضی ها متعلق به هشترود است و چند بار به متعلق بیک دیگر از بلوکات مثل آلان بر افروش یا جای دیگر انجمن ایالتی برای هر یک از این بلوکات شبهه معین کرده و اعزام داشته و آنها هم اعلان کرده اند و تفرقه هم توزیع کرده اند و اهالی هم حاضر شده و رأی داده اند اگر دوسه تا از این دهات امتناع کرده و تفرقه نگرفته اند مطابق ماده هجدهم قانون انتخابات خودشان حق خود

را از دست داده اند و ذیق نیستند که بگویند ما از حق خودمان استفاده نکرده ایم همانطور که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند البته وظیفه هر کبلی است که برای موکل خود سنگ بسنه بزند ولی ماده هجدهم قانون انتخابات میگوید که اگر این موکلین محترم در آن مدت بهشتی تشریف نیاورند و معرفی نگرفتند این حق را از خودشان سلب نموده اند و میبایستند تشریف ببرند و معرفی بگیرند و حق خودشان را از دست ندهند انتخابات یک مجلس را نمیتوان معطل کرد که فلان کس تنبلی کرده است پس بعقیده من بواسطه این قبیل تنبلی باید توجه باین قبیل کارهای عمومی خودشان حق خودشان را پامال کرده اند در هر آن روز هم به منظور در آن برافش هم به منظور این بلوکی که سهند آباد نام دارد و در این سه قسمت باید رأی داده باشند متأسفانه بواسطه تنبلی حق ندارند بالفرض هم که انجمن مرکزی خودش در رأی خودش تردید نمیکرد و نمیتوانست بعد از آنکه آراء آنجا را آوردند ماده هجدهم بنظر ما رسید بدین که این عمل برخلاف قانون است بنابراین آراء آن شبهه را نتوان کردیم به علاوه یک عیب دیگر هم پیدا کرد که صندوق آراء آنجا دیر رسید مرضاً که انجمن مرکزی این حق را از برای خود تصدیق میبکند ما باید به انجمن مرکزی خاطر نشان بکنیم که شما اشتباه کرده اید زیرا اشخاصی که خودشان دست خودشان حق خود را پامال میکنند و اشخاصی که دو مرتبه به آنها اعلام شد و خودشان در حق خود قصور کرده اند و نمیتوان به آنها حق رأی داد و در مجلس هم نسبت به قبلی از اعتبار نامها این مسئله را تصدیق کردیم و حتی بعضی از شهرها که بواسطه قصور خود در انتخابات شرکت نکرده بودند با همه شکایاتی که رسید مجلس آن شکایات را به موقع دانست اگر بایستی برای سنگ بسنه میزدیم چرا نذریم برای اینکه ما حق نداشتیم زیرا موافق قانونی آن گذشته بود وقتی که گذشت خودشان حق خود را پامال کرده از دست داده اند پس تعیین یک شعبه جدید برای سهند آباد یعنی برای چند پارچه ده که از سه بلوک تشکیل شده کار بیقاعده بود بنابراین انجمن نظار ولو اینکه تصدیق میکرد و بدین تکذیب نمی کرد عقیده بنده این بود که آن اقدام کار غلط و برخلاف ماده هجدهم قانون بوده است و چون کمیسیون موافق باین رأی بود و بعضی از آقایان هم که در شور اول مخالف بودند مثل آقای حضرت العزله و آقای سردار معظم مجدداً کمیسیون جلسه منعقد کرد و آن آقایان تشریف آوردند و مرحوم آقای شیخ معتمد جواد هم که خدا رحمتشان کند تشریف داشتند دوسه را ملاحظه فرمودند چون دیدند مطابق قانون است قانع شدند و فرمودند که این حرکت انجمن برخلاف قانون بوده - رایورت کمیسیون هم درست موافق با موازین قانون بوده است و این ولایتی که عرض کردم اصلاً اعزام شعبه سهند آباد برخلاف قانون بوده است آقایانیکه نمیخواهند رأی بدهند ممکن است سه

فرض بفرمایند اول اینکه همانطور که صحبت شد به تبریز بنویسند تجدید انتخابات بشانند - این مسئله گمان میکنم طرفدار زیادی نداشته باشد بالفرض هم که طرفدار داشته باشد موافق قانون نیست دوم اینکه گفته شود آراء صندوق سهند آباد خوانده شود و شعبه آراء کل شود در صورتیکه عرض کردم مخالف ماده هجدهم است فرضاً که بفرمایند مطابق قانون است آیا این مطلب عملی است خیر این مطلب امروز عملی نیست که انجمن نظار سابق دو مرتبه بنشیند و استعراج آراء بشانند اگر اشتباه نکرده باشم یکی از آقایان در جلسه قبل فرمودند که صندوق سهند آباد را کمیسیون یا شعبه نیاورد که آراء آن استعراج کند قانون انتخابات این حق را به مجلس نمی دهد فقط انجمن باید ملنا در حضور موکلین استعراج آراء بشانند و اگر بشا شود مجدداً استعراج آراء شود بایستی همان نظار را که بعضی از آنها قوی و بعضی مسافرانند مجدداً بیاورند و استعراج آراء کنند و بر فرض اینکه این مطلب هم شد آنوقت تازه مراجع سهند آباد یک شکایاتی هست که اگر آن شکایات را عمل توجه قرار دهیم باز باید تجدید انتخابات شود زیرا چندین دهات دیگر نیز در اطراف هست که گویند ما در مسئله سهند آباد شرکت نکرده ایم باز در مسئله سوم یکسهند آباد دیگر پیدا خواهد شد و این مسئله یک چیزی است که در مجلس سابقه ندارد زیرا اگر اعتبار نامهای که گذشته است ملاحظه فرمایید ایلاتی بوده اند که مشارکت در انتخابات نکرده اند و چون موافق گذشته بود رأی داده شد که حقشان سافط باشد و هم چنین بلوکانی بوده است که اسمی آنها در جدول ذکر شده است و شرکت در انتخابات نکرده بودند یکی دوشهر هم هست که در انتخابات شرکت نکرده بودند و در مجلس تصدیق کرد که چون خودشان قصور کرده اند از حق انتخاب محروم هستند .

اهالی سهند آباد خودشان عقب گرد اند و بگمان بنده هیچ اشکالی ندارد و جریان انتخابات آذربایجان هم هیچ شکایتی ندارد و نسبت بصلاحت منتخبین هم اگر آقایان موافق باشند کمیسیون نیز رایورت به مجلس خواهند داد و اگر هم مایل نباشد شعبه رجوع می شود و انشاء الله در چند روز نتیجه گرفته و رایورت و کلای آذربایجان را خواهیم داشت گمان میکنم باین توضیحی که عرض کردم دیگر اشتباهی باقی نمانده باشد و اگر هم اشتباهی باشد هم آقای مخبر و هم بنده حاضر هستیم دفاع کنیم .

نایب رئیس - عده از آقایان نمایندگان اجازه خواسته اند که در این باب مذاکره شود و عده دیگر پیشنهاد کرده اند که مذاکرات در این باب کافی است .

آقا میرزا هاشم آشتیانی - اگر اجازه می فرمایند بنده توضیحی راجع بفرمایشات شاهزاده دارم عرض کنم .

نایب رئیس - راجع بفرمایش خودتان ممکن است ولی راجع باظهارات ایشان ممکن نیست و اگر بشا شود در این باب مذاکره شود باید ترتیب مذاکره

شود و اگر هم کافی است که مذاکره ختم خواهد شد . . .

ارباب کیهن خور - بنده توضیحی راجع بعرض خود داشتم و آن این بود سؤالی را که از آقای مخبر نمودم بصورت مخالفت با موافقت نبود بنده فقط می خواستم بفهمم ولی حضرت والا شاهزاده تصور فرمودند که بنده مخالف هستم و معتقد می خواستم این توضیح را عرض کرده باشم

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده در مسئله اعتبار نامه ها توضیحی داشتم

نایب رئیس - ابتدا در اساس مطلب برای می گیریم بعد در حق ثانیه مذاکره میکنیم آقایان موافق هستند که مذاکرات کافی است

محمد هاشم میرزا - باید رأی بگیرند بنده مخالفم

نایب رئیس - رأی میگیریم

آقایانیکه مذاکره در رایورت را کافی می دانند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - رأی می گیریم رایورت کمیسیون رأی رایورت کمیسیون دومطلب دارد که باید تفکیک شود یکی راجع است تصدیق صحت انتخابات تبریز و توابع با ابطال آراء سهند آباد قسمت دیگر راجع به تعیین معالی است که نسبت بصلاحت منتخبین باید اظهار عقیده کنند طلب را تفکیک میکنم ابتدا رأی می گیریم در صحت جریان انتخابات تبریز با ابطال آراء سهند آباد آشتیانی که با رایورت کمیسیون باین ترتیب موافق هستند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است

مطلب دیگری که در این رایورت هست راجع به تعیین صلاحیت منتخبین است که باید یک معالی که حق مداخله در این کار را داشته باشد ارجاع شود آقای آشتیانی

(اجازه)

آقا میرزا هاشم آشتیانی - عرض بنده این بود برای تعیین صلاحیت منتخبین آذربایجان بایستی شعبه رجوع شود و در شعبه رسیدگی شده رایورت این به مجلس تقدیم شود

محمد هاشم میرزا - بنده هم در همین قسمت یک عرضی داشتم اگر مخالفی نیست عرض کنم . . .

نایب رئیس - البته این مطلب یا شعبه مراجعه می شود و یا همین کمیسیون حق داده میشود و در این زمینه پیشنهادی از طرف شاهزاده سلیمان میرزا رسیده است خوانده میشود بوقت آشتیانی که با پیشنهاد موافق هستند که ارجاع به همین کمیسیون بشود اظهار موافقت خواهند کرد و آقایانیکه مخالف هستند نتیجه مخالفتشان این خواهد بود که شعبه ارجاع شود - اشتباه کردم پیشنهاد از طرف آقای آقا معنوب است

پیشنهاد مزبور را آقای تدین بمضمون ذیل فراتر نمودند .

مقام محترم ریاست مجلس

این بنده پیشنهاد میکنم که کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان رایورت یکان یکان نمایندگان آذربایجان را نوشته و تقدیم مجلس شورای ملی نمایند . . .

سلیمان میرزا بنده بپیشنهادی که مخبر محترم فرموده اند

موافقم ولی برای توضیح خدمت آقایان عرض میکنم که چون نظر ما را بتسریع در امر انتخابات آذربایجان است و می خواهم رفقای محترم را زودتر به مجلس بیاورم اگر به مراتب مراجعه شود باید در هر شعبه تمام این دوسه ها خوانده شود و این معنی وقت لازم دارد و اسباب تمویق امر است و باید آقایان در نظر داشته باشند که چند وقت است کمیسیون در امر انتخابات آذربایجان مطالبه کرده و در این مدت کمیسیون بهر وسائلی که بوده اطلاعات کافی از این انتخابات بدست آورده حالا خواه شعبه برود و خواه بکمیسیون فرقی نمیکند و لکن طرفداری کمیسیون از نقطه نظر تسریع کار است اگر آقایان هم میل دارند شعبه برود هیچ اشکالی ندارد ولی می خواهم یک مطلبی را بعرض آقایان برسانم و آن این است که این مطلب سابقه هم دارد و کمیسیونای تحقیقی که برای سایر انتخابات مجلس معین کرده یکسان یکسان رایورت افراد را داده اند ما هم می توانستیم با افراد یکسان یکسان رایورت بدهیم ولی احتیاط کردیم

حالا اگر رجوع کردند تحقیق می کنیم همین قدر خاطر آقایان را متذکر می کنم که شکایات شخصی راجع باین چیز نیست مگر بکلیت و شاید نسبت بکلیت دیگر هم بعضی اوراق شکایاتی رسیده باشد که ما هنوز ندیده ایم مقصود این است پیشنهادی که آقای مخبر فرموده اند نظر بتسریع رسیدگی است چون کمیسیون کلاً اطلاعات دارد شاید بتواند رایورت خود را برای جلسه بعد حاضر کند

نایب رئیس - آقای مستشار السلطنه موافقت .

مستشار السلطنه - بلی

نایب رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - اینکه حضرت والا فرمودند این مسئله در مجلس سابقه دارد سابقه ندارد زیرا نسبت برایورت هایی که در مجلس مذاکره شده است و رجوع بکمیسیون تحقیق شده است پس از آئین رایورت از شعبه به مجلس بود که در شعبه رسیدگی شده و به مجلس آمده در آنی مراجعه بکمیسیون شده در مجلس چنین سابقه نیست مگر قضیه غار و قشایویه که هنوز تصفیه نشده بلی تصدیق می کنم لازم است نمایندگان آذربایجان هر چه زودتر وارد مجلس بشوند اما دیگر از کثرت شوق بآمدن نمایندگان آذربایجان ما نباید قانون و نظامنامه را زیر پا بگذاریم معلوم است کمیسیون

رسیدگی با انتخابات آذربایجان زودتر از شعبه ابتکار و امپکتد ولی مایک نظامنامه داریم و مطابق آن باید عمل کنیم

کمیسیون مرحله اولیه را که بمنزله نظریات انجمن نظارت مرکزی باشد خاتمه داده ولی راجع بصلاحت اشخاص مطابق نظامنامه باید شعبه نظریات خود را بکند و هیچ فرقی نمیکند چه شعبه برود یا بکمیسیون تحقیق - اما راجع باینکه فرمودند اعتبار نامه به نمایندگان آذربایجان داده نشده است البته حضرت والا بهتر می دانند ولی یکی از اعضا انجمن نظارت میگوید اعتبار نامه داریم دیگری میگوید ندارند اینها باید رسیدگی شود که اعتبار نامه داده شده است یا داده نشده است و باید رایورت تمام این مطلب بطور جامع به مجلس بیاورند

مستشار السلطنه - اینکه آقای حاج شیخ اسدالله میفرمایند وظیفه کمیسیون تحقیق انتخابات آذربایجان این بوده است که بپتند اعتبار نامه داده شده است یا داده نشده است

باید بدانند همان وظیفه را که شعبات راجع برسدگی به جریان انتخابات دارند و صحت جریان انتخابات تصدیق یا تردید می کنند این کمیسیون که مرکب از اشخاص دقیق بوده این دقت هارا که در خود کمیسیون و شعبه بوده نموده و صحت انتخابات را تصدیق کرده حالا اگر ما بخواهیم صلاحیت هر یک از آقایان میبوتن نه گانه را تقسیم بکنیم به شعبات البته باید همین دوسه که موجود است بآن شعبات ببرند و در ظرف چندین ماه با چندین روز در شعبات شش گانه مطالعه کنند و این خیلی طول خواهد کشید اما ندانم اعتبار نامه نه از این نقطه نظر بوده است که انجمن نظارت مرکزی صحت انتخابات را تصدیق نکرده باشد بلکه تصدیق کرده ولی جهت ندادن اعتبار نامه اولاً بواسطه تغییر حکومت بوده

ثانیاً همین اتفاق که درباره سهند آباد افتاده و عدم قرائت آراء سهند آباد باعث شده است که اعتبار نامه نداده اند این مسئله هم که در همین رأی حالیه حل شود سهند آباد از بین رفت فقط مسئله میبوتن و مسئله صلاحیت منتخب در پیش است و با علاقه مندی که تمام نمایندگان ورود نمایندگان آذربایجان دارند و موقعیت آذربایجان هم از هر نقطه نظری که ملاحظه شود لازم است میبوتن آن قسمت هر چه زودتر در این کرسیهای خودشان جلوس کرده و شرکت در مقررات مملکت بکنند لذا بنده پیشنهاد آقای مخبر را قویاً تصدیق میکنم و شرکت می کنم در اینکه کمیسیون رایورتها را تهیه کرده و تقدیم مجلس نماید

نایب رئیس - عده از نمایندگان محترم اجازه خواسته اند آراء مذاکرات کافی است

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده عرض داغتم .

نایب رئیس - شاهزاده محمد هاشم میرزا موافقت .

محمد هاشم میرزا - بنده مخالفم و عرض

می کنم که در طرز جریان انتخابات عرض داشتم که موقع گذشت بملاوه عرض می کنم مطالبی که باید گفته شود هیچ مربوط بمطالب خارج از موضوع نیست مثلاً اگر بنده توضیح بخواهم هیچ مربوط باین نیست که بنده مخالفت با ورود نمایندگان آذربایجان دارم و عرض می کنم همیشه حرفهای من تمویق میشود بنده با انتخابات کاملاً موافق بودم و اینکه فرمودند باید شعب شش گانه رجوع شود اینطور نیست گویا فراموش فرمودند که اعتبار نامه ما بترتیب حروف تهجی بشعبها تقسیم میشود و اینها نامیده ترین هستند بیک شعبه یا دوشعبه بیشتر نخواهد که بیشتر از کمیسیون طول بکشد به علاوه هیچ فرقی ندارد البته همه بایک نظر دقت و یک نظر وظیفه شناسی ملاحظه نموده و رایورت خود را بعرض مجلس خواهند رسانید مطلب هم آنقدر مهم نیست و شعب هم می تواند در ظرف دوروز یا سه روز رایورت آنها را بعرض مجلس برساند متأسفانه نیست بکمیسیون تحقیق انتخابات برود که در ظرف دو ساعت با تمام پرسد خبر باید در هر کدام دوسه روز تحقیق شده بعرض مجلس برسد و اگر غیر از این باشد مخالف با نظام نامه است

نایب رئیس - آقای سید الملک موافقت یا مخالف

سید الملک - فرمایش شاهزاده سلیمان میرزا مرا قانع کرد

نایب رئیس - آقای آقا سید یعقوب راجع به پیشنهاد خودتان اگر فرمایشی دارید بفرمایند

آقا سید یعقوب - بنده گمان میکنم بعد از توضیح شاهزاده سلیمان میرزا نه برای بنده نه برای آقای حاج شیخ اسدالله و آقای آشتیانی مخالفتی باقی نماند زیرا در یک محله که تمام مطالب پیش او روشن است و تمام استنادی که باید باشد پیش او حاضر است و آقای حاج شیخ اسدالله هم فوق العاده میل دارند نمایندگان آذربایجان بلسرع وقت در مجلس حاضر شوند و ما هم میتوانستیم این مسئله را تساهل تمام کنیم دیگر دلیل ندارد بشمائی که الان در حال انجلا است رجوع کنیم بنابر این مراجعه این مسئله بکمیسیون بهتر است تا اینکه به شعب رجوع شود بنده خیلی میل دارم نمایندگان آذربایجان زود تر بیایند که هم اوضاع آذربایجان اصلاح بشود و هم واقعاً ما بگوئیم که در دوره چهارم نمایندگان آذربایجان در مجلس حاضر شده اند لهذا خدمت آقایان عرض میکنم که برای خاطر جلب نمایندگان آذربایجان مراجعه بکمیسیون بهتر است زیرا تمام اسباب این کار در کمیسیون حاضر است و اگر آقایان عقیده دارند که نمایندگان آذربایجان زودتر حاضر شوند این مسئله را باید تصدیق کنند و اگر مثل آقای حاج شیخ اسدالله که ظاهر آما بایند و اطمینان میل ندارند خیر

نایب رئیس - فرمایش جنابعالی را بنده تکذیب میکنم نمایندگان محترم هر چه اظهار میکنند ظاهر او باطناً یکی است . آقای آشتیانی (اجازه)

بازاری - خارج موزی - بهار - بسیار - پاییز و زمستان

آذربایجان نه‌یسیون تائی که عرض کردم علاوه بر